

مکتب انقلاب اسلامی

راهنمای حرکت عمومی
به سوی تمدن نوین اسلامی

عمومی





بِسْمِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



مجلس شورای اسلامی

مکتب انقلاب اسلامی، راهنمای حرکت عمومی به سوی تمدن نوین اسلامی

حرفی نو در باب مکتب انقلاب اسلامی

ویژه مخاطبین عموم و نخبگان

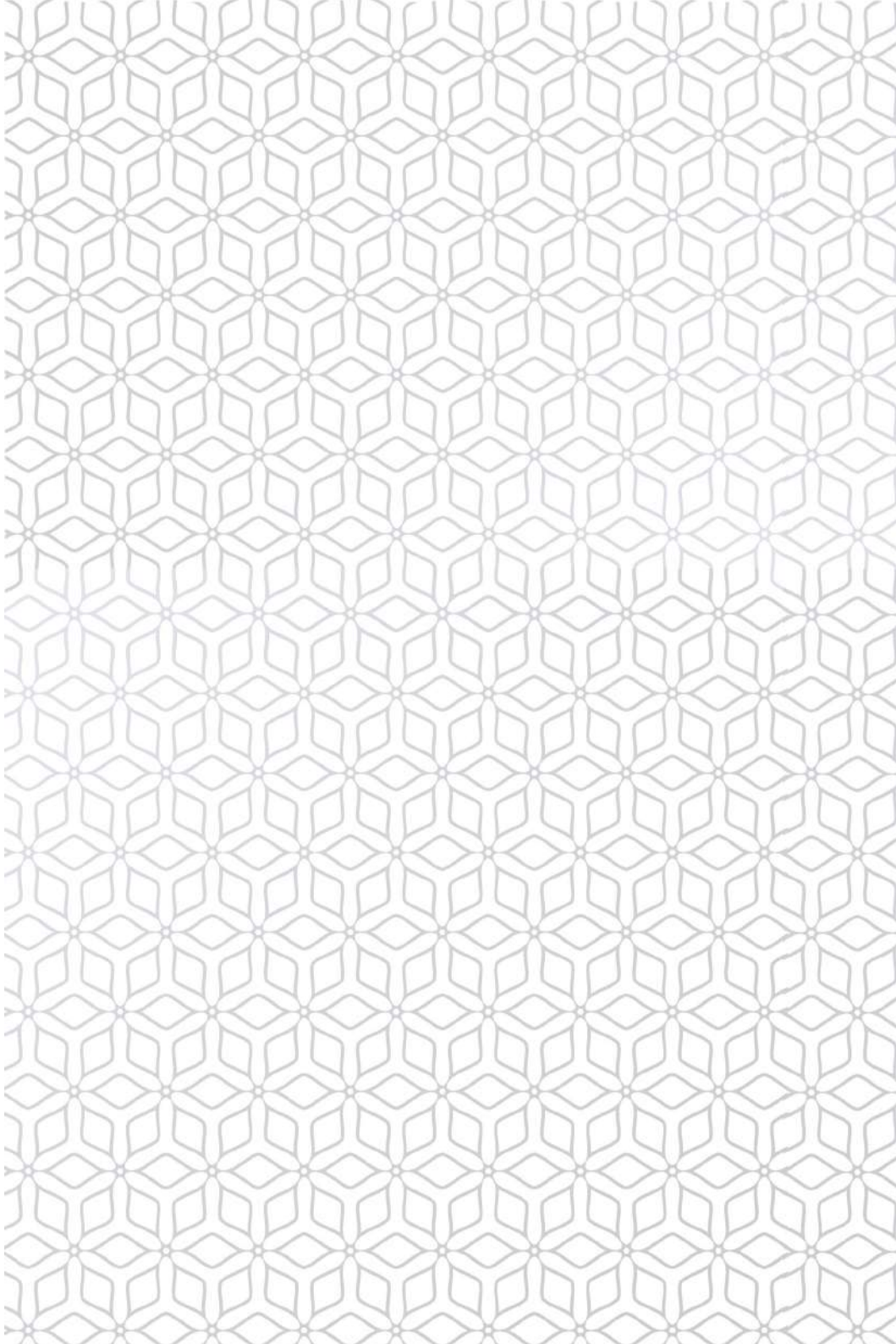
تهیه و تدوین :

معاونت پژوهش بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

آذرماه ۱۳۹۹

bfanis.ir





فهرست

پیشگفتار

مقدمه

- ۱۳..... خاستگاه مبحث فرآیند
- ۱۵..... فرآیند تحقق اهداف اسلامی چیست؟
- ۱۷..... فایده مبحث فرآیند تحقق اهداف اسلامی
- ۱۸..... مبانی دینی «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»
- ۱۹..... در کدام مرحله ی فرآیند هستیم؟
- ۲۰..... چگونگی فرآیند تحقق اهداف اسلامی
- ۲۲..... ضرورت پشتیبانی راهبردی از فرایند تحقق اهداف اسلامی

بخش اول

- ۲۷ **ضرورت تبیین مکتب انقلاب اسلامی و شناخت وضع موجود**
- ۲۹..... نگاه کلی به سخنرانی ۱۲ آذرماه ۷۹
- ۳۱..... ضرورت شناخت مکتب انقلاب
- ۳۲..... ضرورت تحلیل انقلاب اسلامی
- ۳۳..... انقلاب اسلامی، عقب گرد یا پیشرفت؟
- ۳۴..... سرعت انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف
- ۳۶..... مأموریت انقلاب اسلامی، همان مأموریت بعثت

بخش دوم

- ۳۹..... **مبانی فکری و عقیدتی نظام اسلامی**

مدخل

- ۴۱..... توحید
- ۴۳..... تکریم انسان
- ۴۵..... تداوم حیات بعد از مرگ

۴۶ استعداد بی پایان انسان
۵۰ جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح
۵۲ نتایج عملی و وظایف مبتنی بر مبانی
۵۲ ۱- عبودیت و اطاعت خداوند
۵۴ ۲- هدف گرفتن تعالی انسان
۵۷ ۳- ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی
۵۹ ۴- مجاهدت و تلاش و مبارزه
۶۰ ۵- امید به پیروزی در همه شرایط
۶۳ فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی
۶۵ پیروی از هوی و طول امل، عمده ترین خطر انقلاب اسلامی
۶۷ مردم سالاری دینی، ملاک تصحیح اخلاق، رفتار و منش مسئولان

بخش سوم

۷۱ نقشه راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی
۷۳ نقشه راه حرکت انقلاب اسلامی
۷۴ مرحله دولت اسلامی و مشکلات عدم تشکیل آن
۷۸ نتایج عدم تحول و تربیت معنوی
۸۱ منش و روش کارگزاران در بیان حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۸۲ نیاز اساسی به فهم کارساز
۸۴ شناخت جریان‌های رایج در کشور
۸۷ یاران انقلابی امام حاضر پای انقلاب
۸۸ مبارزه ادامه دارد...

بخش چهارم

۹۳ مفهوم‌شناسی بیانیه گام دوم و جایگاه آن در مکتب انقلاب اسلامی
۹۵ مدخل
۹۵ مکتب انقلاب اسلامی، دانش پشتیبان بیانیه گام دوم

۱. مکتب اندیشه و راهنمای عمل به بیانیه ۹۶
۲. نگاهی جامع و دارای منظومه در رجوع به بیانیه ۹۶
۳. لزوم داشتن نگاه کلان در مراجعه به بیانیه ۹۷
- نگاهی اجمالی به ساختار کلی بیانیه ۹۷**
- الف) مقدمه ۹۷
- ب) شروع انقلاب بدون سرمشق و تجربه ۹۹
- ج) تبدیل شدن جهان دو قطبی به سه قطبی ۱۰۰
- د) ترکیب جمهوریت و اسلامیت از برکات انقلاب اسلامی ۱۰۱
- ه) آسیب‌شناسی وضعیت موجود انقلاب اسلامی ۱۰۲
- شناخت جایگاه گام اول و گام دوم در حرکت انقلاب اسلامی ۱۰۶**
۱. توجه به فرآیند پنج مرحله و رابطه آن با بیانیه گام دوم ۱۰۷
۲. تفاوت گام اول با گام دوم ۱۰۸
- گام اول: مقاومت و پیشرفت ۱۰۸
- گام دوم، حرکت پیش رونده ۱۱۰
- شناخت عمیق فرآیند پنجگانه به عنوان پیش‌نیاز در فهم بیانیه گام دوم ۱۱۱**
۱. انقلاب اسلامی ۱۱۱
۲. نظام اسلامی ۱۱۳
۳. دولت اسلامی ۱۱۶
۴. جامعه اسلامی ۱۱۶
۵. تمدن اسلامی ۱۱۷
۶. ترتیب و ترتب داشتن این مراحل بر یکدیگر ۱۱۸
- جایگاه راهبردی بیانیه گام دوم و ارتباط آن با مکتب و فرآیند انقلاب اسلامی ۱۲۰**
۱. وضعیت مراحل پنجگانه در گام دوم ۱۲۰
۲. تشکیل دولت اسلامی در چهل سال دوم انقلاب و ایجاد بازدارندگی ۱۲۵

پیشگفتار

دوازدهم آذرماه، سالگرد بیانات بسیار مهم و جامع و پر رمز و راز و پر فراز و نشیبی است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۷۹، در جمع کارگزاران و مسئولان نظام، در ماه مبارک رمضان ایراد کردند. آن چه که باعث می‌شود این سخنرانی مهم و پر اهمیت مورد تاکید قرار بگیرد، شرایطی است که انقلاب اسلامی امروز در آن قرار دارد.

کمابیش ما با مخاطرات، دغدغه‌ها، نگرانی‌ها، مشکلات و چالش‌های انقلاب آشنا هستیم. دغدغه‌مندان و کسانی که نسبت به انقلاب اسلامی دل بستگی دارند، هر کدام از یک زاویه‌ای و در عین حال با یک احساس مشترکی نسبت به این موضوع، همدردند. در عین حال حرکت انقلاب اسلامی بنابر فرموده رهبر معظم انقلاب روبه جلو بوده و پیش رفته است و امروز فرصت‌های بسیار مهمی پیش روی انقلاب اسلامی قرار دارد. همین فرصت‌ها و تهدیدها، ما را بر آن می‌دارد که سراغ ارکان معارف انقلاب اسلامی رفته و به این ارکان و ستون‌های اساسی و محکم تکیه بدهیم و از این طریق گام

های خودمان را در تحقق اهداف انقلاب اسلامی و اجرای فرامین امام حاضر انقلاب محکم کنیم.

امروز، در عین حال که زمانه‌ی لرزیدن گام‌ها و قدم‌ها و ریزش‌های جدید هست، دورانی است که در کنار ریزش‌ها رویش‌های بسیار مبارکی وجود دارد که باید آن‌ها را قدر دانست و مراقبت کرد و سنت الهی این است که همواره رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه کنند. «سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»^۱.

هدف از این نوشتار تبیین مکتب انقلاب اسلامی بر مبنای سخنرانی ۱۲ آذر سال ۷۹ رهبر معظم انقلاب می‌باشد که باید با فهم درست و کارساز اسلامی، انقلاب و مبانی آن و همچنین وظایف را شناخت که بتوان طبق آن حرکت کرد.

در مقدمه این نوشتار، سعی شده است نمای کلی از بحث مکتب انقلاب اسلامی مبتنی بر سخنرانی ۱۲ آذر ۷۹ رهبر انقلاب ترسیم شود تا خواننده محترم بتواند از مباحث این نوشتار که شامل فصل‌های ذیل است فهم کامل‌تری به دست آورد:

در فصل اول این کتاب تبیین ضرورت شناخت مکتب انقلاب و همین‌طور شناخت مختصری از ویژگی‌های انقلاب اسلامی و وضع موجود مبتنی بر مکتب انقلاب اسلامی آورده شده است (البته این بحث به طور مبسوط در دفتاتر دهگانه اشاره شده است).

در فصل دوم، مبانی پنجگانه فکری انقلاب اسلامی و همچنین نتایج عملی و مبتنی بر همین مبانی که رهبر انقلاب در سخنرانی ۱۲ آذر اشاره

نمودند بحث شده است.

در فصل سوم و آخر این کتاب هم مساله نقشه راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی و همچنین مسیر حرکت به سوی دولت اسلامی که سومین مرحله از فرآیند است - که به فرموده رهبر انقلاب ما چندین سال است که در این مرحله مانده ایم و بایستی این مرحله را طی کنیم - مورد بحث قرار گرفته است تا خوانندگان محترم نسبت به وظایف مهم و کنونی خویش کاملا آگاه شده و در صدد عملیاتی کردن این وظایف برآیند.

در نهایت بایستی بدانیم که به فرموده معظم له خرمشهرها در پیش است و باید خرمشهرهای اشغال شده توسط دشمن آزاد شود، لذا انقلاب اسلامی تلاش جوان مومن انقلابی برای تشکیل دولت اسلامی و آزادسازی این خرمشهرها را می طلبد و باید همواره از خداوند منان مدد بخواهیم که در این راه از مجاهدت و مبارزه باز نایستیم و همواره ثابت قدم بمانیم.

بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی

آذرماه ۹۹

مقدمه

خاستگاه مبحث فرآیند

سال ۷۹ را می توان سرآغاز طرح صریح بحث مهم «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»^۱ از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی دانست. «مبحث فرآیند...» به چیستی، چرایی و چینش مراحل پنجگانه انقلاب، نظام، دولت، کشور و بین الملل اسلامی و چگونگی تحقق آن در بستر و خاستگاه نهضت اسلامی مردم ما می پردازد. این مبحث از ظرفیت بسیار بالایی برای تبدیل شدن به یک پارادایم و گفتمان ملی، اسلامی و جهانی، در همه سطوح، از نخبگان تا عامه مردم برخوردار است.

نهضت اسلامی مردم ایران در دهه پنجاه و شصت، دو مرحله ی پیروزی

۱. رهبر معظم انقلاب اسلامی در سال ۸۰ فرمودند: من سال گذشته عرض کردم: «فرآیند تحقق هدفهای اسلامی»، یک فرآیند طولانی و البته دشواری است. به طور نسبی انسان به آن اهداف نزدیک می شود؛ اما تحقق آنها، بسیار طولانی است. (۸۰/۹/۲۱) همچنین در سال ۹۰ در بیان معنای مرحله اول فرآیند که انقلاب می باشد فرمودند: منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه ی اول است - حرکت انقلابی است؛ و الا به یک معنا انقلاب شامل همه ی این مراحل میشود (۹۰/۷/۲۴) با این توضیح می توان هر دو تعبیر را «فرآیند تحقق اهداف اسلامی و فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی» به عنوان تابلوی این بحث استفاده کرد و ما نیز به تناسب چنین کرده ایم.

انقلاب اسلامی و تشکیل نظام اسلامی را با موفقیت پشت سر گذاشت. در سرآغاز دههٔ ۷۰ رهبر معظم انقلاب اسلامی اعلام کردند، امروز مانع عمده و غیر قابل عبوری برای حرکت به سمت دولت اسلامی، کشور اسلامی و جهان اسلام وجود ندارد.^۱

اما پس از ۹ سال، معظم له در سال ۱۳۷۹ و در یکی از حساس ترین مقاطع انقلاب اسلامی،^۲ با اعلام اینکه ما دولت اسلامی در حد مطلوب نداریم، در یک سخنرانی حکمت آمیز، پر محتوی و مفصل به آسیب شناسی، راه شناسی و رهگشائی نهضت اسلامی ایران و طرح بنیادی و راهبردی عمیق، منسجم، اصیل و کارآمد «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» پرداختند.

ایشان همین مضمون را در سالهای ۸۱ و ۸۳ تکرار نموده و دو بار در سال ۸۴ در فضائی متفاوت بر همان بحث تأکید نموده و به تبیین و تکمیل آن پرداختند. سرانجام بازهم در مهرماه ۱۳۹۰، که شرایط داخلی متفاوتی نسبت به سال ۸۴ کشور پدید آمده و در عین حال موقعیتی سرنوشت ساز و کم نظیر در بین الملل اسلامی در وضع بیداری اسلامی، ارزشی و انقلابی ملتها و به تبع آن در اروپا و آمریکا ظهور کرده بود، معظم له با ویرایش جدید و متناسب مبحث «فرآیند»، به بازخوانی هویت و شاکلهٔ کلی انقلاب پرداختند. از آن پس و قبل از آن نیز تا کنون مرتباً اجزاء این بحث به انحاء مختلف مورد توجه معظم له بوده است. از جمله آن طرح مبحث «شاخص های دولت مطلوب اسلامی» در شهریور سال ۹۰ و در دیدار کابینه دولت یازدهم بوده که به نظر

۱. ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه‌ی اسلامی و دنیای اسلامی برداریم. (۷۰/۱۱/۱۴) گفت و شنود با میهمانان خارجی دهه فجر

۲. شش ماه پس از فتنه اول در سال ۷۸ رهبری می فرماید: دشمن از بعد از رحلت امام یک برنامه‌ی ده ساله را طراحی کرد تا در طول ده سال آن را به نهایت برساند. ۱۳۷۸/۱۰/۰۴

می‌رسد سرّ تکرار و غالباً تصریح ایشان به این تکرار^۱ و پایداری معظم له در طرح مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» در آغاز سه دهه ی ۷۰، ۸۰ و ۹۰، این است که این موضوع جایگاه ویژه ای در نظر رهبر معظم انقلاب اسلامی دارد. لذا برای پیشروان انقلاب اسلامی و پیروان و همراهان صدیق ایشان از دو جهت شایسته ی توجه خاص می‌باشد:

این مبحث مهم در هدایت حرکت انقلاب اسلامی به سوی اهداف متعالی آن دارای اهمیت و نقش راهبردی است. تا کنون از سوی نخبگان جامعه و مسئولان کشور توجه و اهتمام کافی و شایسته ای به این موضوع نشده است.

فرآیند تحقق اهداف اسلامی چیست؟

براساس فرمایشات رهبر معظم انقلاب، گفتمان «فرآیند تحقق اهداف

۱. تکرار و تصریح رهبر معظم انقلاب بر تکرار فرآیند را در عبارات زیر می‌توان دریافت. این سیاق بیان یک مطلب و این اسلوب از جانب یک حکیم چه معنایی دارد؟
 سال ۸۰: من سال گذشته عرض کردم «فرآیند تحقق هدفهای اسلامی» یک فرآیند طولانی و البته دشواری است... (در جمع کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۸۰/۹/۲۱)
 سال ۸۳: بنده دو سه سال قبل در یکی از همین جلسات گفتم ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله ی بعد... (دیدار مسئولان نظام ۸۳/۸/۶)
 سال ۸۴: من چند سال قبل عرض کردم که مرحله ی بعد از نظام اسلامی، دولت اسلامی است... (خطبه های نماز جمعه تهران ۸۴/۵/۲۸)
 سال ۸۴: مسأله ی دولت اسلامی... من به این موضوع در نماز جمعه اشاره یی کردم... من چهار پنج سال پیش همین جا در حسینیّه این مطلب را با مجموعه ی کارگزاران مطرح کردم؛ گفتم انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی و بعد کشور اسلامی (دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۸۴/۶/۸)
 سال ۹۰: یک زنجیره ی منطقی وجود دارد؛ پیش ها این را گفتیم، بحث شده. حلقه ی اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است... (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۹۰/۷/۲۴)

اسلامی» متکفل بیان این بحث است که با پیروزی انقلاب اسلامی موقعیتی استثنائی و فوق العاده برای تحقق یک نظام اسلامی و دولت اسلامی و جامعه نمونه اسلامی در ایران و زمینه تکرار این پدیده در بین الملل اسلامی فراهم آمد. خلاصه کلام رهبر معظم انقلاب در مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» این است که:

در کشور ایران، انقلابی بی سابقه بر مبنای اسلام واقع شد. بر اساس این انقلاب، نظامی با مختصات اسلامی شکل گرفت. مبتنی بر نظام اسلامی، لازم بود دولت اسلامی مطلوب را تشکیل دهیم اما ندادیم و باید آن را ایجاد کنیم. ما تا دولت اسلامی را نسازیم نمی توانیم متوقع تحقق کشور اسلامی و جامعه نمونه اسلامی باشیم. جهان امروز خلأ یک تمدن برتر را حس میکند و انقلاب اسلامی سر آغاز این تمدن الهی اسلامی است.

«فرآیند تحقق اهداف اسلامی» پارادایم اصیل انقلاب اسلامی است. پس از آنکه بیش از دو دهه کشور در مهمترین بخش دولت اسلامی - یعنی قوه مجریه- از سوی عده‌ای از مسئولان، دست‌اندرکاران و فعالان در جمهوری اسلامی در اداره، متأثر از پارادایم اسلام التقاطی بود- یک دهه متأثر از اسلام سوسیالیستی و ۱۶ سال متأثر از اسلام لیبرالی^۱، «پارادایم فرآیند» باید دولت

۱. در دهه‌ی اول، پیشرفت را بسیاری از انقلابیون در الگوی چپ؛ چپ دهه‌ی شصت، یعنی الگوی گرایش‌مند به سوسیالیسم می‌دیدند. هر کس هم مخالفت میکرد، یک تهمتی، لکه‌ای، چیزی متوجهش میکردند. یک عده‌ای از مسئولین، دست‌اندرکاران، فعالین عرصه‌ی کار در جمهوری اسلامی، نگاهشان نگاه حاکمیت دولت و مالکیت دولت بود؛ خوب، این نگاه، نگاه غلطی بود. نگاه به پیشرفت کشور از زاویه‌ی دید تفکر شرقی سوسیالیستی چپ محسوب میشد؛ این غلط بود. البته غلط بودن این خیلی زود فهمیده شد، حتی آن کسانی که آن روز مروج همین دیدگاه بودند ناگهان صد و هشتاد درجه برگشتند! آن افراط به یک تفریط حالا تبدیل

اسلامی را به معنی حقیقی ایجاد نماید.

همچنین «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» می گوید:

هدف چیست؟

نقشه ی راه چیست؟

چه مراحل و منازلی دارد؟

ما در کدام منزل و مرحله هستیم؟

مرحله فعلی چه مختصاتاتی از نظر شرایط، موانع، اهداف و... دارد

فایده مبحث فرآیند تحقق اهداف اسلامی

توجه به مبحث «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» از سوی مسئولان، مدیران، برنامه ریزان و نخبگان کشور، تغییراتی در فکر و اندیشه و سپس در رفتارها، برنامه ها، حرکت ها و فعالیت هایشان ایجاد می کند. «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» یک فرآیند است که در آن مبانی نظری، اصول بنیادین، راهبردها، برنامه ها و اقدامات عمده کشور را در زمان حال و آینده معین کرده و اولویتهای حرکت، جهت و برنامه های مسیر آینده انقلاب اسلامی را مشخص می کند. «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» جامع آموزه های رهبری، بسترارزیابی نهضت، انقلاب و نظام اسلامی، محور نظری وحدت نیروهای انقلاب، ادبیات پایه ی بحث دولت، کشور و تمدن اسلامی، مبنای شکل بندی اصیل جریانهای فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، شناساننده وضع و ماهیت چالشهای خارجی و

شد. یک برهه ای از زمان، نگاه به پیشرفت، نگاه غربی بود؛ یعنی همان راهی که آنها رفتند، اینها هم باید بروند؛ تصورشان این بود. خودشان را در حد انگلیس و فرانسه و آلمان هم نمی دیدند؛ در حد همین کشورهایی مثل کوره ی جنوبی میدیدند. این هم رد شد. امروز در ذهن و فکر مسئولان و به صورت یک گفتمان عمومی در ذهن نخبگان و فرزندانگان، نقشه ی پیشرفت غربی کشور رده شده است؛ غلط از آب درآمده است. (دیدار اساتید

داخلی حال و آینده و نهایتاً شتاب دهنده حرکت پیش برنده و پیش رونده نهضت و انقلاب اسلامی است.

مبانی دینی «فرآیند تحقق اهداف اسلامی»

«اسلام» مبنای حرکت نهضت ما و آبخور اندیشه ای حرکت ماست.^۱ لذا اسلام اولین و والاترین معنای بی بدیل مطلوب و آرمانی ما و پرچمی است که این نهضت زیر این لواء به پیش می رود. اما آنگاه که به محتوای اسلام نظر می اندازیم، از خلال تعالیم اسلامی در می یابیم اسلام اهدافی مشخص دارد. لذا «اهداف اسلامی» دومین معنایی است که پدیدار می گردد. ماهیت «اهداف اسلامی» نیز ما را به سمت تحقق خویش هدایت و دعوت می کنند. اینجا مفهوم «تحقق اهداف اسلامی» تولید می شود.

و در نهایت با نگاه عمیق تر و دقیق تر به محتوای این اهداف و توجه به نهضت های انبیاء و تاریخ اسلام به روشنی معلوم می شود با اهدافی بسیار بزرگ مواجه هستیم که طبعاً تحقق آنها به صورت دفعی و ناگهانی ممکن نیست بلکه نیازمند فرآیندی طولانی، تدریجی، برنامه محور، مرحله ای و سخت است. از اینجا به تعبیر «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» می رسیم.

«فرآیند تحقق اهداف اسلامی» همان فرآیند ایجاد قدرت اسلامی^۲ است

۱. همه ی آنچه که در زمینه ی برنامه ریزها، خطوط اصلی برنامه ها را تشکیل می دهد، یک سر این برنامه های اصلی وصل است به آبخور اندیشه ی اسلامی، جهان بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی؛ که این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست؛ براساس آن برداشت و آن تلقی است که وظایف خودمان را مشخص می کنیم و می خواهیم به آنها عمل کنیم. (دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۹ / ۰۹ / ۱۲)

۲. وضع کنونی - یعنی وضع وجود یک قدرت اسلامی - شاید هزار مرتبه از بهترین حالتی که در حکومت طاغوت ممکن است یک فرد برای ترویج و پیگیری و تحقق آرمانهای الهی داشته باشد، بهتر باشد. پس بایستی این را قدر دانست. ایجاد این قدرت الهی و اسلامی، امر بسیار دشواری است. این چیزی که الان پیش آمده و شما می توانید از طریق آن، این هدفها را تحقق ببخشید، آسان به دست نیامده است. صدها شرط و

که با حاکمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) آغاز و با نهضت امامان شیعه و سپس نایبان ایشان در انتظار حاکمیت دولت حق پایدار و فراگیر، از فراز عصرها و نسل ها گذشت تا در یک فرصت تاریخی استثنائی^۱ این فرآیند تاریخی به استخلاف و تمکن گروهی از صالحان^۲ در ایران- یعنی انقلاب اسلامی- منتهی شد.

در کدام مرحله ی فرآیند هستیم؟

با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری مرحله ای که اکنون انقلاب در آن قرار دارد، مرحله تشکیل دولت اسلامی است.^۳ مقصود از دولت، نه فقط قوه مجریه بلکه کلیه قوا و کلیت دستگاههای نظام و منظور از اسلامی شدن رسیدن به نصابهای مقدور اسلام عمدتا در دو عرصه، یکی روش و منش و

سدها موقعیت باید ردیف شوند و کنار هم قرار گیرند تا حادثه‌ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد.

(دیدار کارگزاران نظام ۷۹/۹/۱۲)

۱- یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی رادریک بخش مهم از جهان «که کشور بزرگ و عزیز ایران است» تحقق بخشیم و آنها را پیاده کنیم... از بعد از صدر اسلام تا امروز هم، چنین فرصتی پیش نیامده است. موقعیت بسیار استثنایی و بخصوصی است. باید این موقعیت را مغتنم

بشماریم (دیدار کارگزاران ۷۹/۹/۱۲)

۲. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ (نور، ۵۵) خداوند به مومنان صالح از میان شما وعده حتمی داد که چون پیشینیانشان در زمین حاکم می شوند و دینشان قدرت می یابد و امنیت می یابند تا دور از شرک مرا عبادت کنند والا فاسقند (مضمون آیه)

۳. معظم له فرموده اند ما در مرحله ی سوم (دولت اسلامی) هستیم و در موضعی دیگر فرموده اند ما در مرحله دولت و کشور اسلامی قرار داریم. این دو قابل جمع هستند. به این صورت که ما در حین دولت سازی از کشور سازی هم غفلت نداریم اما باید توجه داشت با بخشهای غیر اسلامی دولت نمی توان کشور اسلامی ساخت. به هر صورت نظام، دولت، جامعه و تمدن اسلامی مراحلی مرتب هستند که در عین حال رابطه ی این مراحل را از جهت تقدم و تأخر را می توان این گونه صورت بندی نمود: تقدم اصولی مرحله ی متقدم، اعاده اقتضائی جزء مرحله ی سابق و تقدم اقتضائی جزء مرحله ی متأخر.

تفکر کارگزاران نظام و دوم نهاد، بنیاد و ساز کار های اداره حکومت^۱ می باشد.

پیش تر آمد که در آغاز دهه دوم انقلاب، شرایط برای حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه و کشور اسلامی مهیا بود،^۲ اما تا سال ۷۹، با اینکه به تعبیر رهبر معظم انقلاب مسئولان کشور سهم خوبی از حقایق اسلامی داشتند^۳ اما نتوانستند به دلیل افت و خیزها، عقب گردها، لغزشها و تردیدها و دل بستگی ها به رفتار های طاغوتی^۴ با طی این مسیر آماده و مناسب، انقلاب را به نقطه مطلوب و مقدور دولت اسلامی برسانند. لذا در سال ۷۹ ایشان فرمودند ما دولت اسلامی نداریم و از آنجا که در کنار ریزشهای دهه ی هفتاد، رویش هایی امید بخش شکل گرفته بود، لذا معظم له فرمودند باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم.^۵

چگونگی فرآیند تحقق اهداف اسلامی

با نگاه به پیشینه تاریخی دولت سازی اسلامی بلکه دولت سازی دینی، می توان گفت ماهیت تاریخ اسلام و تشیع بلکه تاریخ دین در بعد اجتماعی،

۱. عرصه اول مورد تاکید معظم له در ابتدای دهه هشتاد بود و عرصه دوم در سال ۹۰ توسط ایشان مطرح شد.

۲. گفت و شنود با میهمانان خارجی دهه فجر ۷۰/۱۱/۱۴

۳. امروز دولت ما - یعنی مسئولان قوه ی مجریه، قوه ی قضاییه، قوه ی مقننه، که مجموع اینها دولت اسلامی است - سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزشهای اسلامی را دارد؛ اما کافی نیست؛ اولش خود من. باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. (دیدار مسئولان نظام ۸۳/۸/۶)

۴. تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقبگرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه یی موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پایمان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردم شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دل بسته یی به رفتارهای طاغوتی شدیم. اسم

ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست. دیدار رئیس جمهور و هیأت وزیران ۸۴/۸/۶

۵. دیدار مسئولان نظام ۷۹/۹/۱۲

چیزی جز حرکت به سمت ایجاد قدرت دینی و اسلامی یا تشکیل حکومت دینی و اسلامی نبوده است. لذا می توان گفت روند تحقق دولت اسلامی بلکه دولت دینی در یک فرآیند طولانی تاریخی در ابتدای انقلاب اسلامی به نقطه‌ی عطف خود رسید و عملاً تحقق آن آغاز شد.

هر چند نهضت اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا کنون، متین و مستحکم به پیش رفته است^۱ و در یک ارزیابی کلان این نهضت هیچ وقت شکست خورده نبوده است^۲، اما به دلایل مختلف از جمله کندی حرکت، آسیب پذیری و هزینه های قابل پیشگیری، این روند از سرعت و استحکام مناسبی پس از انقلاب اسلامی برخوردار نبوده لذا هنوز تا نقطه مطلوب و مقدر فاصله زیادی وجود دارد.

اما دولت اسلامی مطلوب که رهبر معظم انقلاب اسلامی از سال ۷۹ با صراحت آن را مطالبه نمودند، چگونه شکل می گیرد؟

بی شک تحقق دولت اسلامی یک پروژه عظیم و خطیر بلکه یک آب‌پروژه^۳ می باشد. دولت اسلامی زمانی تحقق می یابد که افکار، عقائد و رفتار تعداد و نصاب گسترده ای از مسئولان در اداره کشور با نصابهای قابل حصول اسلام در عصر غیبت تطبیق نماید^۴ و شیوه ها، سازو کارها و ساختارهای اداره امور

۱. در همه ای میدانهایی که ما و امریکا با هم مواجهیم، او قدم به قدم عقب‌نشینی میکند؛ ما عقب‌نشینی نمیکنیم؛ ما جلو میرویم دیدار رهبران گروه‌های جهادی فلسطینی ۸/۱۲/۸۸

۲. اعتقاد من این است که در همه ای میدانهایی که آنها با ما پنجه درافکندند و مقابله کردند، ما پیروز شدیم. پیروزی به یکی از دو معنا؛ یا ما فائق آمدیم و غلبه کردیم، یا نگذاشتیم طرف مقابل پیروز شود و او را ناکام گذاشتیم. دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما ۱۱/۹/۸۳

۳. در اینجا با معنای متعارف پروژه در مقابل پروسه مواجه نیستیم. اصولاً روش ما ورود به این دایره ی مصطلحات عرفی خاص نیست بلکه از این واژه ها معانی عرفی عام آنها اراده شده است

۴. رک. به سخنان رهبر معظم انقلاب در ۱۲/۹/۷۹، ۱۲/۹/۸۰، ۶/۸/۸۳، ۲۸/۵/۸۴ و ۶/۸/۸۴

با تغییر و نوسازی کارآمد شوند^۱.

از جمله مقدمات ضروری برای نیل به این هدف همانا توجه دادن نخبگان و مردم به ضرورت حرکت به سمت دولت اسلامی، ایجاد انسجام و وفاق فکری و همدلی در این راه، طراحی نظامات و الگوهای اسلامی اداره و پیشرفت کشور و ترسیم نقشه راه تحقق دولت اسلامی، با کمک مجموعه ای گسترده از نخبگان حکومتی و مردمی می باشد. و تنها این دولت اسلامی است که می تواند با مشارکت تضمین شده و هدایت شده ی مردم، دست به کار ابر پروژه ای دیگر یعنی تحقق جامعه نمونه اسلامی و کشور اسلامی شود. امروز اولین گام موثر برای دعوت مسلمانان به اتحاد و همبستگی و بشارت دهی به ظهور تمدن اسلامی، دعوت عملی آنان به الگوی موفق و درخشان جامعه نمونه اسلامی است که پس از تحقق دولت اسلامی در ایران اسلامی محقق خواهد شد.

ضرورت پشتیبانی راهبردی از فرایند تحقق اهداف اسلامی

اگر چه دستگاه های شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی در ایران و مسئولان آن می بایست با کمک مردم، خود را به نصابهای اسلامیت مورد نیاز برای طی کردن این راه دشوار می رسانند، اما به دلایل مختلف این هدف میانی مهم، حتی پس از سه دهه نیز به دست نیامد. برخی از مهم ترین عوامل کندی حرکت به سمت دولت اسلامی از این قرار است:

۱- نبود یک الگوی اصیل دینی عصری از دولت اسلامی

۱. رک به سخنان معظم له در ۹۰/۷/۲۴

- ۲- موج هجوم اندیشه‌های بیگانه‌ی غربی در برابر دولت‌سازی اسلامی با تکیه بر پشتوانه چند صد ساله تئوریک
- ۳- وجود پایگاه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بیگانه در کشور
- ۴- فشارهای همه‌جانبه نظام سلطه برای جلوگیری از تحقق دولت اسلامی در جمهوری اسلامی ایران
- ۵- نبود اهتمام و عزم و بصیرتی هم‌وزن مرحله‌ی خطیر دولت اسلامی در خواص برای پی‌گیری خستگی‌ناپذیر و مدبرانه تحقق این مرحله
- ۶- وجود بقایای بافت‌های نظام ستمشاهی در لابلای افکار، رفتار، سازوکارها و شیوه‌های اداره امور و عدم اهتمام و توجه لازم به پاکسازی کامل دولت اسلامی از این ناخالصی‌ها
- ۷- آسیب‌پذیری و ریزش برخی خواص و مسئولان بر اثر پیدایش برخی عوارض روحی و فکری ناشی از سایش‌ها و فرسایش‌های معنوی و فکری

پس از انقلاب اسلامی همچنان رسوب‌نگرش‌ها و استانداردهای طاغوتی، شاهنشاهی و غربی در ساختارهای کشور و نفوذ و رسوخ موجهای جدید اندیشه‌ی غربی نه تنها باعث ایستایی آنها در اجرای رسالت‌های انقلابی شد، بلکه آنها را به مُروّجان عملی و نظری این اندیشه‌ها تبدیل نمود. طبعاً چنین ساختارهایی نمی‌توانند انقلاب را از تنگناهای موجود نجات دهند. در بعضی مقاطع در بین مسئولین نیز، برخی انحرافات و نارسائی‌های فکری، اخلاقی و عملی مانع توجه و اهتمام کافی به این مهم شده است. حتی با وجود سلامت از انحراف فکری و علیرغم برخورداری نسبی از برخی نصاب‌های لازم در

تعهد و توانائی در میان مسئولان بالا، در مواردی بخصوص در سطوح پائین تر استحاله‌ی ناشی از قرار گرفتن در ساختارهای موجود، مانع از ایفای نقش عمده در مسیر تحقق اهداف اسلامی گردیده است. در مواردی هم چه بسا ضعف‌های فکری، شخصیتی، نفسانی، روحی و معرفتی نیز به این امر دامن زده است. این است که ساختارها و نرم افزارهای موجود و کسانی که اهل اهتمام و تحول نیستند نمی‌توانند متولیان خوبی برای تحقق دولت اسلامی باشند. از مطالعه عملکرد ۳۵ ساله دستگاههای مختلف بدست می‌آید، ساختارها و مجموعه‌های موجود تا کنون توانمندی کافی برای پیاده‌سازی کامل اهداف انقلاب اسلامی را نداشته‌اند. لذا برای تحقق دولت اسلامی نباید به دستگاههایی که نتوانسته‌اند خود را کاملاً از آفات و آسیبها برهانند، امید بست. بنابراین شایسته است در افقی بالاتر و در سطح راهبردی و در امتداد و ادامه‌ی نگاه و همت بلند رهبر معظم انقلاب، برای تحقق دولت اسلامی فکر و تلاش شود. این فکر و تلاش در سه محور دنبال خواهد شد:

تولید اندیشه راهبردی: لازم است در حوزه اندیشه به کشف و طراحی راهبرد های تحقق مراحل سوم و چهارم فرآیند یعنی دولت اسلامی و کشور اسلامی با افق تمدن اسلامی پرداخته شود.

- ۱- پرورش نیروی مناسب: انقلاب اسلامی همچنان از فقدان نیروهای پرورش یافته متناسب با اهداف عالی مراحل بعدی رنج می‌برد. لذا پرورش نیرو در دو بعد معرفتی و معنوی برای پیشبرد اهداف اسلامی همچنان ضروری است
- ۲- راهبری و مدیریت راهبردی: لازم است در حوزه مدیریت و اقدام، همه‌ی ظرفیتهای انقلاب به سوی این اهداف هدایت شده و برای پیش برد راهبردها اهتمام ورزیده شود.

انقلاب اسلامی در برهه کنونی و در مسیر حرکت به سمت اهداف خود برای تحقق دولت اسلامی و جامعه مطلوب اسلامی در وهله اول نیازمند تولید فکر، طراحی، برنامه ریزی و و سپس محتاج پیشبرد راهبردی حرکت به سمت اهداف خود است. امروز خلاء اهتمام به این مسئله «در سطح راهبردی» کاملاً مشهود است.

حل این مشکلات و برداشتن موانع از پیش پای حرکت به سمت دولت و کشور اسلامی با افق تمدن اسلامی و فراهم آوردن ظرفیتها، فرصتها و امکانات این حرکت، ضرورتی است که عنایت و اهتمام ویژه ای را از جانب نیروهای اصیل انقلاب، پیشتازان حرکت انقلابی و پیروان و ملازمان ولایت فقیه طلب می کند. کلام آخر اینکه «فرآیند تحقق اهداف اسلامی» امروز محتاج یک پشتیبانی و بستر سازی ویژه است.

بخش اول

ضرورت تبیین مکتب انقلاب
اسلامی و شناخت وضع موجود

نگاه کلی به سخنرانی ۱۲ آذرماه ۷۹

در جریان نگاه کلان به سخنرانی ۱۲ آذر، اگر با سیر بیانات رهبر معظم انقلاب بررسی شود، لازم است به این نکته توجه گردد:

مقام معظم رهبری در جمع رئیس جمهور و مسئولان بلند مرتبه‌ی نظام، همان ابتدا تذکر می‌دهند و اشاره دارند که آنچه که رئیس جمهور در زمینه مبارزه با فقر و فساد و تبعیض گفتند این مورد تایید است. همچنین در مورد گشایش امور اقتصادی مردم، این‌ها حقیقتاً جز کارهای مهم است. در نهایت تاکید میشود که انتظار عمده ایشان در سال ۷۹ از بخش‌های اقتصادی است. لذا معلوم می‌شود بحث اهتمام به اقتصاد از چه موقع توسط رهبر معظم انقلاب گفته شده است.

بعد از این مقدمه، ایشان در نحوه طرح این بیانات در ۱۲ آذر، یک شیوه خاصی را دنبال می‌کنند، در چند سخنرانی، قبل از این، در تابستان، در

مسافرت‌های استانی که با مردم صحبت می‌کنند، در این سخنرانی‌ها مسائل اصلی انقلاب را در افکار عمومی زمینه‌سازی می‌کنند، لذا نکته این است که در سخنرانی ۱۲ آذر با سخنرانی‌های ماه‌های قبل مقام معظم رهبری ارتباط و پیوند خاصی برقرار است. پس یعنی این به نوعی مهندسی شده است. تمام این اجزا را وقتی انسان نگاه می‌کند، می‌بیند کاملاً یک مجموعه منسجم و مهندسی شده با تمام خصوصیات اسلامی ناظر به مسائل روز است. لذا باید به این ابعاد توجه کرد.

مقام معظم رهبری در ادامه می‌فرمایند «این یک فرصت استثنایی است که در اختیار ما قرار گرفته»^۱ این فرصت، یعنی دست یافتن به قدرت الهی، همیشه در بیانات ایشان نمایان است. در دهه ۹۰ هم ایشان مجدداً اشاره دارند «اگر اسلام بخواهد با استکبار پنجه در پنجه بکند، می‌تواند استکبار را قلع و قمع کند. به شرطی که قدرت داشته باشد» این قدرت، یعنی دولت اسلامی. مقام معظم رهبری در سوم خردادماه سال ۹۵، در دانشگاه افسری سپاه و همچنین ششم خرداد در بیاناتشان با اعضای مجلس خبرگان رهبری به این مسئله اشاره کردند. قدرت آن قدر اهمیت دارد که موضوع دولت اسلامی در حقیقت و درون مایه اش، قدرت اسلام است، قدرت همه جانبه، فقط قدرت نظامی نیست؛ بلکه قدرت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی، امنیتی و... را هم شامل می‌شود. سپس ایشان می‌فرمایند «یک فرصت استثنایی در اختیارمان قرار گرفته است تا بتوانیم اهداف الهی و اسلامی را در یک بخش مهم از جهان که کشور بزرگ و عزیز ایران است تحقق بخشیم و آن‌ها را پیاده کنیم»^۲ دیگر حکومت‌ها غالباً چنین ادعایی ندارند. آن حکومت‌هایی هم که ادعا می‌کنند وضعشان

۱-بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۲/۰۹/۱۳۷۹

معلوم است؛ با این که ظاهر اسلام را دارند، اما اصلاً به این اهداف نمی پردازند. از صدر اسلام تا کنون ما چنین چیزی را نداشتیم. حالا که این شرایط پیش آمده است پس وظایفی بر عهده ماست. البته این وظایف یک مبنای فکری دارد؛ همه آن چه در زمین است که خطوط اصلی برنامه ها را تشکیل می دهند، یک سر آن به آبخشور اندیشه اسلامی، جهان بینی اسلامی، تلقی و برداشت اسلامی، وصل است.

ایشان به کارگزاران، درس اسلام شناسی طراز انقلاب اسلامی می دهند. معلوم می شود که این نیاز زمان است.

حال نقشه راه چیست؟ نقشه راه این است که باید مسئولینی سرکاربیاوند که اسلام شناس باشند، به اندازه ای که رهبری از این ها انتظار دارد. ایشان می فرمایند «این ایمان ماست، اعتقاد ماست، دین ماست»^۱. یعنی این امور باید در ایمان ما، در اعتقاد ما، در باور ما، رسوخ کرده باشد. یک مسئول و یک دولت مرد اسلامی، یعنی یک کارگزار اسلامی. چه نماینده مجلس، چه عضو قوه مجریه، چه مقننه، چه سایر دستگاه های مهم، باید ترازوی از این اعتقاد و ایمان را در سطحی بالا و بالاتر، داشته باشند.

ضرورت شناخت مکتب انقلاب

با تکیه بر سخنرانی ۷۹/۹/۱۲ باید بتوان تکلیف و وظیفه را فهمید و نقشه راه انقلاب اسلامی را به شکل کلی نگاه انداخت. پرواضح است که بازخوانی بیانات رهبر معظم انقلاب و تفکر در سخنرانی های معظم له، لازم است به امری رایج و مرسوم تبدیل گردد تا رفته رفته نسبت به اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی، منظومه این اندیشه و بلکه بالاتر، آن چیزی که در ابعاد یک

مکتب، با همه معنایش وجود دارد، تعمق کرد و اهل استنباط، فهم عمیق و تفقه در این مکتب شد. اگر ما در اندیشه امام راحل (رحمه الله)، عمیق بودیم و سپس در اندیشه و مکتب جانشین به حق آن بزرگوار، عمیق تر می شدیم، این مشکلاتی که مشاهده می شود وجود نداشت. زیرا یا به راحتی رفع می شد یا اساساً به وجود نمی آمد.

پس میتوان گفت که علت العلل همه مشکلات، همین مسئله است. در نتیجه اگر بخواهیم از طرفی یک تحلیل جامعی از انقلاب اسلامی، آسیب ها و ریشه های آن، و از طرفی دیگر نگاهی به پیشرفت های انقلاب و پایه های این پیشرفت ها بیندازیم و در یک احصای تام، مجموعه بسیار گسترده و متنوعی از عوامل را جمع کرده و این ها را دسته بندی و اهم و مهم بکنیم، در یک مجموعه و در یک نمودار درختی، می رسیم به یک عامل، و آن، همان مکتب انقلاب اسلامی، مکتب امام راحل عظیم الشان (رحمه الله) و مکتب امام حاضر انقلاب اسلامی (مدظله العالی) است. اگر به این ستون محکم تکیه شود، قطعاً علاج موانع و مشکلات، و پایه ی پیشرفت ها و شتاب ها خواهد بود.

ضرورت تحلیل انقلاب اسلامی

متأسفانه امروز در دانشگاه ها، در ادبیات تحلیل انقلاب اسلامی، درماندیم. واقعا تحلیل درستی داده نمی شود. به همین علت برای دانشجوی، درس انقلاب اسلامی درسی کسالت آور است. زیرا دانشجوی را جذب نمی کند و او بایک سری حرف های کلیشه ای و تکراری که ممکن است بعضی هایش هم صحیح باشد، مواجه می شود که برای سؤالهای اصلی اش پاسخی نمی گیرد. رهبر انقلاب اشاره دارند که اینگونه نبوده که انقلاب اسلامی به سادگی رخ دهد. انقلاب اسلامی را نمی شود همانند فیلم های سینمایی تحلیل کرد که

یکی بود یکی نبود. یک شاه بدی بود، یک امام خوبی بود. این شاه بد آنقدر ظلم کرد که امامی آمد و قیام کرد و سپس پیروز شد! انقلاب اینگونه رخ نداده است. بلکه صدها شرط و موقعیت لازم بود که اگر کنار هم قرار نمی گرفت انقلاب رخ نمی داد. با وجود اینکه قرار بود در سال ۴۲ انقلاب شود پس چرا این اتفاق نیفتاد؟ زیرا آن موقع این شرایط کنار هم قرار نگرفته بود. در سال ۵۷ هم چه کسی تحلیل کرد که انقلاب، در این سال پیروز می شود؟ نزدیکترین اندیشمندان انقلابی به امام (رحمه الله) در سال ۵۶ می گفتند که ما ۲۰ سال وقت لازم داریم تا این انقلاب رخ بدهد. هیچ کس پیش بینی نمی کرد که در سال ۵۷ انقلاب شود. خود امام (رحمه الله) به این شکل پیش بینی نمی کردند و ایشان از یک مقطعی فهمیدند که انقلاب پیروز می شود. پس ضرورت تحلیل جامع و تمام ابعاد از انقلاب اسلامی لازم است اتفاق بیفتد.

انقلاب اسلامی، عقب گرد یا پیشرفت؟

بعد از ۴۰ سال از حرکتی که با انقلاب اسلامی شروع شد و بعد یک نظامی تاسیس شد، امروز این سوال برای دغدغه مندان انقلاب مطرح است که ما در چه وضعی هستیم؟ آیا متوقف شدیم؟ آیا عقب گرد داریم؟ آیا انحراف داریم؟ آیا اجمالا مشکلاتی هست؟ ریشه این مشکلات و راه برون رفت از آن چیست؟ هم ارزیابی امام راحل (رحمه الله) در اواخر عمر شریفشان، و هم ارزیابی رهبر معظم انقلاب در هر مقطعی از دوران پس از امام، این است که این انقلاب نه توفقی داشته و نه عقب گرد دارد و انحرافی هم عارض بر این حرکت کلی نشده است. صحبت از ارزیابی کلی می باشد. ارزیابی ای که باید به صورت جامع، عمیق، گسترده، صریح، منصفانه و آگاهانه و مسئولانه شکل بگیرد. ارزیابی امامین انقلاب این است که به پیش رفتیم. نه توقف داشته و نه

عقب گرد داریم و انحرافی هم در حرکت اساسی انقلاب نیست. البته اجمالاً مشکلاتی در حرکت انقلاب وجود دارد. برای اینکه بتوان این مشکلات را دقیق تر شناخت، باید گفت که حرکت انقلاب اسلامی نسبت به سرمایه‌هایی که دارد کُند است. اما نسبت به بقیه انقلاب‌ها، نه تنها کند نیست، بلکه نسبت به بقیه انقلاب‌ها بسیار هم پر شتاب است.

سرعت انقلاب اسلامی در رسیدن به اهداف

در یک مقایسه، با توجه به شرایط جهانی عصر انقلاب اسلامی، اهدافی که این انقلاب ظرف مدت ۴۰ سال به آن رسیده است، با انقلاب‌هایی که در قرن ۱۹ و ۲۰ اتفاق افتاده است، (به تعبیر امام راحل ^(رحمه الله) برای کسانی که تاریخ این انقلاب‌ها را خواندند)، در سرعت پیشرفت و رسیدن به اهداف در مدت این ۴۰ سال، معجزه آساست. از این مسئله نباید غفلت کرد. زیرا برخی با دیدن مشکلاتی که در اطرافشان هست، کاسه صبر را زمین زده و می‌گویند تمام شد و این انقلاب هم شکست خورد و متأسفانه به اهدافمان نرسیدیم، در نتیجه آن چیزی که دشمن می‌خواهد، یعنی یأس و افت انگیزه در ما ایجاد شود. به این افراد باید گفت که در مقایسه با انقلاب‌های دیگر وضع ما بسیار بسیار بهتر است. بله، نسبت به سرمایه‌های این انقلاب، تکیه بر خدا، معنویت، این وحدت مردم در همین اهداف الهی و اهداف عالی حکومت عدل الهی، رهبری بی نظیر امام راحل ^(رحمه الله) و بعد از ایشان، امام حاضر، انقلاب، در مسیر حرکت اش در جایی که باید باشد، نیست. و اگر نگرانی یا نارضایتی هست - که دربیانات رهبر معظم انقلاب مشاهده شده است، مانند بیانات ۶ شهریور ۹۶ که بیانات بسیار تلخی بود و خیلی ایشان در این سخنرانی محزون بودند - ناشی از همین کندی حرکت نسبت به سرمایه

ای است که ما می توانستیم با تکیه بر این سرمایه ها، با شتاب جلو رفته و تابحال از دولت اسلامی عبور کرده و وارد جامعه نمونه اسلامی شده باشیم. البته بنا بر ارزیابی هایی که رهبر معظم انقلاب به شکل منحصر به فرد دارند، مشاهده نشده است که کسی این قدر بتواند به طور دقیق، این اهداف و مراحل را ترسیم کند. زیرا خود این یک کار بی نظیری است. همین ۵ مرحله ساده و زمان بندی این مراحل تا آینده یعنی آخرین منزلگاه انقلاب، به اصطلاح تمدن اسلامی، که هنوز نخبگان و حوزویان در الفبایش مانده اند. این اظهار نظر که شبیه به پیشگویی است. فقط آینده نگری نیست.

مقام معظم رهبری می فرمایند که: «جوانها! بدانید، بدون هیچ گونه تردیدی آینده ی روشن و امیدبخش این کشور و این نظام متعلق به شما است؛ شما خواهید توانست کشورتان و ملتتان را به اوج افتخار برسانید؛ شما به توفیق الهی خواهید توانست الگو و نمونه ی کامل تمدن نوین اسلامی را در این آب و خاک تشکیل بدهید»^۱ یعنی مدت زمانش معلوم است. درجایی هم ایشان زمان را اشاره کردند. در سال ۸۴ فرمودند ۵۰ سال دیگر و ۱۰ سال بعد فرمودند ۴۰ سال دیگر تمدن اسلامی شکل می گیرد. یعنی حرکت دارای پیشرفت است و ایشان در درون این حرکت، جوشش ها و جنبش هایی را حس کرده و می بینند. لذا این موانع و مشکلات و مسائلی که پیرامون ماست، به حدی که می خواهد ما را ناامید کند، در نظر ایشان چیزی نیست. ایشان، پشت این صحنه و پس این ظاهر را می بینند که در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. این نیروی متراکم آگاهانه ی جوانانه، وارد میدان می شود و هر مانعی را از سر راهش به لطف خدا برطرف خواهد کرد.

۱ دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور در مصالای امام خمینی رحمه الله تهران ۲۹/۰۸/۱۳۹۲

اگر چه مشکلاتی وجود دارد و مشکلات هم مشکلات خطیری است، اما ایشان پشت صحنه را می بیند. این که ایشان در بیاناتشان امید می دهند، این امید به خاطر دیدن همین مسائل هست. ما هم اگر بر همین نگاه متکی شویم، در ما هم همین امید مومنانه‌ی آگاهانه ایجاد می شود. در بیانات ایشان و در همین بیانات ۷۹/۹/۱۲، در لایه لای مطالب، یک ظرائفی وجود دارد که این امیدواری هارا می شود فهمید. همه این نکات هم برگرفته از اسلام و عصاره و چکیده معارف اسلامی متناسب با عصر انقلاب اسلامی است.

نگاه، بایستی نگاه عمیقی باشد. در این هیجانات جریانات جاری، نباید هیجان زده شد و باید با آرامش به آنچیزی که نجات دهنده ما در همین عصر و دوره پر هیجان است، تعمق کرد. لذا الان وقت تعمق، تأمل و توقف در این بیانات است. نسبت به این بیانات عقب ماندگی داریم. پس همان چیزهایی که ما را نجات داده و می دهد، باید امروز در دستور کار قرار بگیرد.

پس باید با حوصله این بیانات را خواند و هرچه می توانیم، به هر شکل که بتوان، روی این بیانات ۷۹/۹/۱۲ و قبل آن و بعدش کار کرد. بایستی حلقه های مباحثاتی تشکیل داد و برای این بیانات و تعمق نمود، آن موقع ابعادی که مطرح شده مشاهده می شود. پس با تائی این بیانات بررسی می گردد.

مأموریت انقلاب اسلامی، همان مأموریت بعثت

بنابر آیه ای که رهبر معظم انقلاب در این سخنرانی در مطلع فرمایششان بیان کردند: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا. وَدَاعِبًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَسِرًا جَمُورًا»^۱ مأموریت انقلاب اسلامی که همان مأموریت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) چیست؟ انقلاب اسلامی در ادامه‌ی بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) برای چه چیزی

مبعوث شده است؟ برای این که شاهد مردم جهان و امت وسط باشد. برای این که نمونه، شاهد، شاخص و میزان، در این عصر و مردم این عصر باشد. انقلاب اسلامی مبشر یک پیام نو برای بشریت، مبشر یک نظم نو در این دوران و مبشر پایان یافتن این نظم کهنه‌ی پوسیده‌ی ظالمانه است. انقلاب اسلامی نذیر است و انذار می‌دهد؛ انسان‌ها را متوجه فطرتشان می‌کند؛ بر اساس فطرتشان به تکالیف شان تذکر و انذار می‌دهد؛ که شما نسبت به این پدیده نمی‌توانید بی‌طرف باشید؛ شما از این نعمت که خدای متعال در این عصر به واسطه‌ی این ملت بزرگوار و منتخب دریافت و انتخاب شده است، بازخواست خواهید شد. لذا انقلاب اسلامی نذیر هم هست. انقلاب اسلامی سراج منیر است. نور انقلاب اسلامی امروز در جهان، علیرغم تلاش همه خفاش‌ها و خفاش صفت‌ها در حال گسترش است.

«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا»^۱. و بشارت بده به مومنین، به انقلابیون، زیرا این افراد از جانب خدا فضل کبیر دارند و برگزیده شده و تفضیل داده شده‌اند، یعنی مردم این انقلاب، این‌ها بشارت‌های نشاط بخش و احیاگر قرآن برای این مردم است.

«وَلَا تَطْعَمِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ». ای پیغمبر، ای انقلاب اسلامی، از کفار و منافقین تبعیت نکن. جهاد کبیر یعنی جهاد عدم اطاعت در مقابل کفار. «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا». «وَدَعِ أَذَاهُمْ»^۲ کفار یکسره شما را اذیت می‌کنند، تا خسته‌تان کنند، تا دست بردارید و تسلیم شوید. اراده شما را هدف قرار داده‌اند. رها کنید و به این آزار و اذیت‌های پیوسته و مستمر این کفار اعتنا نکنید.

۱. الاحزاب: ۴۷

۲. الاحزاب: ۴۸

«وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا»^۱. توکل بر خدا کنید. تکلیف شرعی انقلابی ما امروز توکل بر خداست. توکل بر خدا یک امر و دستور از سوی خداوند باری تعالی است. اعتقاد به کفایت وکالت خدا و اینکه خداوند وکیل است در این عالمی که از هر سو فشار و محاصره و تهدید وجود دارد، بیشتر باید در وجود ما راسخ شود.

«وَكْفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا» یا «الیس الله بکافی عبده»^۲. از همین آیات و این دریچه‌ی بزرگ و نورانی مشخص می‌شود که در چه وضعی هستیم و چه رسالتی داریم، چه تهدیداتی داریم، چه نقشه راهی داریم و چه وظایفی داریم. این آیات با این دقت انتخاب شده است.

می‌بینیم این سخنرانی ایراد شد و در سایت‌ها و برنامه‌های نرم افزاری، همین گونه ماند و متأسفانه این دقت‌ها روی آن اعمال نشد.

۱. الاحزاب : ۴۸

۲. الزمر : ۳۶

بخش دوم

مبانی فکری و عقیدتی
نظام اسلامی

مدخل

رهبر معظم انقلاب مطلع بیانشان را در خصوص جهان بینی و بینش اسلامی این گونه آغاز می کنند :

« آن مجموعه معارفی که خطوط اصلی عملکرد و وظایف ما از آنها به دست می آید - یعنی جهان بینی و بینش اسلامی - فصول متعددی دارد؛ همه هم در عمل و اقدام فرد و دولت دارای تأثیر است؛ که ما پنج نقطه مؤثرتر و مهمتر را انتخاب کرده ایم و عرض می کنیم.»^۱

توحید

در بیانات ایشان اولین و مهمترین رکن و رکن اصلی مبانی فکری فردی و اجتماعی ما، چه به صورت آحاد و چه به صورت یک نظام مستقر و یک حکومت ایجاد شده، توحید است. توحید را به این گونه توضیح می دهند :

«از این پنج نقطه، یکی توحید است. توحید، یعنی اعتقاد به این که این ترکیب پیچیده بسیار عجیب و شگفت آور و قانونماد کائنات و عالم آفرینش، از کهکشانشها و سحابی ها و حفره های عظیم آسمانی و کرات بی شمار و

۱. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

میلیونها منظومه شمسی بگیرید، تا سلول کوچک جزء فلان پیکر، فلان جسم و ترکیب ریز شیمیایی - که آن قدر نظم در این ترکیب عظیم متنوع و پیچیده وجود دارد که هزاران قانون از آن استنباط کرده‌اند؛ چون وقتی نظم غیرقابل تخلف شد، از آن قوانین تکوینی و بی تخلف استفاده می‌شود - ساخته و پرداخته یک فکر و اندیشه و تدبیر و قدرت است و تصادفاً به وجود نیامده است. این اعتقاد امری است که هر ذهن سالم و هر انسان عاقل و صاحب تفکر و دور از شتابزدگی در فکر یا بی حوصلگی در تصمیم‌گیری یا پیش‌داوری در قضایا این را قبول می‌کند. نقطه بعدی این که این فکر و تدبیر و اندیشه و قدرت عظیم و بی‌نهایت و توصیف‌ناپذیری که این ترکیب عجیب و پیچیده را به وجود آورده، فلان بت ساخته بشر، یا فلان انسان محدود مدعی‌خدایی، یا فلان سمبل و نماد افسانه‌ای و اسطوره‌ای نیست؛ بلکه ذات واحد مقتدر لایزالی است که ادیان به او «خدا» می‌گویند و او را با آثارش می‌شناسند. بنابراین، هم اثبات این قدرت و اراده و مهندسی پشت سر این هندسه عظیم و پیچیده است؛ هم اثبات این که آن مهندس بی‌نظیر و غیرقابل توصیف، این چیزهای کوچک دم‌دست بی‌ارزشی که بشر یا خودش می‌سازد، یا مثل خودش کسی آنها را می‌سازد، یا از قبیل خودش یک موجود زایل‌شدنی است، نیست؛ بلکه «هو الله الذی لاله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيما العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون»^۱.

همه ادیان در این بخش از جهان‌بینی مشترکند؛ ادیان قدیم، ادیان ابراهیمی، ادیان پیش از ادیان ابراهیمی؛ حتی همین ادیان شرک آلود هندی فعلی. اگر کسی وداها را نگاه کند، عرفان توحیدی خالصی در کلمات وداها موج می‌

زند که نشان‌دهنده این است که سرمنشأ، سرمنشأ شفاف و زلالی بوده است. بنابراین، توحید رکن اصلی بینش و نگاه و تلقی این اسلامی است که ما می‌خواهیم براساس آن این حکومت و این نظام و این حرکت را راه بیندازیم.^۱ و بعد از این، تکریم انسان. شاید انتظار می‌رفت که براساس آن چیزی که از اصول دین می‌شناسیم، رهبر معظم انقلاب همان روند بیان اصول دین را ذکر کنند، اما مقام معظم رهبری دومین اصل را تکریم انسان یا همان انسان محوری بیان می‌کنند.

البته همانگونه که در ابتدا مطرح شد، این مبانی پایه‌هایی است برای کارهای بعدی. یعنی آن چیزی که بخواهد در نظام اتفاق بیفتد، شامل برنامه‌های نظام، وظایفی که این نظام دارد و... یک پایه اش توحید است که البته اساس پایه هاست و در کنار آن، بر روی این پایه، سایر ارکان که یکی از آن‌ها تکریم انسان است قرار دارد.

تکریم انسان

«سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»^۲، «جَعَلَ لَكُمْ» «احلت لكم»، «خَلَقَ لَكُمْ» این آیات همه محوریت انسان را بیان می‌کنند و اینکه خدای متعال این عالم را در اختیار انسان قرار داده است یعنی تکریم انسان. مقام معظم رهبری باب تکریم انسان را به عنوان دومین رکن بدین گونه در بیانشان روشن می‌کنند:

«رکن دوم، تکریم انسان است؛ یا می‌توانیم به آن بگوییم انسان محوری. البته انسان محوری در بینش اسلامی، به کلی با اومانيسم اروپای قرون هجده

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. جاثیه: ۱۳

و نوزده متفاوت است. آن یک چیز دیگر است، این یک چیز دیگر است. آن هم اسمش انسان محوری است؛ اما اینها فقط در اسم شبیه هم‌اند. انسان محوری اسلام، اساساً اومانیسم اروپایی نیست؛ یک چیز دیگر است. «الرتروا ان الله سَخَّرَ لَكُمْ مافی السَّمَوَاتِ وَمافی الْأَرْضِ»^۱. کسی که قرآن و نهج البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به خوبی پیدا می‌کند که از نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخّر شماست، ماه مسخّر شماست، دریا مسخّر شماست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که بیان می‌کند، مسخّر شمایند، یعنی چه؟ یعنی الان بالفعل شما مسخّر همه‌شان هستید و نمی‌توانید تأثیری روی آنها بگذارید؛ اما بالقوه طوری ساخته شده‌اید و عوالم وجود و کائنات به گونه‌ای ساخته شده‌اند که همه مسخّر شمایند. مسخّر یعنی چه؟ یعنی توی مشت شمایند و شما می‌توانید از همه آنها به بهترین نحو استفاده کنید. این نشان دهنده آن است که این موجودی که خدا آسمان و زمین و ستاره و شمس و قمر را مسخّر او می‌کند، از نظر آفرینش الهی بسیار باید عزیز باشد. همین عزیز بودن هم تصریح شده است: «ولقد کرمنا لابی آدم»^۲. این «کرمنا لابی آدم» - بنی آدم را تکریم کردیم - تکریمی است که هم شامل مرحله تشریح و هم شامل مرحله تکوین است؛ تکریم تکوینی و تکریم تشریحی با آن چیزهایی که در حکومت اسلامی و در نظام اسلامی برای انسان معین شده؛ یعنی پایه‌ها کاملاً پایه‌های انسانی است»^۳.

۱. لقمان : ۲۰

۲. الاسراء : ۷۰

۳. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

ما اگر موضوع تکریم انسان را یک پایه فکری بدانیم، آن وقت می بینیم باید چطور با این مردم رفتار کرد، آن موقع می دانیم که کرامت مردم را باید چطور رعایت کرد. در این هنگام ما نسبت به این مردم، نگاهمان متفاوت می شود. لذا وقتی یک حادثه برای مردم پیش بیاید، باید مسئول دولت اسلامی بی تاب شده و سراسیمه برود به سمت مردم و آن جا خاضعانه با آن ها در بیامیزد. برود و در میان مردم حضور پیدا کند. با حاجب و محافظ و... نمی شود با مردم رفتار کرد و سپس گفت که کرامت مردم را حفظ کردیم! ما مردم را تکریم کردیم! تکریم مردم یعنی شب و روز فکر کردن برای مردم، اعتماد به مردم، اعتماد به فهم و عقل مردم، اعتماد به فطرت مردم، اعتماد به خواست مردم، خصوصاً مردمی که ۴۰ سال پای این انقلاب ایستادند. پس تکریم این مردم در یک کلام یعنی وقف کردن خود برای این مردم، همانطور که امام راحل رحمه الله اینچنین رفتار کرد و ذره ذره هم آب شد. امام راحل رحمه الله در قطعنامه شان این تعابیر را دارند که: «ما تمام زندگیمان برای خدمت به شماسست و در راه خدمت به شما داریم می سوزیم». این روحیه کسی است که ایمان، باور و اعتقاد داشت به این که مردم کرامت دارند. لذا اگر کسی باور داشت، رفتارش رفتار دولتمرد اسلامی می شود. مشکلات ما در باورهایمان است. این باورها باید تبیین و ترویج شود. باید مسئولین ترغیب شوند و همچنین اقداماتی که باید شکل بگیرد تا مسئولین باورماد بر سر کار بیایند، انجام گردد.

تداوم حیات بعد از مرگ

در بیان سومین رکن از مبانی فکری انقلاب، یعنی تداوم حیات بعد از مرگ، مقام معظم رهبری اینگونه روشنگری می نمایند :

«یعنی زندگی با مردن تمام نمی شود. در اسلام و البته در همه ادیان

الهی - این معنا هم جزو اصول جهان بینی است و تأثیر دارد. همان طور که گفتم، تمام این اصول جهان بینی، در تنظیم روابط زندگی و در تنظیم پایه های حکومت اسلامی و اداره جامعه و اداره عالم مؤثر است. بعد از مرگ، ما وارد مرحله جدیدی می شویم. این طور نیست که انسان نابود شود؛ از جوی جستن و رفتن به یک مرحله دیگر است؛ و بعد در آن مرحله، مسأله حساب و کتاب و قیامت و این چیزهاست.^۱

پس همین نشان می دهد که اگر باور به این رکن وجود داشت، نوع زندگی در حوزه فردی و حکومتی و مدیریتی تغییر می کند. که البته این پایه ها، وظایف متناسب و متناظر با خودش را هم دارد.

استعداد بی پایان انسان

در ادامه، بیان استعداد بی پایان انسان، به عنوان چهارمین رکن از مبانی فکری انقلاب در سخنرانی امام خامنه ای مدظله العالی به این شکل است :

«استعداد بی پایان انسان در دارا بودن تمام چیزهایی که برای تعالی کامل انسان لازم است. انسان استعداد دارد که تا آخرین نقطه تعالی حیاتِ ممکنات بالا برود؛ اما بقیه موجودات این امکان را ندارند. در آیه شریفه «القد خلقنا الأنسان فی احسن تقویم»^۲، «احسن تقویم» معنایش این نیست که ما جسم انسان را طوری آفریده ایم که مثلاً سرش با دستش با چشمش با تنش تناسب دارد؛ این که مخصوص انسان نیست؛ هر حیوانی نیز همین طور است. در بهترین تقویم، یعنی در بهترین اندازه گیری انسان را آفریده ایم؛ یعنی آن اندازه گیری ای است که رشد او دیگر نهایت و اندازه ای ندارد؛ تا آن جایی می رود که در عالم

۱. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. التین : ۴

وجود، سقفی بالاتر از آن نیست؛ یعنی می تواند از فرشتگان و از موجودات عالی و از همه اینها بالاتر برود.^۱

انسان استعداد دارد تا آخرین نقطه تعالی حیات ممکنات بالا رود. این هم باید جزء اعتقادات و باورهای ما باشد. مقام معظم رهبری تعبیر می کنند که در این آیه: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۲ اینگونه نیست که فقط انسان از جهت سر و شکل و گوش و چشم و... در بهترین شکل است، بلکه حیوانات هم کمابیش این شکل را دارند. آن ها نیز از جهت تناسب اندام ظاهری احسن تقویم هستند. احسن تقویم برای انسان یعنی بهترین اندازه گیری که رشد او دیگر نهایت و اندازه ای ندارد. این سیر جز با استفاده از امکانات عالم ماده هم ممکن نیست. یعنی انسان می تواند در یک سیر کمالی و تعالی آن قدر بالا رفته و در بی نهایت حرکت کند؛ ولی این سیر در همین دنیا است و در همین عالم ماده اتفاق می افتد. لذا این باور به رابطه دنیا و آخرت در انسان پیوند می خورد و از همین، یک مفاهیم و معارفی بیرون می آید که در حرکت جامعه و برنامه ریزی های جامعه نقش بسیار اساسی ایفا می کند. اما چطور؟ ایشان می فرمایند: این سیر تعالی و تکاملی انسان که با استفاده از استعداد های عالم ماده هست و با توجه به اصل قبلی یعنی «سخر لکم»، انسان از این عالم ماده برای آن سیر و برای رسیدن به آن تعالی استفاده می کند.

مقام معظم رهبری این جا یک مطلبی را بیان می کنند که شایسته است در حوزه های ما روی این مطالب بیشتر تفکر شود و مایه های الهام و پژوهش ها و تولید علم قرار بگیرد:

« بنابراین سیر تعالی و تکاملی انسان در خلأ نیست؛ با استفاده از

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. تین: ۴

استعدادهای ماده است؛ بنابراین با هم سیر می‌کنند؛ یعنی شکوفایی انسان، همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است؛ این در شکوفایی او اثر می‌گذارد، او در شکوفایی این اثر می‌گذارد و پیشرفت‌های شگفت‌آور را به وجود می‌آورد.^۱

انسان از عالم ماده و از عالم طبیعت استفاده می‌کند. عالم طبیعت را شکوفا کرده و خود شکوفایی عالم طبیعت، انسان را شکوفا می‌کند. یعنی شکوفایی انسان همراه با شکوفایی عالم ماده و عالم طبیعت است. توجه به این مسئله خیلی ضروری است اما مشاهده می‌شود که بحث‌های فراوانی امروز در موضوع تکنولوژی و حدود تکنولوژی از نگاه اسلام و دین، و همینطور بحث‌های حاشیه‌ای و در کنار آن بحث سنت و تجدد و امثال این‌ها هم در حوزه و هم در غیر حوزه وجود دارد. سال‌ها هم هست که این مطالب بحث می‌شود و چندان هم نتیجه‌ای نداشته است. چون عامل هدایت ولایت بوده و حجت علمی این زمان است - و ایشان حجیت علمی دارند - این حجیت علمی برای ما یک پایه قرار نگرفته است تا در مورد رابطه متقابلش، شکوفایی استعداد انسان و طبیعت فکر شود. آیا امروز این روند صنعت و تکنولوژی در جهت شکوفایی عالم طبیعت دارد کار می‌کند یا به عنوان مواد مصرفی استفاده می‌شود؟ آثار و عوارضش را می‌بینیم که در خود غرب هم صدای اکثریتشان در آمده است. این مطالب را متأسفانه در دانشگاه‌ها نمی‌توان بیان کرد. زیرا غرب و تکنولوژی و دوره مدرن جزء مقدسات دانشگاه‌های ماست! اگر کسی بخواهد کوچکترین تعریضی به گوشه تکنولوژی بزند، به او انگ ارتجاع و عقب ماندگی، واپس‌گرایی و عصر حجری و... می‌زنند و غیرت‌مادانه از

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

خود در برابر این تعریض دفاع می کنند. اما غیرت ورزی جاهلانه. در خود غرب یک جریان نقد مدرنیسم راه افتاده و ادبیات شده است. کتاب هایی هم توسط بعضی انسان های آگاه در خصوص این موضوع ترجمه شده، اما در دانشگاه ها ترویج نمی شود و متأسفانه در حوزه ها هم از این بحث ها کمتر خبری دیده می شود. یک جریان ماتقد نسبت به صنعت و تکنولوژی وجود دارد، ولی جریانی سلبی است. مدت ها هست که پیشتران این عرصه فکری بحث تکنولوژی، از دیدگاه اسلامی، فقط روی سلب قضیه کار می کنند. یعنی ما این تکنولوژی را نمی خواهیم و به درد ما نمی خورد و در اسلام این تکنولوژی تایید نشده است! اما با این مبنا چه گزینه ای بجای آن مطرح شود؟ پس انسان رابطه اش با طبیعت چگونه تبیین می گردد؟ جواب این است که ولیّ و حجت علمی زمان می فرمایند: براساس شکوفایی متقابل بین طبیعت و انسان. این یک جمله معانی بسیار عمیقی دارد.

نعمت ولایت، در دست ما و در کنار ماست اما در تولید علم، باروری و شکوفایی کمتری رخ می دهد. باید آثار عملی این کارهای فراوان علمی که در حوزه انجام می شود مشاهده گردد. نمی شود که تحقیقات علمی ارزش ماد و دقیق و علمی باشد، اما براساس آن معیار علم نافع، نفع عملی این تولیدات علمی را در جامعه مشاهده نگردد، جامعه ما دچار این مشکلات و گرفتاریها، دچار این چالش ها و این ریزش ها، دچار این انحرافات و آسیب های مختلف اجتماعی و فرهنگی شده است. نمی توان فقط به این متکی شد که یک قفسه کتابخانه داریم یا صد جلد کتاب تدوین کردیم و گذاشتیم در قفسه! چرا در جامعه مشاهده نمی شود و کارایی کمتری دارد؟ چون این ها وصل به دریا نیست.

می شود مانند حوضچه و چاله و حداکثر استخر یا برکه که اگر آفتاب بهش بخورد تبخیر می شود، مگر این که وصل به دریا شود. بنابراین این دریای معارفی که ولایت به او وصل است، این دریا به اراده خدا و به هدایت الهی، براساس یک سنت الهی در کل تاریخ بشر، نجات بخش ماست. در آن هنگام برکه، حوض، چاله و... همه اینها دریا می شود، چیزی هم تبخیر نمی شود و دائماً می توان از او استفاده کرد. پس همین مسئله شکوفایی عالم ماده و طبیعت و شکوفایی متقابل انسان و طبیعت، راهی را برای این که بتوان یک الگوی جدیدی برای تسخیر طبیعت به دست آورد، ایجاد می کند. اما متأسفانه استفاده نمی شود. این دریای استعداد انسان ها و این معادن طلا و نقره‌ی استعدادهای انسانی، که اگر وصل به این دریا بشوند و اگر از این مابع غنی تغذیه بشوند و غنی سازی شوند، نتیجه اش را خواهیم دید که چه انقلابی در حوزه رخ می دهد! ولی متأسفانه الان این همه استعداد در این حوزه به عشق اسلام، به عشق انقلاب، به عشق مردم می آیند، اما بعد چه اتفاقی می افتد؟!

جریان عالم به سمت حاکمیت حق و صلاح

پنجمین محور، محور حتمیت حاکمیت حق است. همه انبیا آمدند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی سوق دهند. آن بزرگراه اصلی که هنوز وارد نشدیم. رهبری به این مطلب اینگونه اشاره می کنند:

«از نظر اسلام و بینش اسلامی، جریان عالم به سمت حاکمیت حق و به سمت صلاح است؛ این بروبرگرد هم ندارد. همان طور که یک بار به اشاره گفتم - و الان هم جز به اشاره نمی توانم بگویم، چون مجال تفصیل نیست - همه انبیا و اولیا آمده‌اند تا انسان را به آن بزرگراه اصلی ای سوق دهند که وقتی وارد آن شد، بدون هیچ گونه مانعی تمام استعدادهایش می

تواند بُروز کند. انبیا و اولیا این مردم گم گشته را مرتب از این کوه و کمر و دشتها و کویرها و جنگل‌ها به سمت این راه اصلی سوق دادند و هدایت کردند. هنوز بشریت به نقطه شروع آن صراط مستقیم نرسیده است؛ آن در زمان ولیعصر- ارواحنفا- محقق خواهد شد؛ لیکن همه این تلاش‌ها اصلاً براساس این بینش است که نهایت این عالم، نهایت غلبه صلاح است؛ ممکن است زودتر بشود، ممکن است دیرتر بشود؛ اما بروبرگرد ندارد. قطعاً این طوری است که در نهایت، صلاح بر فساد غلبه خواهد کرد؛ قوای خیر بر قوای شر غلبه می‌کنند. این هم یک نقطه از نقاط جهان‌بینی اسلامی است که در آن هیچ‌گونه تردیدی نیست.^۱

برخی افراد وقتی به انقلاب نگاه می‌کنند از موقعیت و جایگاه انقلاب اسلامی در این عالم و اینکه چه نقشی دارد غفلت می‌کنند. البته اشتباه و برداشت غلطی شکل نمی‌گیرد. اما یک برداشت غافلان و یک مسامحه‌ای اتفاق می‌افتد. در اوایل انقلاب این مسأله بیشتر به چشم می‌خورد. تا رسیدن به بزرگراه اصلی حرکت بشر به سمت تعالی و تا دوران ظهور مسیر و راه باید طی شود. اما متأسفانه انقلاب اسلامی به عنوان بزرگراه اصلی بشر تلقی نمی‌شود. باید حواسمان باشد که وقتی در مورد انقلاب اسلامی سخنی گفته می‌شود، توجه به ابعاد عظیم حرکت اسلام و آینده بشر، مد نظر است؛ لذا به هیچ وجه آن ابعاد عظیم، از عظمت همین مرحله و همین حرکتی که در عصر انقلاب اسلامی باید تا انتها طی شود، کم نمی‌کند. صحبت از عظمت هاست، دنیای عظمت هاست. همانند این عالم که هر چه قدر انسان چیزی را عظیم می‌بیند، می‌بیند از او عظیم تر هم وجود دارد. مقیاس‌ها عظیم و بزرگ

است. لذا اینها در ذهن انسان یک افقی ایجاد می کند که این افق در انسان، انگیزه فوق العاده ای را شکل می دهد. پس هیچ وقت انسان خسته نمی شود.

نتایج عملی و وظایف مبتنی بر مبانی

امام خامنه ای مدظله العالی در ادامه می فرمایند که این بشر باید با این مبانی حرکت کند تا به اهداف برسد. اما وظایفی برعهده ما هست. وظایفی که انبیا و ائمه (علیهم السلام) داشتند و افراد و حکومت ها دارند. این وظایف چه در زمان حکومت اسلامی، چه در زمان حکومت طاغوت، برعهده همه است. همه باید به این وظایف عمل کنند. چون این وظایف بر مبنای اصول است. اصولی که فقط مخصوص دوره حکومت اسلامی نیست، اما در دوره حکومت اسلامی این مبانی و اصول بسیار بیشتر قابل استفاده بوده و بسیار کارآمدتر و بارورتر است.

۱- عبودیت و اطاعت خداوند

اولین نتیجه و وظیفه عملی از توحید عبارت است از عبودیت و اطاعت از خداوند، توحید ما را به اطاعت از خدا و سرپیچی از اطاعت اعداالله دعوت می کند. همین برای دولتمرد وظایف بسیار مهمی تعیین می کند. «وَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَالْمُافِقِينَ»، «وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا»، «وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مَا رُبِّكَ إِنَّا اللَّهُ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا». اطاعت نکن از کفار، اما تبعیت و اطاعت کن از راه خدا. ما راه داریم، ما نقشه داریم، ما طرح داریم، این طرح، الهی است، از

۱. الاحزاب : ۱

۲. الفرقان : ۵۲

۳. الاحزاب : ۲

قرآن، از آیات، از روایات و معارف اسلام، استخراج شده است. همین مراحل ۵ گانه، از انقلاب اسلامی تا مرحله تمدن نوین اسلامی، این راه خداست. وقتی کلان دیده شود اجزاء هم قابل مشاهده خواهد بود. مهم این است که آن قالب کلان درست باشد، قواره اش درست دربیاید، براساس آن می توان قطعات ریزتر را سرجایش راحت قرار داد. اگر قواره کلی درست درنیاید، زمان، زحمت و تلاش بسیاری صرف می شود تا اجزاء شکل بگیرند، اما وقتی یکدفعه به قواره نگاه می کنیم آنچیزی نمی شود که مورد انتظار بوده است. پس این قواره کلی خیلی اهمیت دارد. لذا چقدر باید این مراحل انقلاب اسلامی را که معظم له ترسیم کردند را قدر دانست؟ ایشان این قواره کلی را ریختند، شکل دادند و به دست ما دادند؛ پس باید تمامی تلاش ها، تمامی مجاهدت ها و تمامی مبارزات، تمامی فعالیت های علمی، فرهنگی، تبلیغی و تحقیقی، همه به این قالب ریخته شود. زیرا راه، درست است و از این به بعد فقط باید تلاش کرد. وقتی راه مشخص شده و تردیدی در پیدا کردن راه برای رسیدن به هدف نباشد، پس انسان فقط باید در این راه حرکت کند. نعمت بزرگی است که که خدای متعال نصیب ملت ما کرده است و ما هم باید حمد خدا و شکر الهی را به جا بیاوریم، که خدای متعال راه مستقیم را به یک ملت اعطا کرده است. ملت های دیگر این راه را ندارند. امروز کلان راه ملت ها، بی راهه و کور است. این راه، پیش روی ملت ما باز است.

اما آیا این نعمت ها قدر دانسته می شود و یا ارزش این نعمت به مردم منتقل می گردد؟ مگر می شود ما این مباحث را بفهمیم و تصدیق کنیم، اما مردم تصدیق نکنند؟ و یا مردم راضی نباشند و شکر نکنند؟ پس چرا این نارضایتی ها وجود دارد؟ زیرا این نعمت خوب فهمیده و خوب منتقل نمی شود. مردم

از گرانی و تورم و سختی و... رنج می‌برند که البته طبیعت این راه پر افتخار است و هر چه این راه پرافتخارتر، سختی‌ها بیشتر. مردم به تنگ نمی‌آیند، کما این که نیامدند؛ نارضایتی مردم امروز به خاطر سختی راه نیست، به خاطر کسانی است که در گوشه و کنار این حاکمیت قرار دارند، اما به وظیفه‌شان عمل نمی‌کنند. مردم باید کمک کنند، حمایت کنند تا اسلام پیش برود. اما وقتی مردم می‌بینند برخی دنبال این هدف‌ها نیستند ناراضی و ناراحت می‌شوند. لذا این مسئله باید حل بشود.

۲- هدف گرفتن تعالی انسان

مسئله بعدی هدف گرفتن تعالی انسان است. براساس تکریم انسان و استعداد بی‌پایان انسان. رهبر معظم انقلاب در این خصوص می‌فرماید که: «دوم، هدف گرفتن تعالی انسان است؛ تعالی خود و دیگران. این تعالی شامل تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی - یعنی جامعه تعالی پیدا کند - و تعالی اقتصادی است؛ یعنی رفاه امور زندگی مردم. همه موظفند برای این چیزها تلاش کنند: گسترش و پیشرفت علم برای همه؛ حاکمیت اندیشه سالم و فکر درست؛ تعالی روحی و معنوی و اخلاقی، خلق کریم و مکارم اخلاق؛ پیشرفت اجتماعی بشری - نه فقط جنبه‌های معنوی و علمی و اخلاقی یک فرد، بلکه جامعه هم مورد نظر است - و پیشرفت امور اقتصادی و رفاهی انسان‌ها، و بایستی مردم را به سمت رفاه و تمتع هرچه بیشتر از امکانات زندگی پیش ببرند. این یکی از وظایف همه است؛ مخصوص دوره قدرت و حکومت هم نیست؛ در دوره حکومت

غیر خدا هم این وظیفه وجود دارد.^۱

تعالی خود و تعالی دیگران یعنی اگر قرار است انسان در یک سیر بی انتها، به سمت کمال برود، پس وظیفه اش برای خود و برای دیگران این است که تعالی ایجاد کند. چه تعالی؟ تعالی علمی، تعالی فکری، تعالی روحی و اخلاقی، تعالی اجتماعی و سیاسی، تعالی اقتصادی.

مقام معظم رهبری در سال ۷۹ کلید واژه تعالی همه جانبه را در مقابل توسعه همه جانبه مطرح می کنند. اما در سال ۹۶ مسئولین محترم کشور همچنان می گویند توسعه پایدار و همه جانبه. ممکن است بگوییم برخی از این مسئولین تقصیری نداشته و این افراد مایه ای از مبانی و معارف اسلامی ندارند. اما حوزه ها چگونه؟ چرا حوزه ها نباید به موقع در همان سال ۷۹ و یا حتی قبل از آن، بحث تعالی را توضیح می دادند؟ تعالی سیاسی، تعالی اقتصادی، تعالی اجتماعی. آیا نباید این ها در حوزه معنا می شد؟ بعد از این بیانات چقدر گردهمایی در ارتباط با موضوع تعالی همه جانبه در حوزه شکل گرفت؟ چند تا همایش و هم اندیشی به وجود آمد؟ چه مقدار رساله و پایان نامه های حوزه، به این مسئله اختصاص پیدا کرد؟ مگر در حوزه، همایش و گردهمایی و هم اندیشی و سمینار و... کم داریم؟ پس به چه علت عقب ماندگی از رهبری است؟ آیا انتظار می رود که کار این انقلاب با شتاب جلو برود؟! وقتی با این راهنمایی ها و هدایت گری ها اینگونه رفتار شود، آن وقت صحبت از توسعه پایدار می شود. وقتی این مسائل تبیین نگردد و قدرت علمی و اسلامی و کارآمدی این مفاهیم گفته نشود، معلوم است که بی توجهی گسترش پیدا می کند.

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

مقام معظم رهبری می فرمایند که ما از این کلمه برند بدمان می آید. الان این کلمه برند در دهان امثال ما هم افتاده است، طلاب و روحانیون و... می گویند برند! ایشان می فرمایند که ما بدمان می آید و اظهار برائت از این کلمه می کنند. آن وقت در تلویزیون راحت این کلمه را استفاده می کنند. وقتی پیروی و متابعت از ولایت را در نیابیم و پیگیری نکنیم وضعیت اینچنین می شود. در نتیجه در سال ۷۹ که مسئله تعالی را مطرح کردند، بعد از ۱۰ سال در بجنورد، می فرمایند که «ما که بررسی می کنیم می بینیم که اهداف مردم در قالب یک کلمه قابل جمع بندی است و آن کلمه ی پیشرفت است.» لذا وقتی کلید واژه تعالی دریافت نمی شود و همراهی با آن صورت نمی گیرد باید ایشان همراه این قوم حرکت کنند و نرمش داشته باشند. برای همین می فرمایند که از مجموعه خواست مردم، ما می فهمیم که مردم دنبال پیشرفت اند. البته آن اصول را رها نمی کنند و پیشرفت اسلامی را تعبیر می نمایند.

این پیشرفت اسلامی کلید واژه تعالی بود. باید توجه شود که جابه جای این عرصه ی رابطه ولایت با نیروها و با جریان های مختلف از پیروان و دیگران، این طور قابل ارزیابی است.

امروز سوال می کنند و مرتباً این جریان اعتراض قوی می شود که چرا این مسئله حل نمی شود؟ چرا فلان اتفاق نمی افتد؟ کم کم سوالات و اعتراضات به سمت رهبری می رود که چرا رهبری کاری نمی کنند؟ رهبری کاری بکنند! متأسفانه چقدر این نگاه، نگاه نادرستی است. رهبری کارشان را کرده اند. شما چه کار کردید در زمان خودتان؟ آن موقعی که گفتند به این جا حمله کنید، فرمودند این قلعه را بگیرد، یا اینجا را باید بگیرید، نگرفتید! نرفتید! نکردید! نخواستید! لذا نتیجه اش این شد. همین مسائل را باید تحلیل کرد؛ باید

کوتاهی‌ها را شناخت؛ هدایت‌گری‌ها را دید؛ در بزنگاه‌ها، راهنمایی‌هایی که از طرف امام حاضر انقلاب شد و البته بی‌توجهی‌هایی که در کنار آن اتفاق افتاد! خب، این‌ها را جمع کنیم، می‌شود وضع موجود. به همین علت باید تحلیل کنیم از کجا به وضع موجود رسیدیم و راه حل چیست؟ این می‌شود مسئله تعالی.

۳- ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی

ترجیح و فلاح و رستگاری اخروی و دنیوی، در مقام تعارض. ایشان در این خصوص می‌فرمایند که:

«سوم، ترجیح فلاح و رستگاری اخروی بر سود دنیوی، اگر با هم تعارض پیدا کردند. این هم یکی از وظایف عملی هر انسانی است که معتقد به آن جهان‌بینی است. یعنی اگر در موردی پیش آمد که یک سود دنیوی در جهت هدف‌های اخروی قرار نگرفت، تا آن جایی که ممکن است، انسان باید سعی کند این سود دنیوی را در جهت هدف‌های اخروی قرار دهد. اگر یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم‌پوشد - چه سود مالی، چه سود قدرت و مقام و محبوبیت و... - یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب وزر اخروی است. لازمه اعتقاد به آن جهان‌بینی این است که انسان جنبه اخروی را ترجیح دهد؛ یعنی از آن سود صرف‌نظر کند و آن گناه را مرتکب نشود. برعهده هر مسلمانی است که این‌گونه عمل کند. انسان باید فعالیت‌های خودش را برنامه‌ریزی کند؛ به نحوی که با تلاش‌های عظیم دنیوی که ناگزیر است آنها را انجام دهد، مآفاتی پیدا نکند و برخلاف فلاح اخروی و وظایفی که تخلف از آنها ممکن است در آخرت برای انسان وزر

و وبال به بار آورد، نباشد.»^۱

این سومین وظیفه است که ما داریم. یعنی چه؟ یعنی حکومت اسلامی تشکیل نشد که در این کشور هر اتفاقی بیفتد. حکومت اسلامی تشکیل نشد که دست هایمان را در مقابل استکبار بالا ببریم تا ذره ذره ما را به خودکشی وادار کنند. این مسئله را رهبری یک بار، دوبار به شکل مصداقی اشاره کردند و مهمتر از آن به شکل یک اصل مطرح کردند؛ که حواستان باشد ما حداکثر تا یک جایی کوتاه می آییم. بعد از آن این چفیه و آن جان ناقابل و... که ایشان با بیانی تلخ فرمودند که ما ایستاده ایم؛ یک جان ناقابلیم، یعنی تنها هم بشویم، این جا حسینی خواهد شد.

یادمان است که در سال ۷۸ ایشان این چفیه را روی دوششان انداختند، در مصلی در اجتماع جوانان، فرمودند که دشمن اگر این جا زیاد فشار بیاورد این جا حسینی نخواهد شد بلکه اینجا حسینی می شود. در جاهایی دیگر هم از تعبیر دیگری استفاده کرده و تصریح کردند که دل افراد موما قرص باشد براینکه ما کشور را ذره ذره تسلیم کفر نخواهیم کرد. این را باید همه بدانند. اما نیاز نیست تکرار شود؛ زیرا این یک اصل است که سعی می شود سود دنیوی با منفعت اخروی پیوند داده شود، اما اگر نشود سود دنیوی کنار می رود. این کلان قضیه است. مسئولین هم اگر آن باور، آن اعتقاد به حیات اخروی در درونشان شکل گرفته و رسوخ کرده باشد، آن وقت حیات اخروی را به سود دنیوی نمی فروشند. نتیجه اش چه می شود؟ اگر این ها یک جا با هم سازگار نبود، انسان یا بایستی از یک سود چشم بپوشد، چه سود مالی، چه سود قدرت، مقام و محبوبیت، یا بایستی گناهی را مرتکب شود که موجب

وزر اخروی گردد.

چه اتفاقی می افتند که یک مسئولی به قیمت محبوب شدنش دروغ بگوید یا حق و ناحق بکند؛ یا چرا مسئولی بخاطر این که بر سر قدرت بماند، آخرت و ارزش ها را کنار می گذارد؟ چطور می شود که یک مسئولی برای این که در مقام خودش باقی بماند راحت دروغ بگوید و حیا هم نکند. گویا به این نتیجه رسیده اند که باید دروغ گفت؛ تکرار کرد؛ توجهی هم نکرد که چه واکنشی نشان می دهند؛ کاری هم ندارند! بالاخره یک عده ای باور می کنند، یک عده ای باور نمی کنند!

کم کم به این جا می رسد که دروغ به صورت ممکن به عنوان ابزار برای حفظ حکومت دارد استفاده بشود. چرا این اتفاق می افتد؟ چون ایمان به آخرت نیست و این وظیفه براساس آن ایمان در انسان وجود ندارد. باید فهمید که این ریاست چهار روز است یعنی چه و به چه دردی می خورد.

۴- مجاهدت و تلاش و مبارزه

مقام معظم رهبری می فرماید که:

«چهارم، اصل مجاهدت و تلاش و مبارزه است. یکی از کارهای واجب و اصلی برای هر انسانی - چه در موضع یک فرد، چه در موضع یک جمع؛ که حکومت و یا یک قدرت باشد - این است که مبارزه کند؛ یعنی دائم باید تلاش کند و به تنبلی و بی عملی و بی تعهدی تن ندهد. گاهی انسان عمل هم دارد، اما نسبت به وظایف اصلی تعهد ندارد؛ می گوید به ما چه! کج روی های برخاسته از هوس نیز همین طور است. انسان به این ها نباید تن بدهد. بایستی حتماً با تنبلی و بی عملی خودش مبارزه کند؛ تلاش و مجاهدت کند و در

این راه قبول خطر کند، این یکی از وظایف است. البته این مجاهدت باید مجاهدت فی سبیل الله باشد.»^۱

یکی از کارهای واجب این است که انسان، چه فرد و چه جمع، حکومت داشته باشد و برای گرفتن قدرت تلاش کند و اگر حکومت نداشته باشد باید دائماً مبارزه کند. مبارزه و تلاش دائمی و کنار گذاشتن تنبلی و بی عملی و بی تعهدی. چقدر این تنبلی امروز در جامعه ما، در بین نخبگان خواص ما مسئله درست می کند؟ البته این جهاد، باید جهاد فی سبیل الله باشد.

۵- امید به پیروزی در همه شرایط

در ادامه مقام معظم رهبری آخرین وظیفه عملی مبتنی بر مبانی را اینگونه بیان می کنند:

«پنجمی و آخری، امید به پیروزی در همه شرایط است؛ به شرط آن که جهاد فی سبیل الله باشد. کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و نا کامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است. شرط مجاهدت فی سبیل الله چیست؟ این است که انسان به سبیل الله ایمان و باور و معرفت داشته باشد و آن را بشناسد؛ بنابراین می تواند در راه آن مجاهدت کند.»^۲

اگر جهاد فی سبیل الله باشد کسی که مشغول مجاهدت است حق ندارد

۱. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. دیدار کارگزاران نظام : ۱۳۷۹/۹/۱۲

ناامید شود. زیرا یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به خاطر این بوده که مجاهدتی رخ نداده و یا اگر رخ داده باشد فی سبیل الله نبوده است. پس رمز این امید بی پایان رهبری به آینده این انقلاب روشن شد؛ یعنی اگر تو مجاهدت فی سبیل الله کردی پیروز می شوی. خود ایشان چون به عنوان یک مجاهد فی سبیل الله کمر بسته اند، می دانند که پیروزی حاصل می شود.

مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه این تعبیر حضرت موسی علیه السلام را به کار بردند که وقتی قوم موسی علیه السلام می گفتند: «فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَائِلًا أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ»^۱، عرصه بر ما تنگ شده است. این سپاه فرعون از پشت سر برای تاخت دارند به سمت ما می آیند، جلویمان هم دریا است. حال قوم موسی علیه السلام عجیب است. در این حالت پر از خوف و اضطراب، حضرت موسی علیه السلام می فرمایند که نترسید، خدا با ما است. حضرت آقا طوری فرمودند که خدا با ما است، همه حس کردند که ایشان خودشان را می گویند. بلافاصله استدراء کردند و فرمودند که خدا با ما است. واقعا ایشان باور دارند که خدا با ایشان است. چون او با خداست. «ما كان لله، كان الله له». این فرد کاملا برای خداست، تمام هستی اش را برای خدا داده است و خدا هم با اوست. قلب مردم در اختیارش هست. البته این کف های روی آب و این خس و خاشاک و ... که بیشتر هم به چشم می آید و برخی را به اشتباه می اندازد که فکر می کنند ایشان در جامعه محبوبیت ندارند؛ البته قرار هم نیست این موارد دائماً به رخ کشیده شود. لذا اگر روزی، وضعیت فوق العاده ای پیش بیاید معلوم می شود که مردم با چه کسی هستند و دل مردم

با کیست. ایشان می دانند که دل مردم با اوست، چون او با خداست. و چون دل مردم با اوست، می دانند که این مردم پای کار هستند و لذا امید دارند. این است آن رموز امیدی است که رهبری دارند. ما نیز باید مثل ایشان باشیم. در این راه آرام آرام برویم، می بینیم که این امید در ما شکل می گیرد. البته این امید باید شکل بگیرد. لذا مقام معظم رهبری می فرمایند که این یک وظیفه است. امیدواری وظیفه است. البته نه وظیفه کورکورانه، بلکه وظیفه ای آگاهانه.

این وظایف الان برعهده همه ماست. وظیفه اصلی همه انبیا و اولیا و ائمه علیه السلام همین بوده و در کل تاریخ بشر هم وجود داشته است. «وَكَايُنْ مَانِيٍّ قَاتِلَ مَعَهُ رِيُونٌ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۱. این جریان مبارزه و مجاهدت، در کل تاریخ وجود داشته و لذا مقام معظم رهبری می فرمایند که این مبارزه برای ایجاد آن قدرت الهی است. باید توجه کرد که لایه لایه های معارف اسلام، چطور به شایستگی چیده شده و کنار هم قرار داده می شوند تا برسند به انقلاب اسلامی. به همین علت این سخنرانی خیلی کامل است. اسکلت اصلی آن چه که از معارف الهی و اسلامی برای این انقلاب لازم است را می توان در این سخنرانی دید. البته با آن مقدمات، دقت ها و ظرافت هایی که مطرح شد. پس ایجاد این قدرت الهی، در مبارزه ای که باید رفت و همه انبیا هم برای این راه حرکت کردند، امر بسیار دشواری است.

چیزی که الان پیش آمده و می توان از طریق آن اهداف را تحقق بخشید آسان به دست نیامده است. این جا تازه به انقلاب اسلامی می رسد. صدها

شرط و صدها موقعیت باید در کنار هم قرار بگیرند تا حادثه ای مثل انقلاب اسلامی بتواند رخ دهد. چنین تحلیلی در این جریان های تحلیلی انقلاب اسلامی از سوی کسانی که تحلیل گر انقلاب اسلامی هستند به این صورت دیده نشده است. به تعبیری که مقام معظم رهبری دارند: «این پدیده بسیار مغتنم دیرپاب، به آسانی در هر جایی به دست نمی آید.»

فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی

مقام معظم رهبری در خصوص فرایند پنجگانه بعد از صحبت در مورد مبانی و جهان بینی اسلامی اینگونه می فرمایند که:

«ما می خواهیم آن نظامی، آن تشکیلاتی و آن حکومتی را که بتوان این هدف ها را در آن محقق کرد، به وجود آوریم. این یک فرآیند طولانی و دشواری دارد و شروعش از انقلاب اسلامی است. البته انقلاب که می گوئیم، حتماً به معنای زد و خورد و شلوغ کاری و امثال اینها نیست؛ برخلاف آن برداشت هایی است که می بینیم در بعضی از نوشته ها خوششان می آید با کلمه ی انقلاب بازی کنند! گاهی می خواهند انقلاب را به معنای شورش، اغتشاش، بی نظمی و بی سامانی وانمود کنند و بگویند ما انقلاب نمی خواهیم؛ یعنی انقلاب چیز بدی است! این برداشتهای غلط از انقلاب است. انقلاب یعنی دگرگونی بنیادی. البته این دگرگونی بنیادی در اغلب موارد بدون چالش های دشوار و بدون زور آزمایی، امکان پذیر نیست؛ اما معنایش این نیست که در انقلاب حتماً بایستی اغتشاش و شورش و امثال اینها باشد؛ نه، ولی هر شورش و هر اغتشاش و هر تهییج عام و توده ای هم معنایش انقلاب نیست؛ هر تحولی هم معنایش انقلاب نیست؛ انقلاب آن جایی است که پایه های غلطی برچیده می شود و پایه های درستی به جای آن گذاشته می شود. این قدم اول است. انقلاب که

تحقق پیدا کرد، بلافاصله بعد از آن، تحقق نظام اسلامی است. نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل این که وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی گزینشی جایگزین می شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می کند؛ یعنی نظام اسلامی. بعد از آن که نظام اسلامی پیش آمد، نوبت به تشکیل دولت اسلامی به معنای حقیقی می رسد؛ یا به تعبیر روشن تر، تشکیل ماش و روش دولتمردان - یعنی ماها - به گونه اسلامی؛ چون این در وهله اول فراهم نیست؛ بتدریج و با تلاش باید به وجود آید. مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است، تطبیق کنند. یا چنان افرادی - اگر هستند - سر کار بیایند؛ یا اگر ناقصند، خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند. این مرحله سوم است که از آن تعبیر به ایجاد دولت اسلامی می کنیم. نظام اسلامی قبلاً آمده، اکنون دولت باید اسلامی شود. دولت به معنای عام، نه به معنای هیأت وزرا؛ یعنی قوای سه گانه، مسئولان کشور، رهبری و همه. مرحله چهارم - که بعد از این است - کشور اسلامی است. اگر دولت به معنای واقعی کلمه اسلامی شد، آن گاه کشور به معنای واقعی کلمه اسلامی خواهد شد؛ عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر بتدریج ریشه کن می شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می آید؛ جایگاهش در روابط بین الملل ارتقاء پیدا می کند؛ این می شود کشور اسلامی. از این مرحله که عبور کنیم، بعد از آن، دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می شود دنیای اسلامی درست کرد.

الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید.^۱ ما می‌خواهیم آن تشکیلات، آن حکومتی که این هدف‌ها را محقق کرده به وجود بیاوریم که شروعش از انقلاب اسلامی است، بعد نظام اسلامی، بعد دولت اسلامی، بعد جامعه اسلامی و بعد دنیای اسلامی، که در جایی دیگر فرمودند امت اسلامی، و تعبیرهای دیگری مانند تمدن بین‌الملل اسلامی، تمدن نوین اسلامی، همچنین تمدن ایرانی اسلامی، تمدن اسلامی ایرانی به کار برده‌اند. همه این تعابیر تقریباً یک معنا دارد؛ البته با تفاوت‌هایی که در جای خودش باید تفسیر کرد. سپس فرمودند که «ما کدام مرحله هستیم؟ ما در مرحله دولت اسلامی هستیم.» همین تعبیری که در سال ۷۹، سال ۹۶ و ۹۷ (و سال ۹۸) اشاره کردند همه باید تلاش کنیم که برای مسئولیت‌ها، خودمان را با الگوی اسلامی مطابق کنیم. دین‌مان، تقوایمان، رعایتمان نسبت به حال مردم و ...، که این بحث در قسمت نقشه راه دولت اسلامی اشاره می‌شود.

پیروی از هوی و طول‌آمل، عمده‌ترین خطر انقلاب اسلامی

طبق فرموده مقام معظم رهبری، حال که باید دولت اسلامی ایجاد کنیم، عمده‌ترین خطر چیست؟ ایشان روایتی را در پاسخ به این سوال می‌خوانند:

«إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلَّتَانِ: اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ.»^۲ مخاطرات همین است. «اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَىٰ فَإِنَّهُ يَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ»، پیروی از هوا، در انسان سد راه حق می‌کند. «وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْأَخْرَةَ». اول هواپرستی و هوس‌پرستی

۱. دیدار کارگزاران نظام: ۱۳۷۹/۹/۱۲

۲. نهج البلاغه: خطبه ۴۲

است. خطاب ایشان به مسئولین اصلی نظام است که این مخاطره بر سر راه ما، هوس پرستی ما و شماست؛ از همه خطرها بالاتر همان هوای نفس است که در ماست و غالب این گمراهی ها به خاطر آن است.

ایشان اشاره می کنند به شرایطی که در آن قرار داریم. البته در سال ۷۹ که تلاطم ها و مشکلاتی شکل گرفته بود. اگر رجوع شود، حوادث بسیاری یادآوری می شود.

البته متأسفانه با وجود اینکه می دانستند کارشان خطاست، برای خود هزار رقم توجیه درست می کردند. نامه می نوشتند به رهبری که ببینید وضعیت چه طور است؟ این وضع آن جا، این وضع فلان جا! وقتی مسئول کشور این حرف ها را می زند، دشما هم می رقصند و شادی می کند و حرف او را تکرار می کند برای این وضعی که در داخل است. این شد حرف؟ این شد توجیه؟! شایسته است حرفی زده شود که دشما شاد بشود؟ علت هم به هم ریخته و بد بودن فضا تلقی گردد. معلوم می شود که هوس پرستی و هوا پرستی است. امروز شرع و دین به ما می گوید باید این نظام را حفظ کرد. وقتی ادعای طرفداری از امام خمینی رحمه الله را داریم و خواهان تبیین خط ایشان هستیم، باید قبول کنیم که امام خمینی رحمه الله فرمودند حفظ نظام واجب واجبات است. مبدا یادمان برود که امام رحمه الله فرمودند حفظ نظام از حفظ جان امام زمان عج الله تعالی فرجه بالاتر است؛ مبدا که هزار جور توجیه برای خود درست کنیم.

طول امل، آرزوهای دور و دراز، یعنی تلاش کن برای این که خانه ات را فلان طور درست کنی - خطاب به مسئولان است در سال ۷۹، دهه ۷۰ - طول امل یعنی تلاش کنید و مقدمات را فراهم کنید برای این که به فلان مقام برسید. این طول امل است. این مسئول، فردی است که امروز دارد برای ما

عبرت می‌شود - انشاءالله ما عبرت بعدی‌ها نشویم - این فردی که این گونه طول آرزوها او را وادار کرده که آخرت را فراموش کند و دروغ بگوید و حتی حرکت این ملت را به تاخیر بیااندازد، چه طور این فرد می‌تواند در آخرت جواب هشتاد میلیون آدم را بدهد؟ لابد خیلی اعتماد به نفس دارند! خاصیت این هدف‌ها «فَيْئِسِي الْأَخْرَةَ» است. آخرت را از یاد انسان می‌برد، دائماً انسان را مشغول هدف‌های حقیر می‌کند.

برخی مسئولین متأسفانه گرفتاری‌هایی برای خودشان و برای کشور و برای آبروی نظام و برای کشتن امید مردم درست کردند. زیرا گرفتار هدف‌های حقیر شدند. وقتی انسان آخرت را فراموش کند، دلش را می‌میراند؛ دیگر میلی به دعا، تضرع و توجه برایش باقی نمی‌گذارد.

مردم سالاری دینی، ملاک تصحیح اخلاق، رفتار و منش مسئولان

ایشان بعد از این بحث می‌فرمایند که :

«امروز بهترین چیزی که ممکن است ما بتوانیم برای تصحیح اخلاق و رفتار و منش خودمان - یعنی مسئولان کشور - ملاک قرار دهیم، مردم سالاری دینی است؛ همین چیزی که بارها گفته‌ایم و تکرار شده است. نباید اشتباه شود؛ این مردم سالاری به ریشه‌های دموکراسی غربی مطلقاً ارتباط ندارد. این یک چیز دیگر است. اولاً مردم سالاری دینی دو چیز نیست؛ این طور نیست که ما دموکراسی را از غرب بگیریم و به دین سنجاک کنیم تا بتوانیم یک مجموعه کامل داشته باشیم؛ نه. خود این مردم سالاری هم متعلق به دین است.»^۱

نقشه راه ما بر پایه مردم سالاری دینی است. ما می‌توانیم دولت اسلامی ایجاد کنیم. مردم سالاری دینی دموکراسی اسلامی نیست که دموکراسی را از

طرفی گرفته و اسلام را هم از این طرف به همدیگر بچسبانیم! تکیه بر مردم از مبانی اسلام گرفته شده است، به دلیل اینکه اسلام، مردم را دارای کرامت ذاتی می داند؛ لذا ما احترام آن ها را واجب می دانیم و خواسته شان را تمکین می کنیم. زیرا این مردم خدا خواه هستند و فطرتشان الهی است؛ این مردم با هدایت روز به روز رشد می کنند. رمز صبر امامین انقلاب با این انتخاب های مردم همین جاست، علت رشد مردم است. بالاخره هر بار که یک اشتباهی رخ می دهد، این اشتباه اصلاح می شود؛ البته به شرط اینکه عامل هدایت گر وارد شود - که این مسأله در نقشه راه خیلی مهم است - و مردم را هدایت کند. نباید اینگونه باشد که مردم سالاری دینی تا پای صندوق رأی باشد و بعد از صندوق، مردم دیگر سالار نباشند! بعد هم وقتی این رأی گرفته شد، چهار سال، این رأی را به رخ مردم و دیگران کشیده شود و اتفاقی که پای صندوق افتاد باعث شود که برای چهار سال بزنیم بر سر مخالف که مردم به شما رأی ندادند! شبیه اتفاقی که در دوم خرداد افتاد. الان هم هست اما کمی معتدل تر؛ رویکرد اعتدالی هست. مردم سالاری تا پای صندوق! بعد از صندوق چه می شود؟

رهبر معظم انقلاب می فرمایند که مردم سالاری دینی دو سر دارد. یک سر مردم سالاری، تشکیل نظام به وسیله اراده و رأی مردم است؛ این مهم است. مردم بایستی بخواهند، بشناسند، تصمیم بگیرند و انتخاب کنند تا تکلیف شرعی در باره آن ها منجز شود. پس باید کاری کرد که مردم بخواهند. برای خواستن مردم کاری کنید که بشناسند، تصمیم بگیرند و بعد انتخاب کنند. این مایه ها و کارهایی است که باید انجام داد؛ نه اینکه شب انتخابات به صورت فشرده کارکنیم و بگوییم یک ماه بیشتر وقت نداریم. زندگی را بگذاریم و برویم در

ستادها شب و روز بگذاریم و بعد هم فکر می‌کنیم واقعاً شق القمری می‌شود! باید توجه کرد که وضع فکری جامعه چیست؟ در تعبیری یکی از بزرگان می‌گفتند که ما می‌خواهیم اسب را پای گردنه آب بدهیم! شکم این اسب را پر آب می‌کنند بعد می‌خواهد این اسب بتواند بالا بکشد؛ خب، اینکه بالا نمی‌رود. شب انتخاباتی، مثل شب امتحانی عادت ما شده است! مگر می‌شود مردم در شب انتخابات بشناسند و اراده‌ی انتخاب پیدا کنند. لذا نتیجه‌ی رأی چیزی نمی‌شود که مطلوب باشد. استدلال مردم این است که رأی‌شان از بین نرود و نسوزد. وقتی خرده افکاری در ذهن مردم است، نتیجه‌اش این می‌شود که تکلیف شرعی در مردم منجز نشود. مردم را نباید سرزنش کرد. رهبری می‌فرماید برای این مردم تکلیف شرعی منجز نشده است. چون هدایت گران به وظایفشان عمل نکردند. این قسمت مردم سالاری تا پای صندوق. سر دیگر قضیه مردم سالاری این است که بعد از آن که ما و شما را انتخاب کردند ما در قبال وظایف آن‌ها وظایف جدید و حقیقی داریم. قسمت دوم این می‌شود که حالا نوبت ماست به وظایفمان عمل کنیم.

بخش سوم

نقشه راه تحقق اهداف
انقلاب اسلامی

نقشه راه حرکت انقلاب اسلامی

سال ۷۰، در دهه فجر، در میان میهمانان خارجی دهه ی فجر، دانشمند سوری بعد از تقدیر از انقلاب اسلامی و ابراز علاقه فراوان نسبت به این انقلاب، می گوید که شما می خواهید بعد از جنگ و بعد از امام رحمه الله چکار کنید؟ حضرت آقا می فرمایند که: «من به شما می گویم. ما راه طولانی را آمدیم، راه طولانی را طی کردیم، اما راه طولانی تری در پیش داریم.»

مضمون مطلب به این شکل هست که موانع برای حرکت به سمت دولت اسلامی، جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداشته شده است؛ یعنی موانع غیر قابل عبور. این موانع توسط انقلاب و نظام برداشته شده است. تا مردم شاه را پایین نمی آوردند، نمی شد سراغ نظام اسلامی رفت. تا مردم این نظام را، یعنی نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی را تاسیس نمی کردند، نمی شد سراغ ایجاد دولت اسلامی رفت. اگر احتمال داشت که نظام دموکراتیک یا نظام سوسیالیستی... درست شود، آیا از آن نوع نظام، می شود دولت اسلامی ایجاد کرد؟ انقلاب این دو مرحله را پشت سر گذاشت و مانع عمده را از سر راه برداشت. پس انگشت اشاره به سمت دولت اسلامی، از سال ۷۰ است نه ۷۹.

مقام معظم رهبری همین جا نقشه راه را به ما می دهند و مخاطرات را می فرمایند؛ توشه راه را هم مشخص می کنند. سپس می فرمایند که «اولین و مهمترین کاری که در پیش داریم تحول معنوی و روحی عمیق انسان هاست.

ما متأثر از تربیت طاغوت هستیم.»^۱ چه کسانی؟ انقلابیون و یاران امام. انقلابیون صدر اول. کسانی که در زندان های شاه، با شاه مبارزه می کردند متأثر از تربیت طاغوت هستند. به اندازه یک نفسی که در زمان طاغوت کشیده شده، بار حاکمیت طاغوت حمل می شود؛ پس باید از آن خلاص شد. این باید تغییر کند. این با تحول معنوی و روحی اتفاق می افتد. انقلاب و جنگ تحول معنوی ایجاد کرد، معجزه هم بود اما کافی نیست.

مرحله دولت اسلامی و مشکلات عدم تشکیل آن

مرحله دولت اسلامی را باید گذراند و از آن عبور کرد. دولت اسلامی حدی ندارد و تا زمان ظهور می تواند ادامه پیدا کند. اما مرحله دولت اسلامی یعنی چه؟ در بیان رهبری باید خوب تعمق کرد؛ زیرا به طور کامل بیان نموده اند. یعنی نصاب کمی و کیفی مسئولان که بتواند جامعه اسلامی نمونه مقدور عصر غیبت را محقق کند. یعنی به حداقل دولت اسلامی که شما رسیدید، از این مرحله عبور کردید. همان گونه که در مورد دو مرحله قبل، بارها اعلام گردید که از مرحله اول و دوم با موفقیت عبور شده است و انشاءالله روزی می رسد که مقام معظم رهبری می فرمایند: «می گویم امروز نوبت تشکیل جامعه اسلامی است.» این معنی گذشتن از مرحله دولت اسلامی و عبور کردن از این مرحله است.

یک عده به خاطر این که در جامعه ما ظاهر غیر اسلامی از بین نرفته و درجهایی هم بیشتر شده، این را پای اصل انقلاب می گذارند؛ می گویند که انقلاب هم نتوانست؛ مثل این که دیگر نمی شود، پس بیاییم کمی مدارا کنیم وسختگیری نکنیم! متأسفانه برخی مواقع علاوه بر برخی از مردم، این

حرف ها را طلاب و آخوندها می زنند و به طور مثال می گویند که الزام به حجاب در جامعه اشتباه بود. از او سؤال که می شود چه کسی این اشتباه را کرد، میگوید اجازه بدهید من سکوت کنم! چه کسی حجاب را در اول انقلاب ملزم کرد؟ امام رحمه الله؟! شکستن امام دارد از حوزه توسط کسانی که سابقه امام دوستی انقلابی هم دارند پیش می آید! حجاب را اختیاری کنید. چرا؟ چون زورتان نمی رسد، مردم هم فهمیده اند که حریف نمی شوید، لذا در آخر مجبورید با فصاحت قبول کنید. پس بیایید خودتان این کار را بکنید، شاید مردم برگردند. چقدر ساه لوحانه! این اولین قطعه دومینو است. که اگر افتاد معلوم نیست تا کجا خواهد رفت.

حجاب اختیاری تا چه حدی؟ چقدر از سطح بدن را شما می پذیرید و چه حدی اگر بگذارد نمی پذیرید؟ آیا می توان جلوی خود را گرفت؟ جلوی پوشش هم گرفته شود، رفتار را چه کنیم؟ چه نوع رفتاری را برایش می شود حد و مرز قائل شد؟ فقط که ما بر مردم سروکار نداریم؛ این مردم و این جامعه، درهایش به سمت غرب باز شده، و این جاسوسها و نفوذی ها و شبکه های اجتماعی می خواهند برای این که حمله کنند تا موانعشان را یکی از بعد از دیگری، به زعم خودشان بریزند و بعد چیزی نماند؛ روحیه ای هم نماند. چقدر ساده لوحانه است. زیرا نمی آیند اصل را ببینند و این بیانات را بررسی کنند.

علت حل نشدن مسئله حجاب در جامعه بخاطر عدم تشکیل دولت اسلامی است. خامنی قبل از مسئولیت عالی اجرایی، بدحجاب بوده، اما در کنار مسئولین عالی اجرایی، با چادر می آید که مسخره اش هم می کنند؛ بعد از اینکه از مسئول جدا می شود در یک مسافرت یا جای دیگر با مانتو و روسری می رود. این تمسخر نیست؟ پیام رفتارش این نیست که اگر یک

چیزهایی را از مردم همین طور فعلاً بگذرانیم یا حرفشان را گوش کنیم حل خواهد شد؟ این مسخره کردن حجاب نیست؟ برخی مسئولین دارند این را می دهند که حجاب مهم نیست. به خاطر عدم تشکیل دولت اسلامی، مسئله حجاب در رفتار اسلامی مردم حل نشده است.

دولت اسلامی را می توان تشکیل داد؛ باید جمع شد و برای تشکیل دولت اسلامی اهتمام کرد؛ باید رفت و آن قله را گرفت. چرا باید در دشت پهن شد که تلفات ایجاد کند؟ باید قله را فتح کرد، به تعبیر نظامی ها، نقطه سرکوب را به دست گرفت، آن موقع خواهیم دید که دشمن عقب نشینی می کند؛ چون سرکوب می شود. زمانی که روی قله هستیم، اشراف داریم بر کل کشور. می توان تمام پایگاه های دشمن را کوبید، امروز پایگاه های دشمن - پایگاه های واقعی و پایگاه های فیزیکی - در کشور راه افتاده که همه اطلاع ندارند. برای دولت بعد از جمهوری اسلامی به سبک آمریکایی و غربی کادر تربیت می کنند. غذای جامعه چه طور باشد، پوشش زن در همین جمهوری اسلامی، به چه شکلی باشد، عربانی زن تا کجا باشد، استفاده از اینترنت، استخر و... همین شیوه های شبیه تربیتی که در جمهوری اسلامی می خواهیم انضباط بدهیم، می خواهیم تربیت کنیم، غربی ها مناسب فرهنگ خودشان دارند در همین جمهوری اسلامی تربیت می کند. این ها از کنار غفلت مسئولین آمدند و در جامعه پخش شدند. اگر دولت‌مرد اسلامی با چشم بیدار در این جامعه، دائماً رصد کند و بعد سراغ دشمنان انقلاب برود که آنها را سرکوب کند، این ها بساطشان را جمع می کنند. ما داریم از غفلت آن مسئول شکست می خوریم؛ از سستی مسئولین خود و از خودمان شکست می خوریم. این مانع باید برداشته شود و علاج گردد.

اگر دولت اسلامی درست شود حجاب هم درست می‌شود. چرا در این ۴۰ سال درست نشده است؟ زیرا ۳۸ سال است که رهبری گفته‌اند دولت اسلامی اما توجهی نشده است. به این دلیل است که مشکلات حل نشده است. لذا برخی شروع به وادادگی می‌کنند. وادادگی در عمق این حوزه دارد نفوذ می‌کند و در یک جاهایی هم نفوذ کرده است.

باید مراقب بود که این وادادگی دامن ما را نگیرد و این موریانه در پیکر ما رخنه نزند. چشم بر هم بگذاریم خواهیم دید که کوتاه آمدیم. می‌بینیم وقتی می‌گویند بلند شوید و کاری بکنید در پاسخ می‌گوییم: باید دید مصلحت هست یا نه! باید این زندگی عادی را ترک کرد. تلاش، مجاهدت و مبارزه لازم است. دغدغه‌هایی که ما را از مسیر باز می‌دارند، سراغمان می‌آید که درس را چه کار کنم؟ آینده‌ام را چکار کنم؟ خانواده را چکار کنم؟ عناوین آینده علمی را چکار کنم؟ من می‌خواهم مجتهد شوم، مثلاً مرجع تقلید بشوم و بتوانم به این انقلاب کمک کنم. تا نوبت شما برسد و ببینید مرجع شده‌اید، آیا در این بستر غفلت، به داد این انقلاب می‌رسید؟ آیا از آن مسیر می‌آید تا به این انقلاب کمک کنید؟ تا به خودت نگاه کنید می‌بینید عمرتان تمام شده و در این محافظه کاری، که قاتل انقلاب است گرفتار شده‌اید. متأسفانه آن جایی که باید عملیات کرد ورود نمی‌شود. نقشه عملیات وجود دارد لذا باید رفت و غلبه کرد. این جنگ مثل جنگ نظامی است و از جهت اصول فرقی با آن ندارد. باید برای یک رزم و یک مبارزه‌ای از طریق جهاد کبیر و نه جهاد اصغر مهیا شد.

اقتضائات جهاد کبیر را باید تأمین کرد، باید خود را آماده رزم کرد. این اقتضائات با آن پایه‌های معارف و با آن پایه‌های معنوی که در این نقشه راه

وجود دارد، ایجاد می‌شود. اگر کسی خودش را عبد خدا دید، عبد از خودش اختیار دارد و در اختیار ارباب است، هر طور که او می‌خواهد خودش را آماده کند. آن وقت اقتضائات جهاد کبیر مهیا می‌شود.

مسئله تحقق دولت اسلامی تا تمدن اسلامی، دغدغه و اهتمام رهبری است. به نظر شما فکر شب و روز حضرت آقا امروز به جز دولت اسلامی چیست؟ ایشان تعبیری که فرمودند «در دولت اسلامی اش مانده ایم»^۱. یعنی دغدغه معظم‌له این است. پس باید از این عقبه و از این گذرگاه عبور کرد.

نتایج عدم تحول و تربیت معنوی

مرحله‌ی دولت اسلامی سخت‌تر از مرحله‌ی انقلاب و نظام اسلامی است؛ لذا تحول معنوی عمیق‌تری لازم دارد؛ از سال ۷۰. اما آیا این مسئله در دستور کار مسئولین نظام قرار گرفته است؟ مجموعه‌های فرهنگی سراغ چه کارهایی رفته‌اند؟ آیا فهمیده‌اند تحول معنوی چیست؟ آیا راه تحول معنوی را شناخته‌اند؟ آیا می‌شود با برگزاری صرفاً دعا و مجالس عزاداری، تحول معنوی ایجاد کرد؟ آیا می‌شود فقط با استمداد از فضای شهادت و ارزش‌های شهدا تحول معنوی ایجاد کرد؟ این راه تحول معنوی، یک حرفه یا یک پیشه و یک روش نیست. فکر می‌کردیم چون - الحمد لله - مجالس دعا و عزاداری و بزرگداشت شهدا برقرار است، بالاخره حال‌ها متحول و دگرگون می‌شود. اما بعد از آن توجه نداشتیم که از مجلس که می‌رویم، دو روز بعد دوباره همان احوال سابق برمی‌گردد. پس معلوم می‌شود در این روش‌ها مشکلی هست. درست است که این‌ها موعدها است، اما اینها آن راه اصلی نیست.

روی پیدا کردن راه اصلی فکر نشد و شیوه‌های فرهنگی یکی بعد از

دیگری نتوانستند در این مسئله موفق شوند. این نسل هایی که در این چند دهه تربیت شدند، مانند انقلابیون اوائل انقلاب به کجا رسیدند؟ درست است که در انقلابی بودن، در تند بودن، در پرحرارت بودن، خیلی خوب بودیم، اما وقتی عرصه تنگ می شود، شروع می کنیم به انجام رفتارهایی که یک انسان بر اثر بی صبری می کند. صبر، شتاب زده نبودن، کسالت نداشتن در کار، تلاش و مبارزه، محصول و میوه معنویت است.

عده ای در یک دوره داغ و پرحرارتی بودند، اما یواش یواش کم آوردند. بعد هم که نمی شود گفت کم آوردم! زیرا افت دارد که بگوید «بسمه تعالی؛ من دیگر انقلابی نیستم و حوصله ام از انقلابی بودن سر رفته است». اینطور نمی گوید؛ بلکه می گوید تقصیر تو است، تقصیر فلانی است، تقصیر این است و... و شروع می کند به افزایش حرارت انقلاب گری اش؛ ولی با راه های غیر متعارف شرعی. فکر می کند وقتی که نمی تواند واقعیت را عوض کند، پس باید شروع به غرغر زدن کند! مثل آن پادشاهی که وقتی به موج ها شلاق می زد فکر می کرد دارد موج ها را تهدید می کند! متأسفانه یواش یواش بین انقلابیون غرغرهایی شنیده می شود که نباید شنیده شود: «چرا کسی به فکر نیست؟ چرا رهبری یک کاری نمی کنند؟» اصلاً تمام این سنت ها و همه این معارف را زیر پا می گذارد و می خواهد مثل کسی که حتی ائمه علیهم السلام و پیامبران هم این گونه عمل نکردند، بیاید و بگیرد و ببندد و عزل کند و نصب کند و...، همه چیز را حل کند!

مشکل معنویت اینجاست؛ عدم تربیت معنوی این است، بی صبری، شتاب زدگی، لجاجت در اشتباهات. من انقلابی ام، خدا قبول کند یا رفته تلاش کردم و یک جایی اشتباه کردم، انشاء الله خدا می بخشد. اما نباید دیگر اصرار

بر اشتباه کرد. چرا اصرار می شود؟ برای این که افت دارد. اگر من بگویم اشتباه کردم، ضد انقلاب از من بهانه می گیرد و موجب تضعیف جبهه انقلاب می شود! ببینید هزاران توجیه و بهانه تراشی برای این که عمل خود را توجیه کنیم، باید گفت: بسمه تعالی؛ اشتباه کردم. مثل امام رحمه الله و مثل حضرت آقا. مگر آدم بگوید اشتباه کردم، کوچک می شود؟ نباید توجهی به جنجال ها کرد، آن هایی که باید بفهمند، می فهمند. خدای متعال هم کمک می کند. «گهی بالله وکیلا». معنویت این هاست. ما این راه را نفهمیدیم. البته اگر به رهبری مراجعه می کردیم و مراجعه بکنیم، این مطالب را بیان فرموده و راه را هم دقیق مشخص کردند.

این مسیر، از همین حوزه بیرون آمده است. لذا معنویت درست را باید شناخت. این معنویتی که امروز در این جامعه ما و در مجموعه ها هست، معنویت خیالی و وهمی و معنویت من در آوردی شده است. زیرا استاد ندیده اند و فردی را به عنوان مربی پیدا نکرده اند. چون مربی نداشته اند به زعم خودشان مسیر معنوی را خودشان طی کردند. با استعداد و هوش خودشان، قابلیت هایی پیدا کرده و معرکه ای هم گرفته اند و یک عده هم دورشان جمع شدند. در نتیجه وقتی یک کشور، در خدمت این فرد یا مجموعه قرار می گیرد می بینید مردم به کسی رأی دادند که دلش پیش کس دیگر است! ریشه این از معنویت های من در آوردی است. زیرا حوزه نیامده است مسیر درست معنویت را پیدا کند و ترویج نماید. معنویت من در آوردی در مقابل معنویتی آگاهانه که مبتنی بر معارف توحیدی و با تکیه بر یک جریان اصیل هدایتگر حوزوی و هدایت گر معنوی - همان تعبیری که رهبری بعدها فرمودند جریان خاص

الخاص^۱ - است. در گردهمایی برای بزرگداشت مرحوم آیت الله قاضی، رهبری این تعبیر جریان خاص الخاص را کردند. پس این جریان خاص الخاص را باید شناخت. مقام معظم رهبری اشاره دارند که این فقط برای حوزه و طلبه نیست؛ بلکه برای همه جوانان است. یعنی تعمیم معنویت اصیل، امروز در جمهوری اسلامی ممکن است.

منش و روش کارگزاران در بیان حضرت امیرالمومنین (علیه السلام)

حضرت امیرالمومنین علیه السلام اشاره دارند: سر مردم منت نگذارید، در گزارش کارها مبالغه نکنید، خلف وعده نکنید، ویژه خواری نکنید و در انتخاب حق افراط و تفریط نکنید. این ها وظایف شماست. این بلایی است که متأسفانه ما دچارش شده ایم. گاهی اوقات افراط و بعد تفریط می کنیم. باید عدالت گستر باشیم و رضایت عامه مردم را در مقابل رضایت افراد خاص به دست بگیریم؛ ولو این که خواص از شما ناراحت شوند. شما باید به قیمت رضایت عامه سوخت خواص را بخرید. این ها فرمایشات حضرت امیرالمومنین علیه السلام است. رهبر معظم انقلاب می فرمایند که پس مردم سالاری فقط این نیست که انسان تبلیغات و جنجال کند، عده ای را پای صندوق بکشاند و رأی از مردم بگیرد و بعد هم خداحافظ!^۲ در این انتهای بیاناتشان می فرمایند از خدا بخواهید که مجاهدت کنیم و بتوانیم در این ماه رمضان یک کارگزار اسلامی واقعی باشیم.^۳

اصلاً نمی شود تحمل و قبول کرد و اجازه داد این فسادها در بین ما رواج

۱- بیانات در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله سید علی قاضی (قدس سره)

۹۱/۰۴/۲۶

۲- بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۷۹/۰۹/۱۲

۳- همان

پیدا کند؛ لذا مجاهدت ها باید بشود و اصلاح ها باید صورت گیرد. اولین قدم اصلاح که اصلاحات گفته می شود اصلاح درونی خود ماست. ما باید خودمان را از این روش ها و منش ها و رفتارهای غیر اسلامی خلاص کنیم و نجات دهیم. اگر این کار صورت گرفت آن گاه پیشرفت کارها ممکن خواهد شد. در این ماه رمضان از خدای متعال توفیق بخواهید و دعا کنید ما بتوانیم این مرحله را نیز بگذرانیم. کدام مرحله؟ مرحله دولت اسلامی.

نیاز اساسی به فهم کار ساز

در عرصه دیگر به فهم اسلام، به شکل کار ساز برای حل مشکلاتی که بشر چار آن است نیاز اساسی وجود دارد. وقتی رهبری اشاره دارند که در دولت اسلامی ماندم به عبارتی ترجمه اش این می شود که یعنی در اقتصاد اسلامی ماندم، یعنی در فرهنگ اسلامی ماندم، یعنی در سیاست ورزی اسلامی ماندم. آیا اسلام برای این ها راهی ندارد؟ آیا اسلام برای اقتصاد، فرهنگ، سیاست و... کارآمد نیست؟ آیا حوزه های علمیه این پیام حضرت آقا را دریافت کردند؟ از سال ۷۰ تا ۷۹ حدوداً فصل اول این دعوت به سمت دولت اسلامی توسط رهبری شکل گرفته است؛ که سال به سال، قدم به قدم، از هفتاد تا هفتاد و نه، معظم له آن چیزی را که فرمودند خودشان دنبالش راه افتاده و پیگیری کردند. - در سال ۶۹ فرمودند نجات قدرت معنوی انسانی از گل لای شهوات. - در سال ۷۰ می فرمایند آیا می خواهیم مترف شویم؟ در کنار بحث دعوت به دولت اسلامی، مخاطرات را اشاره می کنند. - سال ۷۱ عبرت های عاشورا. دو عامل باعث انحراف عمومی شده است. یکی فراموش کردن خدا و معنویت؛ دومی دنیا طلبی و فراموش کردن آرمان ها. امام حسین (علیه السلام) این گونه به مسلخ رفتند.

- سال ۷۲ هشدار خطر جدی و فلج کننده رسوخ و نفوذ فساد.
- سال ۷۳ امروز همه داد می زنند فساد. لحظه امتحان است مراقب باشید. میکروب ارتجاع و بازگشت، دشمن بزرگ انقلاب است.
- سال ۷۴ دوران جهاد اکبر و جهاد با نفس است، زیرا دوران چرب و شیرین دنیاست و موج مخرب مهارناپذیر دنیاطلبی که حتی با زهد و عدل علوی هم نشود مقابله کرد؛ که ایشان از دانشجویان پاک نهاد استمداد می کنند و می فرمایند دورانی بسیار سخت و بسیار خطرناک و دوران لغزش و انحطاط اکثر انقلاب هاست.
- سال ۷۴، دوران فرونشستن شور و هیجان های اولیه است لذا به روحانیون می فرمایند که دوران موسم خطرناک میوه چینی است؛ پس مواظب دزدان باشید و روایات زهد بخوانید. معظم له خطر رواج دنیاطلبی و فساد و فحشا را در این سال ۷۴ تذکر می دهند.
- سال ۷۵ ایشان در پاسخ یک سوال، بعد از چهار سال در بحث عبرت های عاشورا، می فرمایند که مشکل در خواص بود؛ خواص دچار ویژه خواری شدند و ویژه خواری شد خشت اول کربلا. احساس نیاز به نوسازی معنوی همراه با عدالت خواهی کم کم ایجاد می شود.
- سال ۷۶ به یک تحول اخلاقی عمیق برای تحقق عدالت نیاز هست. چاره آن است که خود را باز یافته و بسازیم. آیا یک طبقه ممتاز و یک اشرافی گری جدیدی در حال شکل گیری است؟
- الآن سال ۹۹ است. ۲۳ سال است که از این حرف گذشته است، از آن موقع طبقه اشراف شکل گرفت و قوی شد، برخی از مسئولین آمار می دادند که ۵ هزار نفر از افراد در این کشور هستند ثروت بالای ۱۰۰۰ میلیارد تومان دارند.

بعضی هایشان ثروتمان ۲۰ هزار میلیارد تومان است. با این می‌شود خیلی آدم‌ها را خرید و خیلی فتنه‌ها درست کرد. با این ثروت خیلی کارها می‌شود کرد؛ خیلی‌ها را می‌شود آلوده کرد، متأسفانه این اتفاق امروز در جامعه افتاده است. - سال ۷۶ و ۷۷، ثروت‌های بادآورده و تشکیل طبقه جدید را هشدار دادند. این آب از سر چشمه منحرف شد و سرازیر شد، در آن هنگام رهبری فرمودند که که جلوی این آب را از سرچشمه بگیرید. آن زمان با یک بیل می‌شد گرفت؛ اما امروز با فیل باید جلوی این را گرفت! و البته می‌شود گرفت؛ لذا امروز هم می‌شود این کار را کرد.

شناخت جریانات رایج در کشور

- سال ۸۶ اعلام شکست و پایان پروژه انقلابی‌گری را اعلام کردند. این اتفاق سال ۹۰ نیفتاده است بلکه در سال ۸۶ آشکار شده است؛ که از سال ۸۴ شروع شده بود. آن‌هایی نزدیک بودند این مسائل را دیدند. انحراف‌های ذره ذره در همان ابتدای از گفتمان عدالت دیده شد. ایشان در سال ۸۶ اعلام کردند که نمی‌شود. ما پرچم دولت اسلامی دست گرفتیم و جلو رفتیم؛ اما خوردیم به صخره به ظاهر خیلی مستحکم استکبار. لذا دیدیم دولت اسلامی هم تا زمانی که استکبار این جا دارد مقاومت می‌کند، شکل نمی‌گیرد. پس شعار دولت اسلامی مال تو نبود (دولت نهم و دهم). شعار دولت اسلامی توسط او، بین مردم پخش شد و مردم امیدوار شدند و در این امواج مردم، کاندیدا و گزینه‌اش شما شدید و این پرچم را هم زمین گذاشتید. این مال چه زمانی است؟ برای قبل از سال ۸۸ است. آن سال‌ها این حرف‌ها زده شد و پایان پروژه انقلاب، پایان پروژه دولت اسلامی، پایان پروژه عدالت خواهی اعلام شد. لذا به این نتیجه رسیدند که تا آزادی نباشد عدالت محقق نمی‌شود. پس

سلام خاتمی! در سال ۹۶، خاتمی هم همین حرف ها را می زد! شما خیلی هنر کردید که بعد از دوازده سال، تازه به سرخط آنها رسیدید. این می شود وضعیت، این می شود یک جریان، امروز وضعیت این گونه است.

همان جریانی که رهبری ۱۰ سال هشدار دادند، الآن بانیان فساد و آن هایی که اساس این ظلم را گذاشتند، امروز در بحث فساد، شعار مبارزه با فساد سر می دهند. امروز دزدها شعار «آی دزد» دارند می دهند! این جوان بی خبر از این سابقه، متحیر شده است که چه کسی دزد است و چه کسی دزد نیست. لذا می گوید همه دزدید! نتیجه اش این می شود که از انقلاب می برند. آن جریان، امروز پرچم آی دزد بلند کرده است. الآن حقوق های نجومی، املاک نجومی و... که این مثال واضحش است که خودشان را رسوا کردند.

کسانی که دزدیدند، کسانی که به تعبیر رهبری، دست در بیت المال و صندوق های آن کردند، رفتند از این ویژه خواری ها کردند و ثروت هایشان به بالای هزار میلیارد و بیشتر و بیشتر رسید، امروز این افراد بر خیلی از جاها مسلط اند. دستگاه های تبلیغاتی، هنر پیشه و سلبریتی می خردند و از این طریق که مردم هم چشمشان به ظواهر است، جریان درست می کنند. ایام انتخابات، این لشکر شکست خورده مفلوک سلبریتی ها راه می افتند و برای این افراد رأی جمع می کنند. زیرا پول جمع شده است و این پول ها خرج این افراد می شود، این ها بنده دنیا هستند. جالب این است که امروز شعار آی دزد و مبارزه با فساد دارند می دهند، اما وقتی سراغ یکی از نزدیکانشان می روید، تهدید می کنند! می خواهند اعلام جنگ کرده و بعد تخطئه مبارزه با فساد را بکنند. اصل مسئله را باید دریافت کرد.

یک جریان، جریانی کم استقامت است که بریده، و می گوید همه بد

هستند و ما خوییم! لذا چاره ای ندارید که دوباره حکومت را به ما بدهید! یک جریان کم تجربه انقلابی هم چشمش را بسته و همین طور دارد فریاد می زند. بابا چشمت را باز کن، گوشت را باز کن؛ برو بخوان و ببین در ۲۰، ۳۰ سال اخیر چه گذشته است. چرا همه را متهم می کنی؟ از رهبری گرفته تا دیگران!

یک جریان عَلم و کُتل دار حرفه ای و سنتی انقلاب، که همیشه در حاکمیت هستند و حوادث را هم همین طور مشاهده می کنند. آیا شما از این افراد اثری می بینید؟ صدایی از این ها می شنوید؟ به اسم جریان های مثلاً انقلاب و ارزش و اصول و... اما خنثی و کم اثر. آیا می شود به این افراد دل بست؟ تمام هنرش این است که نگاه می کند و نگاه می کند. آقا یک حرکتی، یک سری، صدایی در مورد این مفاسد و این مشکلات، حرفی بزنید، شماها از خیلی پیگیری ها مصون هستید، مثل این جوان های پابستی نیستید که تا حرفی بزنند برایشان مشکل درست بشود. با شما رودربایستی می کنند. حرفی بزنید، کاری نکنید... اما هیچ صدایی از این ها در نمی آید. جالب این است که می خواهند شب انتخابات، گفتمان سازی کنند. فکر می کنند گفتمان مثل بستنی است، شب بگذارید یخچال، صبح دریاوری!

یک جریان هم جریان دکان دو نبش است. هم با اینطرف هستند و هم با آن طرف. زمان شاه یک حزب ایران نوین بود و یک حزب مردم بود؛ وصف این افراد مانند این است که در آن موقع می گفتند «حزب ایران نوین پاینده باد، یک کمی هم حزب مردم زنده باد!» هم دست روی شانه این می گذارند، و هم دست روی شانه آن؛ اموراتشان را هم به خوشی می گذرانند. ایام به کامشان است. این انقلاب هم به نامشان است و هم به کامشان. لذا از صاحب

منصبی دارند لذت می‌برند. عیش دنیا را هم کرده و خطر هم نمی‌کنند.

یاران انقلابی امام حاضر پای انقلاب

چه کسی می‌ماند؟ این یاران امام حاضر انقلاب که باید خودشان را با این معارف و با این سازندگی‌هایی که مطرح شد، پیدا کنند. این‌ها باید جمع بشوند. این افراد فراوان‌اند. همان افرادی که رهبری وقتی این شرایط را می‌بینند، می‌فرمایند بروید و بزنید به خط. اگر فرمانده ندارید یا قرارگاه متمرکز ندارید، بروید جلو. چگونه؟ حرف‌ها را گوش کنید و بفهمید و به تشخیص خودتان حرکت کنید. امیدهای رهبری این است که این حرکت اگر شروع بشود خود به خود خودش را می‌یابد و پیدا می‌کند و آن موقع قرارگاه‌های واقعی تشکیل می‌شود.

این مردم و جوانان بنیه دارند. در زلزله دو نوع مدیریت شد. یک مدیریت بحرانی که مدیریت بحران، خودش مدیریت بحرانی است! می‌گوید آماده نبودیم و زلزله بی‌هوا آمد! این یک نوع مدیریت. نوع دیگر هم که مردم و جوانان، به میدان آمدند. این صحنه‌های پرشور که آدم با یک چشم برای این مصیبت زده‌ها اشک می‌ریزد و با یک چشم به خاطر این رویش، این بالندگی و این طراوات انقلابی این مردم و این جوان‌ها اشک شوق می‌ریزد. در ماجرای پلاسکو دیدید مردم چه کار کردند؟ یا در جریان سیل آق قلا و پلدختر و... این مردم زنده‌اند. در ماجرای شهید حججی هم، همه این صحنه‌ها را دیدیم. این‌ها سرمایه‌های انقلاب است.

به تعبیر رهبر انقلاب، ما هزاران حججی داریم. هزاران حججی در این کشور است. این‌ها را باید پیدا کرد. البته این حججی‌ها باید این معارف‌ها را بخوانند و یاد بگیرند. این‌طور نیست که کسی همه وجودش را آماده فدا

کردن در راه خدا قرار بدهد، اما بدون دانستن این معارف بتواند راه درست و موثرترین راه ها را برود یا انفع کارها را انجام دهد. باید این ها را دانست، باید معرفت داشت؛ باید بر این معارف انقلاب که از این تریبون بلند و نورانی دارد در جامعه نور ایجاد می کند، تکیه کرد. در این هنگام این هزاران حججی، می توانند این کار کارستان را انجام دهند. آن حججی که آن طور عزتمندانه در یک صحنه، عزت الهی را نشان داد و همه قلب ها را مجذوب خود کرد، صحنه بسیار معناداری بود، رهبری از همه زودتر فرمود این حجت خدا و نشانه خداست.

معلوم شد که مردم، چه طور همه به حججی رأی دادند؛ همه افراد با لباس و ظواهر مختلف، افکار مختلف و حتی آن هایی که تا دیروز راجع به مدافعان حرم حرف هایی می زدند. انقلاب این است. اگر حججی ها به صحنه بیایند پشت سرشان مردم هم می آیند. آن وقت نتایج انتخابات اینگونه نخواهد شد. اگر در ایام انتخابات و در صحنه انتخاب، حججی ها بیایند و مردم را آگاه کنند، بیایند به مردم شناخت بدهند و مردم را به وظایف انقلابی و شرعی شان متذکر بشوند، مردم خودشان تصمیم خواهند گرفت.

مبارزه ادامه دارد...

صحبت از تداوم مبارزه است. در سال ۷۹ پایه مبارزه گذاشته می شود، -قبل از آن هم گذاشته شده بود- راه همان است، راه، راه مبارزه است و انقلاب هم تداوم دارد.

رهبری علت سختی این مرحله از انقلاب موانع داخلی و خارجی است که این جا خارجی را مطرح می کنند و لزوم مبارزه را برای این که انقلاب حفظ شود بیان می نمایند و این که ما در مرحله سوم بوده و دولت اسلامی نداریم و

هنوز در دولت اسلامی اش ماندیم.

در آن طبقه بندی که مطرح شد، از سال هفتاد تا هفتاد و نه یک مرحله است، از ۷۹ تا ۸۴ یک مرحله است، از ۸۴ تا اواخر دهه ۸۰ - البته تا قبل از فتنه - یک مرحله است. بعد از فتنه یک مرحله‌ی دیگری است. قبل از این که این اتفاقات بیفتد در سال ۹۰، رهبری مسئله پیری و فرسودگی نظام را، به عنوان یک سوال مطرح کردند^۱، در بین دانشجویان کرمانشاه مطرح می‌کنند و سوال می‌کنند که آیا نظام پیر و فرسوده می‌شود؟ سپس توضیح می‌دهند و می‌فرمایند روی این سؤال فکر کنید. چرا این سوال را مطرح کردند و چرا در مورد بالندگی انقلاب صحبت نکردند؟ چون دارد یک فرسودگی‌هایی عارض بخش‌هایی از انقلاب می‌شود. دقت شود که در سال ۹۰ هست و هنوز فضای دهه ۸۰ تغییر نکرده است؛ که تا دو سال بعد هم، فرسودگی مشاهده می‌شد. این ساختمانی که جاهایی از آن پوک شده بود، آشکار شد. این هم یک مرحله است.

اما بیانات رهبری در سال ۹۶، یک فصل جدید است. چون مقام معظم رهبری هیچ وقت در مورد دولت اسلامی این گونه صحبت نکردند. - با دقت، تعبیرشان دنبال شده است - هیچ وقت رهبری نفرمودند که در دولت اسلامی ماندیم؛ تعبیرشان این است در دولت اسلامی اش ماندیم. این تعبیری جدید است. و تعبیر تلخ و گزنده که در فضای حزن آلود، ایشان بیان کرده اند. در این دیدار متأسفانه رهبری خیلی محزون بودند.

لذا این فضا، یک معنای جدید دارد که یعنی ما را دعوت می‌کنند به فصل جدید. فصل جدید چیست؟ این است که باید این معارف را در صحنه

سرای جامعه آورد. تا الآن این بحث‌ها در جلسات کوچک و محدود مطرح میشد و در طرح دراز مدت تر که همچنان هم باید ادامه پیدا کند، کار دنبال میشد. اما این بیان رهبری به ما می‌گوید که وقت برخی کارها گذشته است، و دیگر نمی‌شود کاملاً مثل گذشته عمل کرد. امروز این بیان حضرت آقا به ما تکلیف دیگری را نشان می‌دهد و باید دانست هر موقعی تهدیدی و یک مشکلی توسط ایشان مطرح می‌شود، در قبالش و در کنارش و بیش از تهدید، فرصت وجود دارد و خود این تهدید باید انگیزه شود که بیاییم در این میدان، و این حرکت را راه بیندازیم و این مبارزه را امروز معنا کنیم.

آخرین جمله رهبری این است که می‌فرمایند: مبارزه و مبارزه و تاکید می‌کنند روی بحث مبارزه و خط مبارزه در انقلاب. جریان قاعدان را اشاره می‌کنند که آن دوره قبل از انقلاب هم، همین شکل بود. کسانی بودند که مبارزین را دوست داشتند، اما از خودشان دست به هیچ مبارزه‌ای نمی‌زدند، دامنه‌شان را هم تر نمی‌کردند و حتی نزدیک میدان مبارزه هم نمی‌شدند. از مبارزین خوششان می‌آمد اما وارد نمی‌شدند! البته کسانی هم بودند که بدشان هم می‌آمد.

وقتی دیده می‌شود که جریان مبارزه مطلوب جلو نمی‌رود برای این است که جمعیت دوست دار مبارزین زیادند. فرمود: «مَا أَكْثَرَ الضَّحِيجِ وَالْعَجِيجِ وَأَقَلَّ الْحَجِيجِ» اچقدر این‌هایی که ضجه می‌زنند و ابراز احساسات می‌کنند زیادند، آن‌هایی که آهنگ انقلاب را دارند کم‌اند. به این دلیل مبارزه در آن دوره، در غربت دنبال شد. امروز هم همین است؛ البته آن دوره مبارزه در غربت، به انقلاب اسلامی رسید. این مبارزه در غربت هم انشاءالله به دولت اسلامی می‌رسد.

مقام معظم رهبری می فرمایند که همچنان که آن روز مبارزه لازم بود و کنار نشستن و مبارزین را دوست داشتن، کافی نبود امروز هم مبارزه لازم است. نشستن و مبارزه را مدح و تمجید کردن کافی نیست. ^۱ ای رهبر آزاده، آماده ایم آماده! آماده‌ی چه هستید؟ آماده‌ی راه باید بود، این راه را باید به دست گرفت. قبلش هم باید رفت و این راه را شناخت. اگر می خواهی بروی سوریه، می خواهی بروی و مدافع حرم شوی، خیلی خوب است؛ اما مدافع حرم دولت اسلامی شو، حرم دولت اسلامی امروز در خطر است. در این حرم دشمن نفوذ کرده است، فساد نفوذ کرده است، این حرم، مهمترین حریمی است که امروز زیر این آسمان و روی این زمین برای وجود نازنین حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه،^۲ زمینه ساز ظهور خواهد بود. باید این حرم را دریافت.

چرا مبارزین ما و این جوانان سر از پا نشناخته و آماده فدا کردن جان، به این سمت هدایت نمی شوند؟ پس باید این ها را هدایت کرد. در نهایت؛ البته مبارز امروز، با مبارز آن روز، قبل از انقلاب، تفاوت ماهوی دارد. لکن مبارزه، مبارزه است، تلاش است، مجاهدت است. پس حضرت آقا می فرمایند این راه مبارزه را باید پیدا کنید و از مجاهدت باز نایستید.

و آخر دعوانا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بخش چهارم

مفهوم شناسی بیانیه گام دوم
و جایگاه آن در مکتب انقلاب
اسلامی

مدخل

مکتب انقلاب اسلامی، دانش پشتیبان بیانیه گام دوم

در مقدمه، برای فهم، تفهیم، تفسیر و عملیاتی کردن بیانیه، غیر از مطالعه آن، احتیاج به کار دیگری نیز داریم، یعنی برای تعمیق و تعمق در بیانیه و پیدا کردن و آشکارکردن راه حل‌های عملی آن، باید مقدماتی انجام دهیم. علاوه بر فکر و گفتگو، باید به یک سری منابع رجوع کرد.

به عبارت دیگر، دانش پشتیبان بیانیه گام دوم چیست؟ ما از چه متون و منابعی برای فهم و عملیاتی نمودن بیانیه استفاده کنیم؟ این کار، صرفاً علمی و تدوینی نیست - که آن هم جای خود خوب است - بلکه یک علم نافع است و باید هم باشد و علت تعبیر به عملیاتی شدن نیز همین است. انقلاب اسلامی، از جنس نافعیت است و متکی است بر علوم نافع نبوده که توانسته کشور را تا این مرحله پیش ببرد.

بنابراین فهم عملیاتی از بیانیه، فهمی است که ما را به کارهای عملی و عینی وصل کند و به نتیجه برساند.

برای وصل به این نتیجه، ما احتیاج به یک منبع داریم. احتیاج به یک دانش پشتیبان داریم. این دانش پشتیبان چیست؟ این دانش پشتیبان، آموزه‌های خود انقلاب اسلامی است. همه آنچه که در طول انقلاب اسلامی توسط امام

راحل و امام حاضر انقلاب اسلامی تبیین شده، متن مرجع برای فهم بیانیه گام دوم است؛ لذا این بیانیه دو بخش می‌شود. بخش اول مرور متن خود بیانیه است و بخش دوم پرداختن به شرح، تفسیر و علمی‌سازی نمودن این بیانیه برای عملیاتی و کارساز ساختن آن است. اسم این آموزه‌ها را مکتب انقلاب اسلامی گذاشته‌ایم.

۱. مکتب اندیشه و راهنمای عمل به بیانیه

مکتب اندیشه و راهنمای عمل این بیانیه چیست؟ روش و نگاه اولی که پیشنهاد می‌شود، نگاه دورنمایی است یعنی فهم مبتنی بر بیانات و اندیشه‌های رهبری و امام راحل. یعنی همین دو منبع، برای حل مشکلات و رفع مسائل و ابهاماتی که ممکن است برای فهم کامل این بیانیه در پیش باشد، کفایت می‌کند. این نگاه و تعبیر، نگاه درونزا است. یعنی نیاز به منبع دیگر و مراجعه به افراد و آرای دیگران اعم از صاحب نظران و اندیشمندان مسلمان و غیر آن در مباحث مثل تمدن‌سازی، جامعه‌سازی و امثال آن نیست.

۲. نگاهی جامع و دارای منظومه در رجوع به بیانیه

نگاه دوم در روش مراجعه به بیانیه، داشتن نگاهی جامع، منظومه وار و دارای ابعاد و مؤلفه‌های مختلف از اندیشه‌های امام و رهبری است که به یک معنا در طول هم هستند. اندیشه و منظومه فکری رهبر معظم انقلاب، در امتداد اندیشه امام است. برخاسته و تفصیل یافته از آن اندیشه است. اسم این مجموعه، مکتب انقلاب اسلامی است.

بنابراین سایر بیانات منظومه وار رهبر معظم انقلاب، مکتب اندیشه، راهنمای عمل و منبع مورد رجوع این بیانیه در موارد مورد نیاز است که می‌توان از آن استفاده کرد.

۳. لزوم داشتن نگاه کلان در مراجعه به بیانیه

خصوصیت سوم و از اهم خصوصیات کار در بیانیه، کلان نگری است. باید یک نگاه کلان به انقلاب اسلامی وجود داشته باشد. به این معنا که حوادث، وقایع، اتفاقات و مسائلی که در طول حرکت انقلاب اسلامی پیش می آید، نمی تواند مشخص کننده آن مسیر باشد، باید نگاهی از بالا به حرکت انقلاب اسلامی داشت. این همان، نگاه کلان است.

این خصوصیات، همان و روشی است که در مراجعه و فهم از بیانیه به آنها تکیه می کنیم.

بنابراین، دانش پشتیبان بیانیه گام دوم، مکتب انقلاب اسلامی است. امروز این مکتب و این متن مرجع، در اختیار ماست و به یک متن مفصلی از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی تبدیل شده که خود آن نیز برگرفته و ملهم از بیانات امام راحل است.

نگاهی اجمالی به ساختار کلی بیانیه

الف) مقدمه

از یک نگاه این بیانیه گام دوم، چهار بخش دارد. یک بخش به معرفی و تبیین جایگاه انقلاب اسلامی پرداخته است. بخش دوم پیشینه انقلاب و گذشته انقلاب، مسیری که در طول این ۴۰ سال طی شده را توجه می دهد. بخش دیگر هم دستاوردها و برکات انقلاب و توصیه های اساسی است. بخش آخر هم به توصیه ها و راهکارهای عملی می پردازد.

می توان در بخش اول در مورد جایگاه و تدوین انقلاب و همچنین با فهرستی از مسائل و ویژگی های آن آشنا شد. اهل تدوین و فکر باید تبیین،

روشننگری، نوراندازی و تنویر اذهان را رفم بزنند. در حقیقت همین فهرست دستور کارهای ما را روشن می‌کند.

۲۷ موضوعی که در بیانیه قابل مشاهده است، به ترتیب زیر است:

- ۱- شروع انقلاب بدون سرمشق و تجربه؛
- ۲- تبدیل کردن جهان دوقطبی به سه قطبی؛
- ۳- پدید آورنده تقابل اسلام و استکبار؛
- ۴- با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛
- ۵- شکستن چهارچوب‌ها؛
- ۶- به رخ کشاندن کهنگی کلیشه‌ها به جهانیان؛
- ۷- مطرح کردن دین و دنیا در کنار یکدیگر؛
- ۸- اعلام نمودن آغاز عصر جدید؛
- ۹- به گوش رساندن صدای جدید و متفاوت؛
- ۱۰- پدیده‌ای زنده و با ارده؛
- ۱۱- دارای ویژگی انعطاف پذیری؛
- ۱۲- آماده تصحیح خطاهای خویش بودن؛
- ۱۳- تجدید نظر پذیر و اهل انفعال نبودن؛
- ۱۴- حساسیت مثبت نسبت به نقدها نشان دادن؛
- ۱۵- فاصله نگرفتن از ارزش هایش؛
- ۱۶- دچار نشدن به رکود و خموشی؛
- ۱۷- دفاع کردن از نظریه نظام انقلابی؛
- ۱۸- متحجر و فاقد احساس و درک نبودن؛
- ۱۹- با خطوط اصلی خود بی‌مبالاتی نکردن؛

- ۲۰- پابندی به اصول خود؛
- ۲۱- حساسیت نسبت به مرزبندی خود با رقیبان و دشمنان؛
- ۲۲- قدرتمند، اما مهربان و باگذشت و مظلوم بوده؛
- ۲۳- مرتکب افراط و تفریط نشده؛
- ۲۴- جنگ طلب، بی رحم و خون ریز نبوده؛
- ۲۵- منفعل و مردد نبوده، بلکه دفاع محکم از خود در برابر حمله دشمن از خود نشان داده؛
- ۲۶- ایستادگی در برابر زورگویان و گردنکشان؛
- ۲۷- دفاع از مظلومان و مستضعفان

هرکدام از این عناوین می تواند سرفصل و موضوع یک پژوهش باشد. این عناوین، حداقل موضوعات پژوهشی بخش اول این بیانیه پر محتوا است. بیانیه ای که عصاره اندیشه رهبری است. خلاصه ۳۱ سال رهبری جمع و تبدیل به یک بیانیه شده است.

این بیانیه به یک معنا، خلاصه و عصاره و جمع بندی همه آن چیزی است که در گذشته بوده و با نگاه به شرایط امروز و افقی است که پیش رو داریم و همچنین به روزرسانی آن چیزی است که در گذشته گفته شده بود.

ب) شروع انقلاب بدون سرمشق و تجربه

در کجا الگویی برای مبارزه با ظلم در عصر جدید وجود داشت؟ دوره ای که سیطره مدرنیته و همه آنچه که جزو مختصات مدرنیته است را در خود جای داده است. مختصاتی شامل سیاست، فرهنگ، اقتصاد، صنعت، ارتباطات

اجتماعی و امثال اینها که شرایط جدیدی را بر ما تحمیل کرده است و اقتضائات خودش را دارد. نمی توان به روش هایی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه اتخاذ کرد، عینا همان قالب ها را دنبال نمود. محتوا، سیره، روح و شاخص های کلی همان است، اما امروز خیلی فرق می کند؛ مثلا تفاوت آمار جمعیتی بسیار متفاوت است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مکه با چند نفر آدم مواجه بودند؟ بیشتر از چند هزار نفر که نمی شدند. اما آمار زمان فعلی، میلیونی است. آیا این همان است؟ کار در مقیاس میلیونی، اقتضائات خودش را می طلبد. بنابراین تجربه و سرمشقی پیش روی نبود. این مسئله کمی نیست که یک حرکتی به تنهایی در این عالم سراسر ظلم و سراسر اتحاد ظالمین علیه یک جریان حق وارد شود تا حرکتی بزرگ را در مقابل همه سلطه گران ایجاد کند. انقلاب ها فقط ضد امریکایی و ضد اروپایی به معنای نظام سلطه غربی نبود. انقلاب اسلامی حتی به نظام سلطه شرق هم روی خوشی نشان نداد و نه شرقی و نه غربی شعار انقلاب بود. غرب و شرق همه با هم علیه انقلاب متحد شدند. اینها نشان می دهد که یک کار بسیار بزرگی صورت گرفته است و هرچه از عظمت انقلاب اسلامی گفته شود، حق مطلب برآورده نمی گردد.

ج) تبدیل شدن جهان دو قطبی به سه قطبی

آیا تبدیل کردن جهان به یک قطب شرق، یک قطب غرب و یک قطب اسلامی، مسئله کمی است؟ این عظمت کمی نبود که انقلاب اسلامی آن را پدید آورد.

امام خامنه ای (مدظله العالی) در ۹۲/۶/۲۶ می فرمایند: انقلاب اسلامی نظام سلطه را نابود کرد. یعنی عالم تبدیل شده بود به دو قسمت سلطه گر و سلطه پذیر.

مگر تا قبل از انقلاب اسلامی غیر از این دو قطب، بخش دیگری هم وجود داشت؟ سلطه گر شرق و غرب بود و سلطه پذیر هم دو بخش بودند. عده‌ای که سلطه غرب را پذیرفته بودند و عده‌ای دیگر هم که سلطه شرق را پذیرفته بودند. البته عده‌ای هم به صورت ظاهری و نمایشی به اسم غیرمتعهدها -مانند کوبا و الجزایر- وجود داشتند که با رودربایستی، به شرق متمایل بودند. اما نظام حاکم، نظام سلطه، بود. انقلاب اسلامی این نظام را بر هم زد. اینکه می‌گوییم بر هم زد و شکست یعنی قد برافراشت و گفت «لَا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ». شعار قرآنی که یعنی نه ظلم کردن و نه ظلم پذیرفتن. این در حقیقت، به هم زدن دوگانه ظلم پذیری و ظلم کردن و به معنای شکست این نظام و این تقسیم‌بندی بود.

د) ترکیب جمهوریت و اسلامیت از برکات انقلاب اسلامی

ترکیب جمهوریت و اسلامیت از نخستین درخشان‌های انقلاب اسلامی است. واقعاً چطور می‌شود اراده عمومی مردم را و اسلام را به عنوان یک مکتب اصیل و زنده، یک مکتب جاودان و درخشان پیوند داد و به به نظام و حرکت و جوشش تبدیل کرد؟ چطور می‌شود یک انقلاب و نهضت را به یک نظام تبدیل کرد؟

بحث‌های زیادی در علوم انسانی غرب با عنوان نظام و نهضت وجود دارد، گفته می‌شود موومنت^۱ و اینستوتیشن^۲ قابل جمع نیستند. یا حرکت، جوشش، انقلاب و به هم زدن و تغییر دادن است یا نظام، نظم، استقرار و امثال این موارد. چطور می‌شود این دو را با هم جمع کرد؟ به همین خاطر عده‌ای در ابتدای

۱. Movement

۲. Institution

انقلاب، چیزهایی می‌گفتند و تحریف‌هایی می‌کردند و هنوز هم طرفداران آنها همان مطالب را تکرار می‌کنند؛ مانند اینکه می‌گویند انقلاب تمام شد. انقلاب همان بزن و بکوب و شکستن و شعار دادن بود که تمام شد. وقتی شما قدرت را گرفتید نباید هر روز در خیابان تظاهرات کنید. آن دوران تمام شد، جامعه و وضع مردم را باید ساخت و این به نظم و قانون نیاز دارد، نیاز به آرامش دارد پس حرف از انقلاب نزنید و امثال این گفته‌ها.

این حرف که یک ظاهر صالحی هم دارد، در حقیقت ناشی از همان نگاه تنگ جمع نشدن بین نهضت و نظام است. انقلاب اسلامی نظامی درست کرد که یک بخش آن مردم و یک بخش آن اسلام باشد و ترکیب بین اراده مردم و مکتب اسلام، در قالب نظام انقلابی که مطالب آن مفصل در جای خود بیان خواهد شد، یک ترکیب بدیعی و از دستاوردهای بسیار بزرگ بود.

۵) آسیب‌شناسی وضعیت موجود انقلاب اسلامی

یکی از مباحثی که در بیانیه قابل مشاهده است، آسیب‌شناسی وضعیت موجود انقلاب اسلامی است که در حقیقت نکته‌ای دارد. این بیانیه، بیانیه امید است. اگر به صورت کلی مشاهده گردد، قابل توجه است که سراسر بیان عظمت‌های انقلاب اسلامی است. بیانیه سراسر امید است و علت هم دارد. در شرایط فعلی دشمن بر ناامیدسازی مردم بویژه جوانان متمرکز شده است - اینجاست نقش دانشگاه و اساتید دانشگاه به عنوان راهنمایان و هدایتگران بخش‌های پیش‌تاز جوانان، یعنی دانشجو، مشخص می‌شود- و این ناامیدسازی و یأس آفرینی، کاذب است. واقعیت، غیر از واقعیت‌های مجازی است. در فضای مجازی شناخت‌های غلط ایجاد می‌کنند و طوری با فونونی بسیار پیشرفته

ترکیب و طراحی می‌کنند که گاهی اوقات دقیق‌ترین و متوجه‌ترین آدم‌ها نیز غفلت کرده و متأثر می‌شوند. وای به حال یک جوان رها در این جامعه که نه تلویزیون نگاه می‌کند. نه خبر می‌خواند و نه سیاست دنبال می‌کند. ذهنیت خود را به این طوفان مجازی سپرده و مانند پرکاه، به این طرف و آن طرف می‌رود. وضعیت این جوان چیست؟ ذهنیت این جوان چطور شکل می‌گیرد؟ این جوان‌ها دو خصوصیت دارند؛ اول اینکه بشدت متأثر از این فضای مجازی هستند و دوم اینکه بشدت آماده تغییر هستند. جوان‌هایی که ذهنشان خراب شده است، واقعاً آماده تغییر ذهنی هستند. جوان نیاز ندارد که شما روزها در جلسات با او گفتگو کنید. گاهی وقت‌ها یک گفتگوی چنددقیقه‌ای، نگاه جوان را تغییر می‌دهد؛ اگر جوانی مشکل ذهنیت داشته باشد. اگر جوانی باشد که عقده داشته باشد - که عمده عقده‌های جوانان ما بحق است - ناشی از کم بودن و محدودیت امکانات و میدان ندادن به آنهاست. اگر جوان عقده‌ای که مانع فهم حقیقت نداشته باشد و فقط در معرض یک سری موج‌های تبلیغاتی قرار گرفته، براحتی تغییر می‌کند. این بیانیه برای تبیین وضعیت واقعی انقلاب در این جنگ شناختی عظیمی است که علیه انقلاب شکل گرفته است.

این بیانیه در عین حال از مسئله آسیب‌شناسی هم غفلت نکرده است. تعدادی از آنها استخراج شده که مهمترین آن در عبارت امام خامنه‌ای (مدظله العالی) این است که اگر در برهه‌ای از تاریخ چهل ساله، بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی نمی‌بود، بی‌شک دستاوردهای انقلاب از موارد موجود بیشتر و کشور در مسیر رسیدن به آرمان‌های بزرگ بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت.

این عبارت، معترف به وجود مشکلاتی است که امروز مردم و کشور ما

با آن مواجه هستند. در ادامه اشاره شده که بسیاری از این مشکلات قابل رفع بودند. ما باید خیلی جلوتر می‌رفتیم، بسی جلوتر از این می‌رفتیم. دستاوردهای انقلاب که کم نیست و افتخارانگیز و افتخارآور است؛ اما اگر درست‌تر حرکت می‌کردیم، دستاوردها بسیار بیش از این بود.

همین یک جمله به عنوان پایه بحث‌های بعدی، ارزیابی از چهل ساله انقلاب است و آن این است که انقلاب و نظام اسلامی می‌توانست از مرتبه و مرحله‌ای که دارد بسیار جلوتر باشد.

با توجه به اینکه زمان ثابت است و اهداف انقلاب اسلامی هم مشخص است، چطور می‌توانستیم جلوتر باشیم و با سرعت بیشتر پیش برویم؟ قابل ارزیابی و سنجش است. انقلاب اسلامی اگر می‌خواست در همین چهل سال اول می‌توانست به بسیاری از اهدافی که دست نیافته، برسد. باید سرعت را بیشتر می‌کرد. این نکته بسیار مهمی است که باید در بیانیه مورد توجه قرار گیرد. مانع چه بوده است؟ مانع بی‌توجهی به شعارهای انقلاب بوده است. امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) در بیانیه می‌فرمایند وسوسه مال، مقام و ریاست، مدیران و مسئولان جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند. واقعاً هم تهدید کرده و آسیب زده است. این را مشاهده می‌کنیم. امروز دزدها هم فریاد "ای دزد" می‌زنند.

امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) در مورد مسئولین در جای دیگر جمله‌ای دارند که دلزدگی مردم از عملکرد مسئولین است، نه از اهداف انقلاب اسلامی. یا به تعبیر دیگر، فاصله میان بایدها و واقعیات، وجدان‌های آرمان‌خواه را عذاب می‌دهد. اینها تعابیری است که نشان می‌دهد مشکلات ما کجاست. مشکل ما این است که به شعارهای انقلاب بی‌توجهی و از جریان‌های انقلاب غفلت شده است. شعارهای انقلاب و جریان انقلابی چیست که اگر به آن توجه شود

می‌توان به این حرکت شتاب داد و می‌توان بسیاری از این مشکلات را برطرف کرد؟ این شعارهای انقلاب و این جریان انقلابی در طول چهل سال گذشته، چه کارهایی کرده است؟ آنها باید برای جوانان تبیین شود.

هرجا به شعارهای انقلاب تکیه شد، هرجا این جریان انقلابی در میدان بود، انقلاب پیشرفت کرد. اینها را باید تبیین کرد. این موارد همان دانه دانه مایه‌های تبیینی است که باید در فضاهای علمی و دانشگاهی دنبال شود. بحث‌های مفصلی اعم از «ملزومات جوان مومن انقلابی» و بعد «عظمت حادثه انقلاب»، «راه طی شده»، «چشم انداز» و امثال آن وجود دارد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

لزوم نگاه همزمان عمل‌گرایانه و تئوری پردازانه به بیانیه

امکان شکل‌گیری دو رویکرد غیرمطلوب در مورد بیانیه وجود دارد؛ رویکردی که ممکن است وارد مباحث علمی شده و دامنه مباحث نظری را گسترش دهد و انسان را غرق مباحث دلچسب علمی کند به صورتی که موجب شود شخص به سراغ اندیشمندان و نظریه پردازان مختلف در داخل و خارج کشور رفته و مباحث مختلف تمدنی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی و امثال اینها را دنبال کند اما منتهی به عمل نگردد و این اشکال دارد. از طرفی رویکرد مشکل‌ساز دیگر، عمل‌زدگی است. یعنی صدور بیانیه، زمان شروع و عمل به آن توصیه‌های هفت‌گانه انتهای بیانیه است. این نگاه نیز عمل‌زدگی است و ما را دچار مشکل می‌کند.

بله حرف درستی است، که باید کار عملیاتی انجام داد اما باید بدانیم که افراد زیادی با این نوع عمل زدگی مفرط و با همین روحیه و انگیزه و دغدغه، قصد حل مشکلاتی از قبیل عدالت، اقتصاد و ... را در کشور داشتند، خیلی هم تلاش کردند، اما در این چهل سال گذشته، با وجود پیشرفت‌هایی داشتیم، اما در بعضی موارد مثل عدالت ما به نتیجه مطلوب نرسیدیم. به همین خاطر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) فرمودند: تحقق عدالت نیازمند یک دانش پشتیبان است. یعنی نمی‌توانیم به صرف یک سری تصورات اولیه درست از عدالت و یک سری بدیهیات و مصادیق روشن از آن گفته شود از همین جا شروع کنیم و جلو برویم، بقیه آن هم حل خواهد شد. این مسأله بینابینی است و باید در رویکرد به این بیانیه، بین علم و عمل تعادل باشد. اسلام، چیزی جز علم و عمل نیست. در قرآن و روایات از طرفی آمده که اینها با هم برابر نیستند؛^۱ از آن طرف نیز آمده که علم پیدا کنید، ایمان بیاورید، و بعد بروید سراغ عمل بروید. «آمنوا و عمل الصالحات» آن «آمنوا» مسبوق بر یک علم و معرفتی است. وقتی آن بدست آمد، باید به سراغ عمل رفت. علم و عمل توأم با یکدیگر است.

شناخت جایگاه گام اول و گام دوم در حرکت انقلاب اسلامی

علت نامگذاری این چله دوم انقلاب به «گام دوم» چه بوده است؟ و اساساً چرا چله دوم؟ و اگر آنچه که در این چهل سال دوم انقلاب به گام دوم نامیده شده است، گام اول چه بوده است؟ به این دلیل که تا زمان فعلی، تعبیری با

۱. «اهل بیستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون»

عنوان گام اول انقلاب نبود. یعنی این دو چله چیزی از پیش تعیین شده نبوده است. اینکه گفته شود انقلاب یک هدف چهل ساله دارد و در پایان چهل سال اول وارد مرحله دوم و گام دوم می شود، اینها تعابیر جدیدی است که باید دید چرا از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی استفاده شده است. در این بحث باید به تفاوت گام اول و گام دوم هم پرداخت. اما به عنوان یک بحث روشی هم عرض می شود که بیانیه گام دوم، برای عملیاتی کردن و تحقق بخشیدن به اهداف گام دوم انقلاب اسلامی است و این کار هم جز با دسترسی به نقشه راه تحقق اهداف، میسر نخواهد بود. اما این نقشه راه تحقق اهداف، مرجع و منبعی لازم دارد. باید پشتوانه اندیشه‌ای و فکری داشته باشد.

بیانیه گام دوم در حقیقت نقشه راه به روز شده و مطابقت یافته تحقق اهداف در چهل ساله دوم است. اما آیا خود این بیانیه نیازمند متن و منبع دیگری نیست؟ به تعبیری دیگر، آیا همه نیاز ما با تفصیل در این بیانیه آمده است یا اینکه ممکن است بخش‌هایی از آن در این بیانیه نیامده باشد؟ در هر صورت، علاوه بر بیانیه نیاز به منبع دیگری نیز وجود دارد تا بتوان با رجوع به آن، بیانیه را تفسیر، تشریح و عملیاتی کرد.

۱. توجه به فرآیند پنج مرحله و رابطه آن با بیانیه گام دوم

یکی از نتایج مکتب انقلاب اسلامی، آموزه مرکزی است که اسم آن آموزه، فرآیند است. مقصود از فرآیند، همان فرآیند تحقق اهداف انقلاب اسلامی، یا مراحل انقلاب اسلامی یا زنجیره حرکت انقلاب اسلامی است که رهبر معظم انقلاب در طی سالیان گذشته به یک معنا از سال ۷۰ و یک معنا به صورت کامل در سال ۷۹ آن را مطرح کردند. این آموزه، موجب فهم عمیق

بیانیه گام دوم می‌شود.

اگر با تکیه بر این نگاه، به ارائه‌ها، تفسیرها و بیان‌هایی که از این بیانیه می‌شود، توجه کنید، تصدیق می‌کنید که آن نگاه‌ها و تفسیرهایی که به آموزه فرآیند و به این پنج مرحله توجه کامل ندارند، به همان اندازه‌ای که توجه ندارند، از فهم تام و عمیق به این بیانیه، محروم هستند. لذا توصیه می‌شود رابطه این پنج مرحله انقلاب اسلامی با بیانیه گام دوم مورد توجه قرار گیرد.

بعضی تصور می‌کنند، صدور این بیانیه از امام خامنه‌ای، ناسخ همه آن چیزی است که امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در طول این ۳۱ سال فرموده‌اند و با این بیانیه می‌توان کار خود را جلو برد. این یا ناشی از یک نوع راحت طلبی است که نخواهیم به خود زحمت دهیم و مراجعه کنیم و یا ناشی از یک ضعف معرفتی است. آن بیانیه به لحاظ نظری و معرفتی برای بهتر فهمیده شدن و کارآمدتر شدن، نیاز به یک عقبه و پشتوانه فکری دارد. اگر این اتفاق افتاد، آن موقع می‌توان در مورد بیانیه و خصوصیات اصلی بیانیه، بهتر صحبت کرد.

۲. تفاوت گام اول با گام دوم

ابتدا آن دو گام را به صورت کلی بشناسیم. گام اول و گام دوم، تفاوت دارد. تفاوت آن در عدد یک و دو نیست، بلکه یک تفاوت‌های معنی‌داری بین این دو گام وجود دارد و قرار است گام دوم پیش‌برنده بوده و ما را به مقصود برساند.

گام اول: مقاومت و پیشرفت

گام اول چهل سال اول انقلاب، یعنی چهل سال مقاومت و پیشرفت است. ما در چهل سال اول پیشرفت داشتیم، اما این پیشرفت در یک فضایی بوده که در آن دشمن دائما به صورت‌های مختلف به ما حمله کرده و ما در حال دفع

این حمله‌ها، پیشرفت‌هایی هم داشته‌ایم. اما آن چیزی که از گام دوم فهمیده می‌شود و رهبری در گام دوم مطالبه دارند، تغییر فضای مقاومت و معادله است. مقاومت در برابر حمله فراگیر و متاثرکننده است و با این نگاه، تمامی ابعاد انقلاب اسلامی، در فضای مقاومت، تحت تأثیر حمله قرار می‌گیرد. این فضا، فضای مقاومت است.

اگر بتوان فضای حمله و معادله و توازن را تغییر داد، به این معنا که به جای حمله دشمن، ما به دشمن حمله کنیم. با این تفسیر که ما به سمت اهداف خود پیش برویم و کشور خود را بسازیم و این به معنای حمله به مرزها و ورود به فضای دشمنان نیست. ما دنبال اهداف و وظایف خود هستیم، حتی اگر پای مان را از مرزها فراتر می‌گذاریم، اولاً به دنبال ایجاد امنیت برای خود هستیم و ثانیاً مقصود کمک به مردم مسلمان است. اگر مردم مسلمان کمک بخواهند، ما باید به آنها کمک کنیم.

شمول این مسئله استمداد فراتر از مسلمانان است به سمت محرومان، مظلومان، مستضعفان، آزادی خواهان، صالحان در جهان گرایش پیدا می‌کند. اگر مردم جهان چنین چیزهایی خواستند، ما باید به آنها کمک کنیم. آیا لازمه این کمک تاختن به دشمن است؟ البته این عارض بر این است. مثل این که لازمه رسیدن به اهداف در داخل ایران، کنار گذاشتن رژیم پهلوی بود. الان در داخل کشور، مانعی برای پیشرفت نیست الا اینکه خود ما آماده نبوده و بسیج نمی‌شویم و الا فرض کنید این فشارهای اقتصادی دشمن، اگر با یک اقتصاد درونزای قوی مواجه می‌شد، اثر نمی‌گذاشت؛ بنابراین دچار حمله و جنگ اقتصادی نمی‌شدیم. اگر به لحاظ فرهنگی، زیرساخت‌ها، دستگاه‌ها و امثال اینها قوی بود، این هجوم فرهنگی که امروز به صورت بی‌سابقه و همه

جانبه علیه ما، جوانان ما و فرهنگ ما، اثر نمی گذاشت، اهداف ما را در داخل کشور پیش می بردیم. باید این را تفکیک کنیم. بنابراین وقتی از مقاومت صحبت می شود، مقصود مقاومت در شرایط حمله فراگیر دشمن است و الا مقاومت در هر حرکتی پیش می آید. ممکن است به شکل موضعی در قسمت هایی چنین مسائلی داشته باشیم.

گام دوم، حرکت پیش رونده

مقصود از حرکت در گام دوم، حرکت پیشرونده است. حرکتی که کمتر از حمله دشمن متاثر است. به خلاف گام اول که حرکت و پیشرفت، متاثر از حمله دشمن بود. بنابراین پیشرفت و پیشروندگی ما در گام دوم، سرعت هم خواهد داشت. به همین دلیل گام دوم، گام پیشروی شتابنده است در کنار گام اول که مقاومت و پیشرفت بود.

این نگاه مبتنی بر یک محتواست. محتوایی که محصول همان نگاه روش مندی است که سابقا بیان شد. موضوع خیلی ساده است و پیچیده نیست. برای این قضیه باید آموزه فرآیند پیش چشم باشد. مقداری در مورد مراحل پنج گانه فرآیند و زنجیره پنج گانه ای که انقلاب اسلامی در حرکت خود شروع کرده و هدف گرفته است، توضیح داده می شود که باید تعریف عمیق تر دقیق تری در این زمینه بیان شود.

شناخت عمیق فرآیند پنجگانه به عنوان پیش‌نیاز در فهم بیانیه گام دوم

مراحل پنج‌گانه انقلاب اسلامی در اینجا مفهوماً و مصداقاً به شکل مختصر مرور می‌گردد. مقصود از مفهوم، ارائه یک تعریف ساده در دسترس است. نمی‌خواهیم وارد تعاریف علمی اصطلاحی در اصطلاحات علوم سیاسی و غیر آن شویم بلکه در همان دایره‌ای که رهبر معظم انقلاب اسلامی تعریف کرده‌اند (خود این نوع تعریف هم مبتنی بر یک روش خاصی است که نیاز به اقتباس این روش‌ها در کنار آن آموزه‌ها وجود دارد).

۱. انقلاب اسلامی

مرحله اول، مرحله انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران، مفهوماً به معنای کنارگذاشتن یک حاکم فاسد وابسته بی‌کفایت کودتایی بود. یک حاکم کنار گذاشته شد. وقتی شما حاکم را کنار می‌گذارید، مجموعه عوامل، دست‌اندرکاران مرتبط، بازوها، آنها که در جاهای مختلف قدرت را به دست دارند نیز بی‌اثر می‌شوند. رفتن حتماً به معنا نقل مکان کردن از کشور یا از جای خودش نیست. برای مثال در ۲۲ بهمن ۵۷ همه سران ارتش در ستاد حضور داشتند ولی بی‌اثر بودند و کسی حرف آنها را گوش نمی‌کرد. مقصود از رفتن، بی‌اثر شدن است.

این مفهوم انقلاب اسلامی ایران است. اما نکته علمی دیگری در اینجا وجود

دارد و آن اینکه چرا اول انقلاب، و بعد انقلاب اسلامی و بعد انقلاب اسلامی ایران تعریف نشد؟ علت، روش‌های غلطی است که متأسفانه در این موارد دامان‌گیر شده و ما را از منظورمان دور می‌کند. اگر وارد یک دایره تعاریف علمی انقلاب در مکتب‌های مختلف شویم، ناگزیر وارد بحث‌های فراوان و پردامنه‌ای خواهیم شد که گاهی ما را از حرکت باز می‌دارد. به همین خاطر ما وارد آن تعاریف و بحث‌ها نخواهیم شد. آیا آن تعاریف لازم است یا خیر؟ لزوم آن تعاریف در اینجا و در این مرحله از کار حس نمی‌شود و نیازی به تعریفی که دیگران از انقلاب کرده‌اند وجود ندارد. یک پدیده‌ای در کشور رخ داده و اثرگذاری جدی داشته است، اسم این پدیده انقلاب است و قصد داریم آن را بشناسیم و فعلاً قصد نداریم به پدیده‌های مشابه این پدیده در تاریخ معاصر را علم پیدا کنیم. آن ورود به بحث و بیان، مخصوص آکادمی‌ها و مراکز پژوهشی و برای مقاصد دیگری است. اینجا مقصد چیزی دیگری است. پس اینجا صحبت از مفهوم انقلاب اسلامی ایران است. لذا می‌بایست خوب نگاه کرد و این مفهوم را شناسایی نمود. این مفهوم قبل از اینکه انقلاب رخ دهد، وجود داشت، امام می‌گفت شاه باید برود. مقصود از این جمله فقط شاه نبود، همه آن اعیان، انصار، اذنان و همه عوامل آن بود. این همان مرحله اول انقلاب بود. مفهوم رفتن شاه به عنوان اولین مانع چه وقت اتفاق افتاد؟ مصداق آن چه زمانی رخ داد؟ ۲۲ بهمن ۵۷ اتفاق افتاد. این حرکت از ۱۲ بهمن شروع شد تا به ۲۲ بهمن رسید. البته قبل از آن هم شاه رفته بود و این حرکت شروع شده بود. امام بدون قدرت ۱۲ بهمن به ایران آمدند ولی آغاز قدرت گرفتن امام در آن ده روز بود تا به ۲۲ بهمن رسید. در این روز قدرت به دست امام افتاد. در آن زمان حکومتی نداشتیم و مسئولینی هم نبودند. مردم یک رهبر

داشتند و همه قدرت را به او تحویل دادند. دنبال او حرکت کردند. مردم آن مانع را که امام گفته بود برداشتند و امام را به جای او نشانند. این شد که مصداقا انقلاب را با این معنای خاص می‌گوییم شاه رفت و امام آمد. شاه از حاکمیت کنار رفت و اما به جای او آمد و در حکومت نشست. قدرت اول به دست امام افتاد. این شد مرحله انقلاب اسلامی که در ۲۲ بهمن ۵۷ اتفاق افتاد.

۲. نظام اسلامی

مفهوم نظام اسلامی به عنوان مرحله دوم چیست؟ مفهوم نظامی اسلامی این است که اگر حاکمی کنار زده شد و حاکم بعدی بر سر کار می‌آید، او چارچوب و نوع حکومت را مشخص کند. مثلا تصور کنید امام بعد از انقلاب می‌فرمودند حکومت سلطنتی باشد. کما اینکه بعضی می‌گفتند شاه فرد مستبد و بی‌کفایتی است، این فرد را کنار بگذارید اما نظام سلطنتی را دست‌نزنید. کار خودتان را سخت‌تر نکنید. سیاست گام به گامی که در ابتدای انقلاب معروف بود؛ می‌گفتند شما شاه را بردارید و نظام سلطنتی باقی باشد. شاه که رفت، یک نفری را آن بالا بگذارید که تشریفاتی و نماد ملی باشد؛ مثل کشورهای اروپایی که شاه را به عنوان نماد ملی در بالا گذاشته و آن را حفظ کرده‌اند. اگر امام نمی‌ایستاد، ممکن بود شاه را کنار گذاشته شود اما نظام سلطنتی بماند. پس لزوما انقلاب به معنای تغییر نظام نیست. انقلاب به معنای تغییر حاکم است. این چارچوب اصطلاحی است که امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در این پنج مرحله و زنجیره معنی کرده‌اند. پس مفهوما تحقق نظام اسلامی به معنای تعیین نوع حکومت بعد از سرنگونی حاکم قبلی است. این حکومت ممکن بود همان نوع حکومت موجود در فضای قبلی باشد،

ممکن هم بود فرق کند.

اینجا نظام سلطنتی را مثال زده شد؛ ممکن است کسانی بگویند بالاخره چون مردم شعارهایی علیه سلطنت هم می دادند، پس نوع حکومت را هم مشخص کرده بودند. بله این حرف درستی است اما حضرت امام فرمودند شما یک مرحله را پشت سر گذاشتید، الان نوبت مرحله دوم و تعیین نوع حکومت است و اینکه امام خواستند مردم جهان، اراده و خواست مردم ایران را به وضوح ببینند. لذا امام این را به عنوان یک مرحله جدید و متفاوت با قدم اول تعیین کردند که همان تعیین نوع حکومت باشد. زمان بعد از انقلاب نظام‌های دیگری نیز وجود داشت، درست است، مردم نظام سلطنتی را نمی خواستند، اما از کجا معلوم که مردم چه نظامی می خواستند؟ البته این حرف هم جواب دارد، چون مردم در شعارها، حکومت اسلامی را می خواستند. حتی مردم شعار جمهوری اسلامی را نیز می دادند. حکومت عدل علی را می خواستند. معلوم بود مردم حکومتی را می خواهند که مبتنی بر اسلام باشد. ولی باز ممکن بود بعضی تشکیک کنند و بگویند مردم اسلام را می خواستند اما اسلام در کدام مدل؟ آیا اسلامی که می خواهد با دموکراسی جمع شود؟ آیا اسلامی که می خواهد با سوسیالیسم جمع شود؟ آیا مردم این را هم مشخص کردند یا خیر؟ لذا امام برای اینکه بعداً محل مشاجره نشود به مردم گفت حکومت را نیز تعیین کنید. برای تعیین نوع حکومت هم پیشنهاد خاص دادند.

پس تعریف و مفهوم نظام اسلامی، به معنای تعیین نوع حکومتی است که بعد از انقلاب -کنار گذاشتن آن حاکم با آن خصوصیات- باید انجام شود. اما مصداقاً چه اتفاقی افتاد؟ مردم در دهم و یازدهم اردیبهشت ۵۸، به فاصله حدود ۵۰ روز اعلام کردند که حکومت ما اسلامی است و اسم آن نظام جمهوری

اسلامی شد. بعضی می گفتند شما نظام جمهوری دموکراتیک اسلامی را به رأی بگذارید که امام فرمودند خیر. بعضی ها گفتند چند گزینه ای کنید که سبد انتخاب مردم وسیع تر باشد، امام گفتند خیر و فقط خود جمهوری اسلامی ایران به رأی گذاشته شود؛ این نوع نظام به رأی گذاشته شود. البته این یک ریسک هم بود. چون ممکن بود عده ای با اسلام و حکومت اسلامی همراه قرائت دموکراتیک موافق بوده باشند. اگر مطلقاً گفته می شد جمهوری اسلامی نه یک کلمه بیشتر و نه یک کلمه کمتر، ممکن بود آنها کنار بروند. کما اینکه بعضی از آنها کنار نیز رفتند. اما یک و خورده ای درصد رأی مخالف دادند یا رأی ندادند و در مقابل ۹۸ و دو دهم درصد مردم موافق بودند. این یک نصاب بی نظیر در تاریخ است. این ماجرا یک حماسه شد. مصداقاً مردم نوع حکومت بعد از انقلاب را با جمهوری اسلامی مشخص کردند.

در تعریف نظام مانند انقلاب، تعریف دیگری هم به معنای عام وجود دارد. انقلاب به معنای عام شامل همه مراحل می شود اما انقلاب به معنای خاص در مراحل صورتبندی شده پنج گانه، همان معنایی است که در مرحله اول عرض شد. در مورد نظام هم همین طور است. گاهی وقت ها گفته می شود نظام و مقصود ما کل حکومت است. حتی شامل انقلاب هم می شود. مانند زمانی که گفته می شود براندازی نظام پس شامل همه چیز و همه مراحل می شود، هم شامل نوع حکومت می شود و هم شامل حاکمان می گردد. گاهی نیز گفته می شود نظام و فقط منظور حاکم است و بالعکس

بنابراین مقصود از نظام می تواند همه این معانی باشد اما باید توجه کرد که مقصود ما از نظام همه مراحل نیست، یا معنای حاکمیت و حکومت نیست بلکه تنها تعیین نوع حکومت است. اگر به این شکل نگاه کنیم، در همان

دهم و یازدهم فروردین این مفهوم محقق شد و نوع نظام تعیین و تأسیس شد به نظام جمهوری اسلامی که امام انتخاب کردند.

۳. دولت اسلامی

مرحله سوم، مرحله دولت اسلامی است. دولت اسلامی، یعنی در آن نوع حکومت انتخاب شده، افرادی سر کار بیایند که وصف آن حکومت را داشته باشند. متناسب با نوع آن حکومت باشند. حکومت ما اسلامی شد پس مسئولینی باید سر کار بیایند که اسلامی باشند.

اسلامی بودن چیست؟ البته تعبیر اسلامی چیز جدیدی نیست. دولت اسلامی، دولت اشرافی نیست، دولت شاهنشاهی نیست، دولت لیبرال نیست، دولت سوسیال نیست. دولت اسلامی با این تعاریف سلبی کمی روشن شد. بنابراین بعد از تأسیس نظام، باید کسانی سر کار بیایند که خصوصیات و این نصاب اسلامیت را داشته باشند.

این سه مرحله اول در حقیقت مراحل مهمی است که کنار هم قرار دارند و تکلیف انقلاب را در یک بخشی مشخص می کنند و آن اینکه بعد از انقلاب و تعیین نوع حکومت، مسئولینی سر کار بیایند که بخواهند اهداف انقلاب را مشخص کنند. یعنی بدون طی این سه مرحله نمی توان انتظار تحقق اهداف انقلاب اسلامی را داشت و در حقیقت بعد از این مراحل، مرحله تحقق اهداف است.

۴. جامعه اسلامی

آنچه پیش روی اهداف انقلاب بود، تحقق یک جامعه اسلامی بود. تمام

اتفاقاتی که در انقلاب افتاد، برای وجود یک جامعه با اهداف اسلامی بود تا شاخص‌ها و خصوصیات اسلامی، در دو بعد مادی و معنوی برای مردم محقق شود. عدالت و آزادی محقق شود. برخورداری از رفاه مادی معقول محقق شود. فضایل اخلاقی در کشور جاری شود. اینها خصوصیات یک جامعه اسلامی بود که می‌توان آن را با دولت اسلامی ساخت. بعد از این، ما وارد مرحله پنجم می‌شویم.

۵. تمدن اسلامی

مرحله پنجم، مرحله تمدن است. به روایت منسوب به امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، مقصود از تمدن، تمدن بین‌الملل اسلامی است. یعنی تشکیل جوامع اسلامی در بین مسلمانان کشورهای اسلامی و به همان صورتی که انقلاب اسلامی از مرحله اول تا چهارم پیش می‌رود، در کشورهای دیگر هم باید همین اتفاق بیفتد. یعنی حاکم ناصالح را کنار بگذارند. نظام اسلامی تشکیل دهند. مسئولین اسلامی سر کار بیاورند و جامعه اسلامی بسازند. که اگر مجموعه کشورهای اسلامی یا تعدادی از آنها چنین جوامع اسلامی را بسازند، این جوامع اسلامی، به لحاظ سنخیت، یک بلوک تمدنی را ایجاد می‌کنند و به این ترتیب تمدن ایجاد می‌شود.

اگر دقت شود، سه مرحله اول از یک جنس یا سنخ است و دو مرحله چهارم و پنجم از جنس دیگری است. در سه مرحله اول حاکمیت اسلامی می‌شود اما در دو مرحله چهارم و پنجم، مردم اسلامی می‌گردند. این تفاوت مهم بین این دو است.

۶. ترتیب و ترتب داشتن این مراحل بر یکدیگر

نکته دیگر و پایانی اینکه این پنج مرحله ترتیب دارند. نمی شود اینها را جابجا کرد. نمی توان بدون انقلاب، نظام اسلامی تأسیس کرد. نمی توان بدون تأسیس نظام اسلامی، دولت اسلامی تشکیل داد. اگر نظام، نظام سلطنتی بود، امکان ندارد حاکمان و مسئولان اسلامی سر کار بیایند. ممکن است در بین آنها مسلمان هم باشد، حتی روش های اسلامی هم داشته باشند، -کما اینکه زمان شاه هم بود- اما اسم آن دولت اسلامی نیست. دولت اسلامی، دولتی است که نصاب کمی قابل توجهی از مسئولان دارای روش و منش اسلامی باشند. علاوه بر این، نظامات و نرم افزارهای اداره کشور هم براساس آموزه های اسلام تدوین شده باشد. الگوهای پیشرفت به سمت اهداف اسلامی، با همان آموزه های اسلامی شکل گرفته باشند. نهادها و دستگاه ها، خصوصیت اسلامی داشته باشند. این دولت اسلامی است و این دولت اسلامی بدون تأسیس نظام اسلامی، محقق شدنی نیست.

در مورد جامعه هم همین طور است. نمی توان حاکمانی داشت که بیگانه، ضعیف یا دور از اسلام باشند و در مقابل انتظار تشکیل جامعه اسلامی قوی وجود داشته باشد. این شدنی نیست.

همچنین اگر جامعه اسلامی ساخته نگردد، معلوم نیست که کشورهای دیگر چنین جرأت و جسارتی را داشته باشند؛ کما اینکه در گذشته تا به حال نداشته اند. امروز چهل سال از انقلاب گذشته است اما هنوز دیده نشده حرکتی را که با انقلاب اسلامی به این شکل در ایران شروع شد، مردمان دیگر کشورهای سرزمین های اسلامی، آغاز کنند. در جاهایی شروع کرده و به انقلاب هم رسیدند اما نظام سازی نکردند و انقلاب ایشان به ارتجاع گرایش

پیدا کرده و آن را از دست دادند.

معلوم می‌شود جامعه اسلامی ایران، جامعه پیشناز است. باید جلو برود تا دیگر جوامع را نیز دعوت و ترغیب کند تا این مسیر را طی کنند و در نهایت تمدن ساخته شود. بنابراین ترتیب مراحل، یک ترتیب کلی است و هر کدام از این آنها، مترتب به مرحله قبل است. یعنی تمدن اسلامی، مترتب بر تشکیل جامعه اسلامی در ایران است. تشکیل جامعه اسلامی، مترتب بر تحقق دولت اسلامی است. همان طور که این دولت مترتب بر تحقق نظام و انقلاب بود. البته اینکه الان قبل از شکل‌گیری کامل دولت اسلامی بتوان تمدن‌سازی و جامعه‌سازی کرد، جوابش مثبت است. اما مقداری جامعه اسلامی پیش خواهد رفت که دولت اسلامی پیش رفته باشد. به همان مقداری که دولت، اسلامی شده باشد، به همان مقدار می‌توان در جامعه‌سازی عمل کرد.

این هم نکته مهمی است که بسیاری از نخبگان امروز در جامعه، نسبت به این مسئله دچار غفلت هستند و حداقل از سال ۷۰ که امام خامنه‌ای ^(مدظله‌العالی) هدف‌گیری دولت اسلامی را اعلام کردند، تا به امروز جامعه نخبگان، روی مرحله دولت اسلامی توجه و تمرکز نکردند. امروز هم یک نوع تشتت و سرگردانی وجود دارد. و تا زمانی که این مسئله حل نشود - یعنی جامعه نخبگان کشور روی ضرورت دولت اسلامی متمرکز نشوند - کار انقلاب با آن سرعت شایسته پیش نخواهد رفت. این نکات، مجموعه‌ای جمع‌بندی شده از این پنج مرحله همراه بعضی از خصوصیات مطرح آن بود.

جایگاه راهبردی بیانیه گام دوم و ارتباط آن با مکتب و فرآیند انقلاب اسلامی

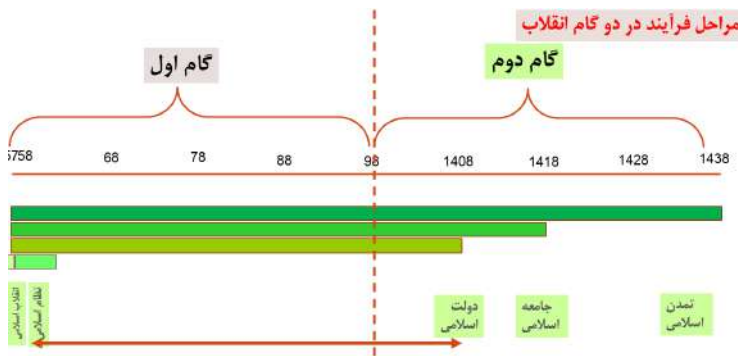
این موضوع پنج مرحله، مرتبط با آن دو گامی بود که قبلاً به آن پرداخته شد. اگر این پنج مرحله به عنوان قاعده نظری در بحث گام اول و گام دوم قرار نگیرد، فهم گام اول و دوم را دچار کاستی‌های راهبردی می‌کند. نبود یا ضعف نگاه راهبردی، ضعف عمده نخبگان است. نخبگان در مسائل موضعی، صاحب نظر هستند و حتی ممکن است بسیار هم نظرات عمیق و تفصیلی داشته باشند اما حرکت عمومی کشور، نیاز به یک نگاه کلان و راهبردی دارد. و نخبگان ضعف جدی در این زمینه دارند. این هم بحثی دارد که لازمه نگاه راهبردی چیست؟ آن هم این است که به جای پرداختن به این فرعیات و بحث‌های نظری، خط حرکت رهبری را دنبال شود. همین خط می‌تواند حتی مشکلات نظری را نیز حل کند.

۱. وضعیت مراحل پنجگانه در گام دوم

بحث پنج مرحله برای فهم آن دو گام و تعریفی است که از آن دو شد. به این شکل که در این چهل سال گذشته، این پنج مرحله چه سرگذشت و چه سرنوشتی داشته و اینکه مراحل پنج‌گانه در گام دوم چه وضعی داشته‌اند. به عبارت دیگر ادامه بحث، بررسی مراحل پنج‌گانه فرآیند در دو گام اول و دوم انقلاب است. سال‌های ۵۷ و ۵۸ مبدأ انقلاب اسلامی است و تا سال ۹۸ و ۹۹ نیز ادامه حرکت است. سال ۹۸ هم به دلیل سال اول گام دوم بودن، مقطع مهمی است. سال ۵۷ و ۵۸ نیز با فاصله کمی -حدود ۵۰ روز- زمان حادث شدن مرحله اول و دوم انقلاب است.

آن نصاب لازم را ندارند- هنوز اتفاق نیفتاده و دولت اسلامی محقق نشده است. از سال ۵۸ تا ۹۸ دولت اسلامی شکل نگرفته است. اگر از همان سال ۹۸ یا ۹۹، آن اتفاق نخبگانی در آن نگاه راهبردی بر روی ضرورت تحقق دولت اسلامی متمرکز شود، ده ساله می توان دولت اسلامی را محقق کرد. یعنی ۱۴۰۸ دولت اسلامی محقق می شود.

حالا به انتهای آن کاری نداریم. حداقل این است که دولت اسلامی از ۵۸ تا ۹۸ به مدت ۴۰ سال شکل نگرفته است. چون در فروردین ۵۸ نظام اسلامی تشکیل شد و بعد از گذشت چهل سال دولت اسلامی شکل نگرفت. آن طور که رهبری فرمودند، باید جامعه و تمدن اسلامی در چهل سال دوم محقق شود. به این معنا که در چهل سال دوم باید از دولت و جامعه اسلامی عبور کرده و تمدن اسلامی محقق گردد که این تمدن، زمینه ساز ظهور ولایت عظمی باشد.



نمودار حرکت در گام اول نشان می دهد که نتوانسته آن سرعت لازم را داشته باشد و در حقیقت تحقق دولت اسلامی تأخیر دارد. به همین دلیل تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی نیز تأخیر دارد.

به لحاظ زمانی از سال ۵۸ تا ۹۸، گام اول است. به عبارت دیگر سال ۵۸ شروع گام اول و سال ۹۸ نیز چون در بهمن ۹۷ بیانیه گام دوم صادر شد- شروع گام دوم و در حقیقت گام دوم این چهل سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۳۸ است. یعنی باید در سال ۱۴۳۸ مطالبات موجود در بیانیه محقق گردد.

انقلاب اسلامی در سال ۵۷ و نظام اسلامی به فاصله پنجاه روز در سال ۵۸ محقق شد یعنی دو مرحله از پنج مرحله بسرعت در ابتدا محقق شدند. حالا مدت زمان وقوع انقلاب اسلامی چقدر بود؟ دو نگاه می توان داشت؛ یک بار به لحاظ مبدأیت ۱۵ خرداد ۴۲ نگاه گردد که پانزده سال می شود. اما ۱۵ خرداد ۴۲، شروع یک نهضتی ناموفق بود. امام این نهضت تبعید شد و نهضت فروکش کرد و زندگی عادی بین مردم جریان داشت. علی رغم اینکه مبارزات انقلابیون جدی بود اما دایره مبارزات بسیار محدود و بی اثر بود. نمی توان گفت که انقلاب از سال ۴۲ تا ۵۷ سال به سال گسترش پیدا کرد و جلو رفت و در سال ۵۷ به اوج رسید. چنین خبری نبود بلکه بزرگان انقلاب از این اتفاق مأیوس بودند. آنها بسیار عمیق نگاه می کردند و می گفتند به این زودی انقلاب اتفاق نمی افتد. بلکه یک دفعه سال ۵۶ تحولاتی ایجاد شد. با تحركات و جنب و جوش های سال ۵۶ تا ۵۷، انقلاب اسلامی محقق شد. پس به دو نگاه، انقلاب اسلامی در یک یا پانزده سال محقق شد.

نظام اسلامی به عنوان مرحله دوم پنجاه روز شد. مرحله سوم که مرحله دولت اسلامی بود، در سال ۹۷ و ۹۸ که امام خامنه ای ^(مدظله العالی) بیانیه گام دوم انقلاب را صادر کردند - به استناد بیانات آقا در موارد متعدد که فرموده اند ما دولت اسلامی نداریم البته غیر از فرمایش حضرت آقا، می توان دید که معدل نصاب مسئولین در اسلامیت، مورد قبول نیست. نه اینکه اسلامی نباشند، اما

فرهنگی، براندازی انقلاب اسلامی بود و ما انقلاب اسلامی پیش رفت کما اینکه در جنگ هم پیش رفت. پیشرفت در جنگ چه بود؟ برآمدن صنایع نظامی پیشرفته، اتکای به خود، تقویت روحیه خودباوری و امثال اینها بود. در تهاجم فرهنگی هم همین طور بود.

انقلاب اسلامی بعد از این، دچار یک مشکل داخلی شد که آن هم از آثار تهاجم فرهنگی بود که در دهه هفتاد اتفاق افتاد. از اواسط دهه هفتاد شکل گرفت و موج مخرب دنیاطلبی در بین مسئولان و به تبع آنها، مردم و بعد از این دنیاطلبی، رفاه طلبی و اشرافی گری، رفته رفته، پای مفساد اقتصادی مطرح شد. یعنی مسئولی ابتدا از مواهب مشروع حکومتی موجود در اختیارش استفاده می کرد، اما گرایش غربی به این مواهب داشت. در حالی که اینها ابزاری برای مدیریت و حکومت داری بود اما رفته رفته به بیت المال دست درازی شد. یعنی مفسده و فساد پدید آمد. بنابراین از اواخر دهه هفتاد یک مشکل بزرگی در انقلاب اسلامی شکل گرفت و هنوز هم ادامه دارد. اما باز مقاومت شد؛ چون این مشکل می توانست نظام را سرنگون کند. یعنی بخشی از مسئولین سراغ دنیا رفتند -الان هم گرفتارند- اگر همه مسئولین دچار می شدند، چیزی برای مقاومت نبود و حکومت از بین می رفت و این اتفاق نیفتاد. امام خامنه‌ای (مدظله العالی) شعار مبارزه با مفساد اقتصادی را در همان اواخر دهه هفتاد مطرح و پرچم عدالت خواهی و مبارزه با فساد را در همان اوایل دهه هشتاد بلند کردند. حرکتی شکل گرفت، اما کند بود. در عین حال توانستیم بر آن هدفی که دشمن دنبال می کرد غلبه کنیم. چون دشمن در مسئله مفساد اقتصادی حتماً دست داشته است.

ما در دهه هشتاد یک هجوم سیاسی امنیتی داشتیم که جزئیات دارد

نمودار حرکت در گام اول نشان می‌دهد که اگر دو مرحله پشت سر گذاشته‌شد، در گام دوم باید سه مرحله پشت سر گذاشته شود. به همین دلیل، با همین نگاه و لحاظ این نکته، دریافت می‌شود که در گام دوم، سرعت بیشتر خواهد شد. پیشرفت در گام دوم باید شتابنده باشد؛ یعنی سرعت آن بیشتر باشد. ما در گام اول در برابر دشمن مقاومت کردیم. در گام دوم باید پیشروی شتابنده باشد.

در گام اول، سرزمین ایران ابتدا دچار یک تهاجم نظامی از سوی دشمن شد -البته شورش‌های داخلی و کودتا هم بود اما آنها بالاخره جمع می‌شد ولی جنگ یک امر فراگیر بود- تمام کشور را جنگ در بر گرفت و همه متأثر از جنگ شدند. در برابر این تهاجم نظامی، مقاومت و این تهاجم را دفع شد. بعد از این تهاجم، کشور دچار تهاجم فرهنگی شد. درست مثل همان تهاجم نظامی، حرکتی همه جانبه بسیار قدرتمند و متکی بر امکانات فراوان نظام سلطه، علیه تمامیت موجودیت انقلاب اسلامی شد. تهاجم فرهنگی، فقط به حجاب خانم‌ها کار نداشت. تهاجم علیه ایمان و به اسلام و انقلاب بود. نه فقط تهاجم به انقلاب، بلکه تهاجم به فرهنگ انقلاب بود. نه فقط به حجاب خانم‌ها -مثلاً که بعضی مطرح می‌کردند- بلکه هجوم به همه ارزش‌های اسلام بود. این امر در جنگ نرم امروز، واضح‌تر است که چطور تهاجم علیه اسلام وجود دارد. تهاجم علیه ایمان مردم و مسئولان و به اسلام و انقلاب بود و این تهاجم هم همه جانبه بود.

انقلاب اسلامی مقاومت کرد. البته مانند دفاع نظامی که دچار خسارات مادی و انسانی شد ولی شکست نخورد، در تهاجم فرهنگی نیز دچار خسارت مادی، فرهنگی، معنوی و انسانی شد، اما شکست نخورد. هدف تهاجم

ولی برجسته آن سال ۸۸ همچنین هجوم امنیتی سیاسی به انقلاب در دهه هشتاد است. بعضی‌ها گفته‌اند این از حمله نظامی عراق هم سهمگین‌تر و خطرناک‌تر بود و انقلاب اسلامی بر اینها غلبه کرد. به دنبال آن، مسئله جنگ همه جانبه اقتصادی مطرح شد و امروز هم که کشور به طور عمده در مرحله مقاومت اقتصادی است. کشور در این چهل سال دایماً مورد حمله واقع شد که مقاومت کرد. این همان تعبیر مقاومت در مقابل حمله‌های مختلف دشمن در این چهل سال است. مقاومتی که در کنار آن پیشرفت هم بوده است اما چهل سال مرحله دولت اسلامی محقق نشد. این نقطه مقداری گزنده است.

۲. تشکیل دولت اسلامی در چهل سال دوم انقلاب و ایجاد بازدارندگی

حالا قرار است در گام دوم به دولت‌سازی جامعه‌سازی و تمدن‌سازی پرداخته شود. اگر دولت‌سازی در چهل سال دوم محقق گردد، دیگر اقتصاد و فرهنگ، متأثر از بیگانه نیست. ضربه‌پذیری امروز در اقتصاد و فرهنگ، به دلیل عدم کفایت‌های مسئولین است. به دلیل نبود دولت اسلامی است. اگر چهل سال دوم از این حد گذر شود، دشمن از حمله کردن مأیوس خواهد شد. مأیوسی دشمن در عرصه نظامی قابل مشاهده است. امروز همه باور دارند و حتی دشمنان نیز بازگو می‌کنند که کسی جرأت حمله نظامی به انقلاب و کشور اسلامی ایران را ندارد. هواپیمایی برای ایران مورد تعرض قرار می‌گیرد، بلافاصله اسرائیل می‌گوید من نبودم. نتانیاهو گفته که ما حضور نظامی ایران را در مناطق شمالی خود تحمل نمی‌کنیم. آقای نتانیاهو یادش رفته که اصحاب او می‌گفتند می‌خواهیم از نیل تا فرات حکومت تشکیل دهیم! این نشانگر این است که دیگر انقلاب اسلامی در بُعد نظامی منفعل

نیست و دچار حمله نمی‌شود. حرف همین است.

همانطور که انقلاب اسلامی در چهل سال اول توانست در مقابل حمله، بازدارندگی ایجاد کند، در عرصه نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز باید همین کار را کند. این با تحقق دولت اسلامی اتفاق می‌افتد.

بنابراین از مرحله مقاومت در عرصه‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، باید به مرحله بازدارندگی در این عرصه‌ها منتقل شد. کما اینکه امام خامنه‌ای (مدظله العالی) در مورد بازدارندگی مطالبی را دارند. و یک مرحله بالاتر از بازدارندگی هم هست.

اگر بتوان فضای مقاومت - به معنای فضای هجوم علیه انقلاب در عرصه‌ها - را تغییر داد، از مرحله مقاومت عبور خواهد کرد و به مرحله بازدارندگی و از مرحله بازدارندگی نیز به مرحله پیشروی خواهد رسید. این تفاوت ماهوی بین این دو حرکت است.

اینکه چرا کشور در گام اول دچار حمله و مقاومت شد بحث مفصلی است که در این نوشتار نمی‌گنجد فقط سرخط‌هایی خواهیم گذاشت که گسترش آن نیازمند مطالعه و تحقیق است. کشور می‌توانست در این چهل سال، از هجوم‌های فرهنگی و اقتصادی دشمن جلوگیری کند. فرض بر اینکه کشور در مسئله نظامی دچار غافلگیری شد، انقلاب اسلامی برای نیفتادن این اتفاق چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ امام در ماه‌های اول بعد از انقلاب مطالبی را فرمودند که اگر مراقبت می‌شد، سال ۵۹ آن گرفتاری‌ها پیش نمی‌آمد. حالا انقلابیون چه کاری باید انجام می‌دادند که دشمن به حمله نظامی طمع نمی‌کرد، بماند.

در مورد حمله‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هم همین طور است. یک

کارهایی باید می‌شد که نشد و الان می‌توان با بازگشت و آسیب‌شناسی آن مراحل، از این مرحله مقاومت به مرحله پیشروی، ایجابی و حرکت به سمت اهداف منتقل شد.

در یک ارزیابی کلی، واقعاً گام اول یک چله پرافتخار بود و پیشرفت‌هایی نیز داشت. اما به تعبیر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در بیانیه، می‌توانست بسی جلوتر باشد. اگر بی‌توجهی به شعارهای انقلاب و غفلت از جریان انقلابی نبود، امروز دستاوردها بسی بیشتر بود و کشور در حرکت به سمت آرمان‌های بزرگ جامعه، بسی جلوتر بود و بسیاری از مشکلات کنونی وجود نمی‌داشت. می‌توان پرشتاب‌تر، کم هزینه‌تر و آسیب‌ناپذیرتر حرکت کرد.

